



برنامه جمعیتی الگوی پیشرفت اسلامی

محورهای جلسه:

۱. جایگاه برنامه جمعیتی الگوی پیشرفت اسلامی در نقشه الگوی پیشرفت اسلامی کجاست؟
۲. معنای زاویه دید الگوی پیشرفت اسلامی چیست؟
۳. رابطه میان "جمعیت" و "فرزندآوری" با درک افراد از "خانواده" چیست؟
۴. کدام یک از نظامات اجتماعی درک مردم از خانواده و جمعیت را تنزل می‌دهند؟
۵. برنامه اجرایی الگوی پیشرفت اسلامی برای جمعیت چیست؟

الاحمره

وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِيُونٌ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ
اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ

سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۴۶

و چه بسیار از پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگیدند، پس در مقابل آنچه در راه خدا به آنان رسید سستی نکردند و ناتوان نشدند و سر تسلیم و ذلت فرود نیاوردند؛ و خدا شکیبایان را دوست دارد.

شناسنامه:

متن پیش‌رو (ویرایش اول) صد و بیست و چهارمین مکتوب از نوع ششم محصولات مرتبط با نقشه‌الگوی پیشرفت اسلامی (پیاده‌فوری) است. محتوای این محصول، متن پیاده‌شده گفتگوی حجت‌الاسلام و المسلمین علی‌کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) با موضوع «تعیین برنامه جمعیتی الگوی پیشرفت اسلامی» که در جمع برخی از فعالین حوزه جمعیت و خانواده در تاریخ ۲۵ خرداد ۱۴۰۱ در شهر مبارک قم برگزار شده است. پیشنهاد می‌شود این جزوه در قطع وزیری منتشر شود.

تبیین برنامه جمعیتی الگوی پیشرفت اسلامی

جایگاه برنامه جمعیتی الگو

در نقشه الگوی پیشرفت اسلامی

انواع نظریات در نقشه الگوی پیشرفت اسلامی

نظریات بخشی

- مقررات فقهی ساختمان
- نظریه آموزش و پرورش آینده
- نظریه آداب انعقاد نطفه
- مسئله محرومیت زدایی
- نظریه پیشگیری ساختاری از بیماری
- «مسئله جمعیت»**
- فقه الامام: یکی از نه سرفصل طبقه بندی فقهی علوم در عاقلیه با طبقه بندی رایج علوم (اسانی به نوری)

- فقه الامام
- فقه العلم
- فقه التزکیه
- فقه المکاسب
- فقه العبره
- فقه النظم
- فقه الفرقان
- فقه البیان
- فقه نفی سبیل

معنای زاویه دید الگوی پیشرفت اسلامی

تعریف زاویه دید الگوی پیشرفت اسلامی

تاثیر نظامات اجتماعی بر تمامی موضوعات

«الناس بأمرانهم أشبه بهمهم» (تحف العقول، ج ۱، ص ۲۰۸)

مؤشر بر تاثیرگذاری حاکمان بر فرزندان بیشتر از والدین!

روایاتی در باب تاثیر نظامات اجتماعی بر تمامی موضوعات (مانند: جمعیت)

مجموعه روایات باب سلطان

مؤشر بر تاثیرگذاری سلاطین و حاکمان بر فرزندان تمامی موضوعات

رابطه «خانواده» و «انعقاد نطفه»

تاثیر فراوان انعقاد نطفه بر پایه گذاری استعداد و ظرفیت اولیه انسان

رابطه «خانواده» و «امنیت»

آموزش شنا، اسب سواری و تیراندازی به فرزند: از وظایف پدر و زمینه ساز آمادگی جسمی در مردم و افزایش امنیت در جامعه

رابطه «خانواده» و «آموزش»

آموزش کتاب الله و آداب: از جمله وظائف پدر نسبت به فرزندان

رابطه «خانواده» و «رفع فقر»

تحقق محرومیت زدایی غیر متمرکز در مقابل محرومیت زدایی متمرکز

مفهوم «خانواده» در آیات و روایات: (کارکردهای خانواده)

رابطه میان جمعیت و فرزندآوری با درک افراد از خانواده

فرزندآوری: ثمره ارتقاء درک افراد از مفهوم خانواده

رابطه «خانواده» و اشتغال و تولید و تجارت و طبقه بندی مشاغل

هدایت افراد به مشاغل برتر (کشاورزی، باغداری، دامداری و خیاطی)

رابطه «خانواده» و «تفریح»

اختلال در تمام ابعاد زندگی

نظام تولید و اشتغال (تولید صنعتی و متمرکز)

نمونه‌هایی از عوامل منفی مؤثر بر خانواده و جمعیت در نظام تولید و اشتغال:

- نوع استخدام و قرارداد های کارگری
- وجود شرایط نامناسب برای اشتغال بانوان
- فاصله طولانی محل کار از محل سکونت و میزان ساعات کاری
- اصلاح طبقه بندی مشاغل بر اساس مشاغل برتر
- ایجاد بازارهای موقت
- جاری شدن «عقود مبادله» و تبدیل ابزار مبادله از پول اعتباری به پول طلا و پول نقره

تثبیت قانون مرخصی زایمان، شناسایی مشاغل دورکار و متناسب برای خانم ها و احیای زیست بوم مشاغل خانگی و ...

در محل پرتدد، رایگان و موقت از حیث بهره برداری

برنامه جمعیتی الگوی پیشرفت اسلامی

ساختارهای اجتماعی مؤثر بر در تنزل درک افراد از خانواده

نظام آموزش و پرورش

نهاد خانواده

تقویت خانواده‌های متکفل آموزش و تربیت فرزندان

نظام مدیریتی شهری فعلی

اشکال اصلی:

- عدم تامین نیازهای خانواده در محله
- بازتعریف مفهوم محله
- محله محورگردن عملکرد مساجد، ائمه جمعه و جماعات

نظام مهندسی و ساختمان

مهم ترین اقدامات برای اصلاح:

- ساخت خانه در قالب دارواسعه
- تصویب قانون احیاء موات

نظام مشاوره غلط درباره ی بارداری و زایمان

طرح وزارت بهداشت با نام «مراقبت های ادغام یافته باروری سالم و جمعیت»

- طرح غربالگری
- تجویز دارو بر اساس استخراج ماده مؤثره

برنامه ی اجرایی الگوی پیشرفت اسلامی برای جمعیت

تدوین و تدریس دفترچه راهنمای مشاغل خانگی

تدوین و تدریس برنامه اجرایی آموزش و پرورش آینده

تدوین برنامه مدیریت شهری و محلات مطلوب برای ائمه جمعه و جماعات و شهرداری ها

طراحی و انتشار نقشه دارواسعه، بازار موقت، مسجد محله و نقشه کلان محله

برگزاری نشست تخصصی «طیب مشاور فرزندان آوری»

راه اندازی گفتگو و مباحثه حو برنامه جمعیتی الگو (در جمع فعالان عرصه جمعیت و خانواده)

فهرست مطالب:

- مقدمه: ۹
- تبيين اجمالی فهرست برنامه جمعیتی الگوی پیشرفت اسلامی ۹
- وجود صبر و عزم جدی در تشریح و تبیین نظریات؛ لازمه پرداختن به مسائل تمدنی ۱۱
- عدم درک تمدنی مدیران کشور؛ مهم‌ترین مانع رشد و پیشرفت جمهوری اسلامی ۱۲
۱. سرفصل اول: جایگاه برنامه جمعیتی الگوی پیشرفت اسلامی در نقشه الگوی پیشرفت اسلامی کجاست؟ ۱۴
- ۱.۱ نظریات بخشی؛ نوع اول برنامه‌ها و نظریات نقشه الگوی پیشرفت اسلامی ۱۴
- ۱.۱.۱ مقررات فقهی ساختمان، نظریه آموزش و پرورش آینده و نظریه آداب انعقاد نطفه؛ نمونه‌هایی از نظریات بخشی
نقشه الگوی پیشرفت اسلامی ۱۴
- ۱.۲ نظریات فرابخشی (جامع)؛ نوع دوم نظریات و برنامه‌های نقشه الگوی پیشرفت اسلامی ۱۵
- ۱.۲.۱ مسئله جمعیت، مدیریت شهری، محرومیت‌زدایی، سلامت و اشتغال؛ نمونه‌هایی از نظریات فرابخشی و
بین‌رشته‌ای نقشه الگوی پیشرفت اسلامی ۱۵
- ۱.۲.۲ جانمایی تمام نظریات فرابخشی نقشه الگوی پیشرفت اسلامی ذیل "فقه‌الامام" ۱۷
- ۱.۲.۲.۱ جامعیت (فرابخشی‌بودن) یک موضوع؛ ملاک جانمایی نظریات ذیل "فقه‌الامام" ۱۷
- ۱.۳.۱ طبقه‌بندی فقهی علوم در مقایسه با طبقه‌بندی رایج علوم (انسانی، پایه، تجربی)؛ دفاع تفصیلی از مرجعیت علمی
اهل بیت: ۱۸
۲. سرفصل دوم: معنای زاویه دید الگوی پیشرفت اسلامی چیست؟ ۲۱
- ۲.۱ تاثیر نظامات اجتماعی بر تمامی موضوعات؛ معنای زاویه دید الگوی پیشرفت اسلامی ۲۱
- ۲.۱.۱ مثال‌هایی در مورد تاثیر نظامات اجتماعی بر تمامی موضوعات: ۲۱
- ۲.۱.۱.۱ تاثیر نظامات دانشی (مثل بیوتکنولوژی)، نظامات حمل و نقل و نظامات قانونی و... بر موضوع "کشاورزی"
و "غذا"؛ مثالی از تاثیر نظامات اجتماعی بر تمامی موضوعات ۲۱
- ۲.۱.۱.۲ تاثیر نظامات اجتماعی بر موضوع "نماز"؛ مثالی دیگر از تاثیر نظامات اجتماعی بر تمامی موضوعات ... ۲۲
- ۲.۱.۱.۳ تاثیر نظامات اجتماعی بر موضوع "جمعیت"؛ مثالی دیگر از تاثیر نظامات اجتماعی بر تمامی موضوعات ۲۳
- ۲.۲ روایاتی در مورد تاثیر "نظامات اجتماعی" بر تمامی موضوعات: ۲۳
- ۲.۲.۱ روایت اول: «الْأَنسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ» ۲۳

- ۲.۲.۱.۱ شباهت فرزندان به حاکمان بیشتر از شباهت آنان به پدر و مادر! (با وجود تاثیر بی‌بدیل پدر و مادر بر تربیت فرزند)؛ محتوای روایت «الْأَناسُ بِأَمْزَانِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِآبَائِهِمْ» ۲۳
- ۲.۲.۳.۱.۱.۱ تنظیم نظم اجتماعی توسط حاکمان؛ علت شباهت فرزندان به حاکمان بیشتر از شباهت آنان به پدر و مادر ۲۵
- ۲.۲.۲ روایت دوم: مجموعه روایات باب سلطان (مُشْعِرٌ بر تاثیرگذاری سلاطین و حاکمان (سازندگان نظامات اجتماعی) بر تمامی موضوعات) ۲۶
- ۲.۲.۲.۱ روایات باب خوف از سلطان؛ مصداقی از مجموعه روایات باب سلطان ۲۶
- ۲.۲.۲.۲ عباراتی مانند: «سلطان نَبینا»، «سلطان جائر» و «سلطان عادل»؛ مصداقی دیگر از مجموعه روایات باب سلطان ۲۷
۳. سرفصل سوم: رابطه میان "جمعیت" و "فرزندآوری" با درک افراد از "خانواده" چیست؟ ۳۰
- ۳.۱ متأثر بودن بحث "جمعیت" و "فرزندآوری" از درک افراد از مفهوم "خانواده"؛ بحث مهم و مطرح در سرفصل سوم ... ۳۰
- ۳.۲ تبیین مفهوم "خانواده" از منظر آیات و روایات: (کارکردهای خانواده) ۳۰
- ۳.۲.۱ خانواده و انعقاد نطفه؛ اولین بحث مرتبط با خانواده در آیات و روایات ۳۰
- ۳.۲.۱.۱ تاثیر فراوان انعقاد نطفه بر پایه‌گذاری استعداد و ظرفیت اولیه انسان؛ مهم‌ترین بحث در رابطه بین خانواده و انعقاد نطفه ۳۰
- ۳.۲.۱.۱.۱ تاثیر خوردن «په» قبل از انعقاد نطفه بر زیبایی فرزند؛ نمونه‌ای از تاثیر انعقاد نطفه بر پایه‌گذاری استعداد و ظرفیت اولیه انسان ۳۱
- ۳.۲.۱.۱.۲ استفاده از «کُندر نر» در دوران بارداری بر افزایش هوش در فرزند پسر و زیبایی اندام در فرزند دختر؛ نمونه‌ای دیگر از تاثیر انعقاد نطفه بر پایه‌گذاری استعداد و ظرفیت اولیه انسان ۳۲
- ۳.۲.۱.۱.۳ تاثیر خربزه با پنیر در دوران بارداری بر زیبایی فرزند؛ نمونه‌ای دیگر از تاثیر انعقاد نطفه بر پایه‌گذاری استعداد و ظرفیت اولیه انسان ۳۲
- ۳.۲.۱.۱.۴ تاثیر انعقاد نطفه در شب و روز عید قربان بر ایجاد مشکل جسمی در فرزند؛ نمونه‌ای دیگر از تاثیر انعقاد نطفه بر پایه‌گذاری استعداد و ظرفیت اولیه انسان ۳۳
- ۳.۲.۲ خانواده و امنیت؛ دومین بحث مرتبط با خانواده در آیات و روایات ۳۳
- ۳.۲.۲.۱ آموزش شنا، اسب‌سواری و تیراندازی به فرزند؛ از وظایف پدر و زمینه‌ساز آمادگی جسمی در مردم و افزایش امنیت در جامعه ۳۴

- ۳۵..... ۳.۲.۲.۱.۱ تقویت عضلات و تمرکز افراد؛ از جمله فایده‌های آموزش تیراندازی با تیرکمان
- ۳۵..... ۳.۲.۲.۱.۲ بدن‌سازی طبیعی و تقویت قوای جنسی مرد؛ از جمله فواید آموزش اسب‌دوانی
- ۳۶..... ۳.۲.۳ خانواده و آموزش؛ سومین بحث مرتبط با خانواده در آیات و روایات
- ۳۶..... ۳.۱.۳.۱ آموزش کتاب‌الله و آداب؛ یکی از وظائف پدر نسبت به فرزندان
- ۳۸..... ۳.۲.۴ خانواده و رفع فقر؛ چهارمین بحث مرتبط با خانواده در آیات و روایات
- ۳۹.. ۳.۲.۵ خانواده و اشتغال، تولید و تجارت و طبقه‌بندی مشاغل؛ پنجمین بحث مرتبط با خانواده در آیات و روایات
- ۳.۱.۵.۱ هدایت افراد به مشاغل صحیح کشاورزی، باغداری و دامداری و بازداشتن افراد از مشاغل مکروه مثل
- ۳۹..... صرافی، خواروبارفروشی و پزشکی؛ از جمله نتایج مدیریت مشاغل با خانواده
- ۳.۱.۵.۱.۱ ناکارآمدی مشاغل موجود در حوزه غذا و وابستگی به خارج از کشور در این حوزه؛ دو علت برای
- ۴۴..... ضرورت باز تعریف مشاغل برتر در کشور
- ۴۴..... ۳.۲.۶ خانواده و تفریح؛ ششمین بحث مرتبط با خانواده در روایات
- ۴۶..... ۳.۳ فرزندآوری؛ ثمره ارتقاء درک افراد از مفهوم خانواده
- ۳.۳.۱ عدم تمایل به فرزندآوری، از بین رفتن مشاغل خانوادگی، عهده‌دارنشدن آموزش فرزندان و...؛ برخی از ثمرات
- ۴۷..... تنزل درک افراد از مفهوم خانواده
- ۳.۳.۲ ناتوانی در مدیریت تولید و توزیع مواد غذایی؛ یکی از عواقب مدیریت متمرکز توسط دولت و عدم دخالت‌دادن
- ۴۸..... خانواده‌ها در اداره حکومت (تنزل درک دولت از مفهوم خانواده)
- ۳.۳.۲.۱ پایه‌گذاری عدالت در تولید و برداشتن بار اضافی از روی دوش دولت؛ دو نمونه از فوائد دخالت‌دادن
- ۴۹..... خانواده‌ها در حوزه تولید
- ۳.۴ افزایش اختیارات خانواده در اداره جامعه و یا از بین بردن حاکمیت خانواده و تفویض اختیارات آن به سیستم‌ها و سازمان‌ها توسط حکومت مرکزی؛ تفاوت اصلی الگوی پیشرفت اسلامی با الگوی توسعه غربی در حوزه خانواده
- ۴۹.....
- ۴. سرفصل چهارم: کدام یک از نظامات اجتماعی درک مردم از خانواده و جمعیت را تنزل می‌دهند؟ ۵۴**
- ۴.۱ نظام تولید و اشتغال (تولید صنعتی و متمرکز)؛ اولین و مهم‌ترین مصداق از نظامات اجتماعی موثر بر تنزل درک مردم از خانواده و جمعیت
- ۵۴.....
- ۴.۱.۱ قراردادهای استخدام و اجاره کارگر؛ نمونه‌ای از عوامل منفی موثر بر خانواده و جمعیت در نظام تولید و اشتغال
- ۴.۱.۲ وجود شرایط نامناسب برای اشتغال بانوان؛ نمونه‌ای دیگر از عوامل منفی موثر بر خانواده و جمعیت در نظام تولید و اشتغال
- ۵۴.....
- ۴.۲ راهکارهایی برای اصلاح نظام تولید و اشتغال: ۵۵.....

- ۴.۲.۱ تثبیت قانون مرخصی زایمان، شناسایی و راه‌اندازی مشاغل دورکار، و احیاء زیست‌بوم مشاغل خانگی و محله‌ای برای بانوان؛ سه راهکار برای اصلاح نظام تولید و اشتغال (ویژه اشتغال بانوان) ۵۵
- ۴.۲.۲ طبقه‌بندی صحیح مشاغل بر اساس مشاغل برتر (کشاورزی، دامداری، باغداری و خیاطی)؛ راهکار چهارم برای اصلاح نظام تولید و اشتغال ۵۶
- ۴.۲.۳ ایجاد بازارهای موقت؛ راهکار پنجم برای اصلاح نظام تولید و اشتغال ۵۷
- ۴.۲.۳.۱ رایگان‌بودن، ساخت در محل‌های ثابت و پرتدد، و موقت‌بودن از حیث بهره‌برداری؛ برخی از ویژگی‌های بازارهای موقت ۵۷
- ۴.۱.۳ طولانی‌بودن فاصله محل کار از محل سکونت و میزان ساعات کاری؛ نمونه‌ای دیگر از عوامل منفی موثر بر خانواده و جمعیت در نظام تولید و اشتغال ۵۹
- ۴.۳ امکان ارتقاء ۶۰ درصد از مشاغل کشور به سمت تولید خانگی و محله‌ای در بخش تولید غذا؛ برنامه‌ای برای اصلاح و تبدیل نظام تولید و مشاغل کشور از "الگوی صنعتی و متمرکز" به "الگوی خانگی و محله‌ای" ۵۹
- ۴.۲.۴ جاری‌شدن "عقود مبادله" و تبدیل "ابزار مبادله" به پول طلا و پول نقره؛ راهکارهای ششم و هفتم برای اصلاح نظام تولید و اشتغال ۶۰
- ۴.۲ نظام آموزش و پرورش؛ دومین مصداق از نظامات اجتماعی موثر بر تنزل درک مردم از خانواده و جمعیت ۶۱
- ۴.۲.۱ تربیت فرزندان ما در راستای آمادگی برای "جذب بازارکار"، نه "مسئولیت خانوادگی"؛ اشکال اصلی نظام آموزشی کشور ۶۱
- ۴.۲.۲ نهاد خانواده؛ بهترین جایگزین نظام آموزش و پرورش کشور ۶۱
- ۴.۲.۲.۱ توانایی آموزش به فرزندان؛ اولین ویژگی خانواده‌های متکفل آموزش ۶۱
- ۴.۲.۲.۱.۱ وجود سه لازمه اصلی آموزش (دلسوزی، دقت و شناخت) در خانواده در حدّ بالا؛ دلیل بر عدم تفویض آموزش به سیستم آموزشی و برتری خانواده برای آموزش به فرزندان ۶۱
- ۴.۲.۲.۱.۲ ارائه ۱۵۰ پیشنهاد در "نظریه آموزش و پرورش آینده" در راستای ایجاد توانایی در خانواده‌ها برای تکفل آموزش فرزندان ۶۲
- ۴.۳ .نظام مدیریت شهری؛ سومین مصداق از نظامات اجتماعی موثر بر تنزل درک مردم از خانواده و جمعیت ۶۳
- ۴.۳.۱ مدیریت شهری منطقه‌محور و عدم تامین نیازهای خانواده درون محله؛ اصلی‌ترین مشکل نظام مدیریت شهری ۶۳
- ۴.۳.۲ چند اقدام برای اصلاح نظام مدیریت شهری: ۶۳
- ۴.۳.۲.۱ بازتعریف مفهوم محله؛ اولین اقدام برای اصلاح نظام مدیریت شهری ۶۳

- ۴.۳.۲.۱.۱ محله‌های اضطراری (مجموعه‌ها آپارتمانی)، وابسته و مستقل؛ انواع سه‌گانه محله در مباحث مدیریت شهری محله‌محور ۶۳
- ۴.۳.۱ محله‌محور شدن عملکرد مساجد، ائمه جمعه و جماعات؛ دومین اقدام برای اصلاح نظام مدیریت شهری ... ۶۴
- ۴.۴. نظام مهندسی و ساختمان؛ چهارمین مصداق از نظامات اجتماعی موثر بر تزلزل درک مردم از خانواده و جمعیت ... ۶۵
- ۴.۴.۱ ساخت خانه در قالب "دار واسعه" (به جای آپارتمان) و تصویب قانون احیاء موات؛ مهم‌ترین اقدامات جهت احیای خانواده ۶۵
- ۴.۵ نظام مشاوره غلط در مورد بارداری و زایمان؛ پنجمین مصداق از نظامات اجتماعی موثر بر تزلزل درک مردم از خانواده و جمعیت ۶۸
- ۴.۵.۱ طرح وزارت بهداشت با نام "مراقبت‌های ادغام‌یافته باروری سالم و جمعیت"؛ نمونه‌ای از نظام مشاوره غلط در مورد بارداری و زایمان ۶۸
- ۴.۵.۱.۱ طرح غربالگری؛ بخشی از طرح "مراقبت‌های ادغام‌یافته باروری سالم و جمعیت" ۶۹
- ۴.۵.۱.۲ تجویز داروهایی (مانند: آهن و اسید فولیک) بر اساس استخراج و تجویز ماده موثره؛ یکی از اشکالات مبنایی طرح "مراقبت‌های ادغام‌یافته باروری سالم و جمعیت" ۷۰
- ۴.۵.۲ اصلاح انعقاد نطفه، اصلاح مراقبت‌های دوران بارداری و اصلاح مراقبت‌های زمان زایمان؛ سه سرفصل پیشنهادی الگوی پیشرفت اسلامی برای اصلاح نظام مشاوره بارداری و زایمان ۷۰
۵. سرفصل پنجم: برنامه اجرایی الگوی پیشرفت اسلامی برای جمعیت چیست؟ ۷۲
- ۵.۱ تدوین و تدریس دفترچه راهنمای مشاغل خانگی و محله‌ای؛ اولین برنامه اجرایی جمعیتی الگوی پیشرفت اسلامی ۷۲
- ۵.۲ تدوین و تدریس برنامه اجرایی آموزش و پرورش آینده؛ دومین برنامه اجرایی جمعیتی الگوی پیشرفت اسلامی ۷۲
- ۵.۳ تدوین برنامه مدیریت شهری و محلات مطلوب برای ائمه جمعه و جماعات و شهرداری‌ها؛ سومین برنامه اجرایی جمعیتی الگوی پیشرفت اسلامی ۷۲
- ۵.۴ طراحی و انتشار نقشه ساختمان (دار واسعه)، بازارهای موقت، مسجد محله و نقشه کلان محله؛ چهارمین برنامه اجرایی جمعیتی الگوی پیشرفت اسلامی ۷۳
- ۵.۵ برگزاری نشست تخصصی "طیب مشاور فرزندان آوری"؛ پنجمین برنامه اجرایی جمعیتی الگوی پیشرفت اسلامی ... ۷۴
- ۵.۶ راه‌اندازی گفتگو و مباحثه حول "برنامه جمعیتی الگوی پیشرفت اسلامی" در جمع فعالان عرصه جمعیت و خانواده جهت ارتقاء و رفع اشکالات؛ ششمین اقدام جهت ارتقای درک افراد از خانواده ۷۴
- پیوست‌ها: ۷۹
- پیوست شماره ۱: بررسی رجالی روایت «العلم سلطان» ۸۱

پیوست شماره ۲: روایاتی در مورد تاثیر فراوان انعقاد نطفه بر ویژگی‌های جسمی و روحی فرزند ۸۶

پیوست شماره ۳: روایاتی در مورد معرفی مشاغل برتر (کشاورزی، باغداری، دامداری و خیاطی) ۹۱

پیوست شماره ۴: آمارهایی در مورد خطاهای مکرر غربالگری در ایران! ۱۰۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا وَشَفِيعِنَا فِي يَوْمِ الْجَزَاءِ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ سَيِّمًا بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ أَرْوَاحِنَا لِأَمَالِهِ الْفِدَاءِ وَعَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ وَاللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلَى أَعْدَائِهِ أَعْدَاءِ اللَّهِ مِنَ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ.

همان‌طور که به استحضار برادران و خواهران گرامی رسیده است نشست تخصصی امروز به تبیین اجمالی «برنامه جمعیتی الگوی پیشرفت اسلامی» اختصاص دارد. ان‌شاءالله بفضل تبارک و تعالی و به برکت حوصله و حلمی که به خرج می‌دهید، سعی می‌کنیم برنامه جمعیتی نسبتاً جامعی را در جلسه امروز تشریح کنیم.

ان‌شاءالله اگر توفیق دیگری برای ما باقی بود، می‌توانیم برنامه امروز را در جلسات دیگری تشریح کنیم. در مجموع برای آنکه عنوان «برنامه جمعیتی الگوی پیشرفت اسلامی» تبیین شده و در ذهن شما جا بگیرد، پیرامون پنج محور بحثی خدمتتان مباحثی را ارائه خواهیم داد. این محورها هرکدام یک تبیین و یک روشن‌گری را درباره این برنامه جمعیتی به عهده دارد که اجمالاً طرح موضوع می‌کنم و در ادامه به طور تفصیلی‌تر به آنها خواهیم پرداخت.

مقدمه:**تبیین اجمالی فهرست برنامه جمعیتی الگوی پیشرفت اسلامی**

سؤال و محور اول دربارهٔ جانمایی "برنامه جمعیتی الگوی پیشرفت اسلامی" در "نقشه الگوی پیشرفت اسلامی" است. [به عبارت دیگر: برنامه جمعیتی الگوی پیشرفت اسلامی در کدام بخش از نقشه الگوی پیشرفت اسلامی قرار دارد؟] مستحضر هستید که "شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی"، نقشه‌ای را برای پیشرفت کشور پیشنهاد داده است که دارای ابعاد مختلفی است و مسائل متفاوتی را شامل می‌شود. پس در ابتدا جایگاه "برنامه جمعیتی الگوی پیشرفت اسلامی" در "نقشه الگوی پیشرفت اسلامی" و نسبت این برنامه و برنامه‌های دیگر در نقشه را خدمتتان عرض می‌کنم. همان‌طور که استحضار دارید مباحث الگوی پیشرفت اسلامی در موضوعاتی مثل ساختمان، مدیریت شهری،^۱ طبقه‌بندی علوم،^۲ حوزه سلامت و ده‌ها حوزه دیگر^۳ ورود پیدا

۱. **ارجاع پژوهشی:** جهت مطالعه بیشتر در مورد «نظریه مدیریت شهری محله‌محو»؛ به مکتوبات زیر از سری مکتوبات شورای راهبردی دوره مدیریت شهری محله محور (۱۰ جلسه - مدرسه علمیه مروی تهران - تیرماه سال ۱۳۹۵):

<https://eitaa.com/olgou4/2743>

نشست تخصصی مدیریت شهری محله محور (اداره کل تبلیغات اسلامی مشهد - شهریور ۹۸):

<https://eitaa.com/olgou4/2151>

دوره مدیریت شهری محله محور (۷ جلسه - سپاه بابلسر - شهریور ۱۳۹۹):

<https://eitaa.com/olgou4/2774>

طرح تمدنی محله امام رضا علیه السلام (شهرداری مشهد - دی ماه ۱۴۰۰):

<https://eitaa.com/olgou4/3978>

برنامه فقهی ارتقای مدیریت شهری قم (ساختمان خاتم - اردیبهشت ۱۴۰۱):

<https://eitaa.com/olgou4/4892>

۲. **ارجاع پرورشی:** پیرامون علم و طبقه بندی علم مکتوب طبقه بندی فقهی علوم تقدیم می‌گردد. در طبقه بندی فقهی علوم در قالب چهار محور بحثی به تبیین و تشریح این نظریه پرداخته شده است که عبارتند از: ۱. معنای طبقه بندی علوم ۲. اشکالات طبقه بندی فعلی علوم ۳. معرفی طبقه بندی جدید علم ۴. سرفصل های ۹ گانه علم در طبقه بندی جدید علم. جهت مطالعه بیشتر به نشانی زیر مراجعه نمایید:

خبرگزاری رسمی حوزه: <https://hawzahnews.com/x9Py7>

۳. **ارجاع پردازشی:** برخی دیگر از نظریات و مکتوبات شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی (مدرسه فقهی هدایت) عبارتند از:

نقشه جامع تمدن اسلامی: <https://eitaa.com/olgou4/3737>

نظریه امنیتی اسلام: <https://eitaa.com/olgou4/2257>

فقه المکاسب: <https://eitaa.com/olgou4/3282>

الگوی جدید مدیریت روستا: <https://eitaa.com/olgou4/3731>

نظریه فقهی کرسی (نجوم): <https://eitaa.com/olgou4/3207>

نظریه فقهی تأویب: <https://eitaa.com/olgou4/3203>

نظریه سیاست خارجی قبل از ظهور: <https://eitaa.com/olgou4/3639>

طرح جایگزین هوش مصنوعی: <https://eitaa.com/olgou4/3650>

کرده است و در این سرفصل نسبت "برنامه جمعیتی الگوی پیشرفت اسلامی" و موضوعات مذکور را خدمتتان شرح خواهم داد.

سؤال و محور دوم به شرح اصطلاح «با زاویه دید الگوی پیشرفت اسلامی» اختصاص دارد. همان‌طور که از عنوان جلسه برداشت می‌شود، می‌خواهیم برنامه جمعیتی را بر اساس نگاه، مفاهیم و مبنای الگوی پیشرفت اسلامی مطرح و بحث کنیم؛ یعنی به اصطلاح می‌خواهیم روش تحقیق الگوی پیشرفت اسلامی که حاکم بر این برنامه است را خدمتتان تبیین و تشریح کنیم. به عنوان مقدمه بحث "الگوی پژوهش" حاکم بر برنامه جمعیتی الگوی پیشرفت اسلامی را خدمتتان توضیح خواهم داد. البته همان‌طور که می‌دانید این روش تحقیق به برنامه جمعیتی الگوی پیشرفت اسلامی اختصاص ندارد و در موضوعات مختلف مثل برنامه عفاف و حجاب هم این الگو جاری است و بر همین اساس است که با زاویه دید الگوی پیشرفت اسلامی وارد این موضوع می‌شویم. این روش تحقیق موجب ارائه تحقیقی دقیق‌تر و تحلیلی جامع‌تر از جمعیت خواهد شد. در انتهای این محور به شکل اجمالی و اندک از ویژگی و فوائد این روش تحقیق نیز مباحثی را مطرح خواهیم کرد.

سؤال و محور سوم عرائض بنده به تبیین نسبت میان مسئله فرزندآوری، جمعیت و درک افراد از خانواده اختصاص دارد. ما معتقدیم علت کاهش آمار فرزندآوری، تنزل درک افراد از خانواده است. ارتباطی مستقیم میان این دو موضوع وجود دارد و به نظر ما نسبت میان این دو موضوع مانند نسبت میان مادر و فرزند است. به این معنا که اگر توانستید درک افراد از مسئله خانواده و جایگاه آن را ارتقاء دهید، شما خواهید توانست میوه شیرین افزایش جمعیت باکیفیت را تجربه کنید. نباید مسیر دیگری غیر از مسئله تغییر درک از تقویت خانواده را دنبال کرد. این عرض ما در محور سوم است. بنده شرح خواهم داد که چه عواملی در کشور جمهوری اسلامی باعث تنزل نگاه افراد به خانواده شده است؟ و یکی از ثمرات نگاه تنزل یافته به خانواده هم کاهش جمعیت در ایران شده است؛ بنابراین باید سعی کنیم برای افراد مزایای خانواده را تبیین کنیم. این کار ماست. این سرفصل مهم‌ترین سرفصل مباحث امروز است. اگر ما تمرکز کرده و درک افراد از خانواده را ارتقاء دادیم می‌توانیم ثمره فرزندآوری مناسب و تربیت صحیح اولاد را به دست بیاوریم. البته ذیل این سرفصل درک صحیح از خانواده مطلوب را ارائه خواهم داد. اصطلاح "حاکمیت خانواده" در الگوی پیشرفت اسلامی به این

طرح جایگزین پول اعتباری: <https://eitaa.com/olgou4/3258>

جعبه فقهی شخصیت: <https://eitaa.com/olgou4/2989>

استراتژی فقهی صنعت و تکنولوژی: <https://eitaa.com/olgou4/3152>

الگوی فقهی ساخت: <https://eitaa.com/olgou4/2952>

تعریف فقه نظام: <https://eitaa.com/olgou4/2877>

اولین برنامه پیشرفت اسلامی: <https://eitaa.com/olgou4/2692>

معناست که خانواده مطلوب در اسلام کارکردهای حکومتی دارد. بنده سعی می‌کنم این مسئله را شرح دهم تا درک فعلی از خانواده که درکی مدرن از خانواده است با درک پیشنهادی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام قدری متناسب‌سازی شود.

سؤال و محور چهارم به شناسایی و معرفی ساختارهای اجتماعی ضد خانواده اختصاص دارد. برخی از نظامات اجتماعی حاکم بر کشور ما بر ضد نهاد مبارک خانواده عمل می‌کند. صحیح است که بگوییم برخی از سیستم‌ها و نهادهای جامعه خانواده را تخریب می‌کند. پس وقتی قصد می‌کنیم خانواده را تقویت کنیم باید این عوامل مخرب را هم از بین ببریم. در این سرفصل شرحی اجمالی از این نهادها و سیستم‌های مخرب خانواده خدمتتان ارائه خواهم کرد. در اینجا زاویه دید الگوی پیشرفت متبلور می‌شود و به وضوح خود را نشان می‌دهد. در نهایت در سؤال و محور پنجم به پیوست اجرایی برنامه جمعیتی الگوی پیشرفت اسلامی خواهم پرداخت. به عبارت دیگر در آخرین محور، "جدول تصمیم" برای تحقق برنامه جمعیتی الگوی پیشرفت اسلامی را خدمتتان تشریح خواهم کرد و در مجموع اقداماتی که باید محقق شوند تا نهاد مبارک خانواده تقویت شود را تبیین خواهم کرد. لااقل در جلسه امروز شش تصمیم مهم را پیشنهاد خواهیم داد که اگر این تصمیم‌ها اجرایی شوند در یک دهه آینده، هم فرزندآوری بیشتری خواهیم داشت و هم کیفیت نسل آینده ما بهتر خواهد بود. پس این پنج محور ارکان برنامه جمعیتی الگوی پیشرفت اسلامی است و به ارائه و جایگزینی برنامه‌ای جامع‌تر نسبت به برنامه‌های کنونی کمک می‌کند.

وجود صبر و عزم جدی در تشریح و تبیین نظریات؛ لازمه پرداختن به مسائل

تمدنی

قبل از تشریح محورهای مذکور نکته‌ای را عرض کنم: ساخت تمدن اسلامی نیاز به شرح صدر و انسان‌های اولوالعزم دارد. برخی افراد در مواجهه با موضوعات تمدنی به بهانه اینکه افراد آماده نیستند یا در دقیقه نود قرار داریم یا شرایط کشور حساس است یا بحران‌های خطیری پیشروی ماست یا عبارت‌هایی مشابه اینها؛ سعی می‌کنند اراده‌ها برای رسیدن به آرمان‌های انقلاب اسلامی را سست کنند. البته با اینکه افراد آرمان‌گرا باید واقعیت‌ها را ببینند مخالفتی ندارم؛ ولی معتقدم نباید واقعیت‌ها را به شکلی گزارش داد که مانع حرکت افراد به سمت آرمان‌ها بشویم. بنده حدس می‌زنم وقتی مجموعه این مباحثات منتشر شود برخی از افراد از این درب ورود کنند و برای این برنامه چالش ایجاد کنند. پاسخ بنده به این افراد این است. اگر شما در سال ۱۳۴۲ بودید و مرحوم امام خمینی عظیم‌الشان (ره) را درک می‌کردید که در آن شرایط خاص ایران با تسلط آمریکا بر ایران و منطقه می‌فرمود ما می‌خواهیم حکومت تشکیل دهیم در آن هنگام چه می‌گفتید؟ آن موقع که تصور کارهای

تمدنی و کارهای حکومتی بسیار سخت‌تر و غیر ممکن‌تر نسبت به الان بوده است. ما در حال حاضر اختیارات اجتماعی، نیروی کافی، تجربه چهل سال اداره حکومت و بسیار از فرصت‌های دیگر را داریم. بنده عرض می‌کنم آن موقعی افرادی که پیام امام(ره) را دریافت کردند شرایطشان خیلی سخت‌تر بود. معروف است در آن برهه از زمان یعنی سال‌های بین ۴۲ تا ۵۷ افرادی از بزرگان انقلاب که نمی‌خواهم اسم آنها را بیاورم به امام توصیه می‌کردند از پیشنهادها سازمان منافقین (سازمان مجاهدین خلق) حمایت کنید به دلیل آنکه امام در تبعید بودند، افراد دیگری مبارزه مسلحانه می‌کردند و میدان را به دست گرفته بودند. به همین جهت مجموعه از شخصیت‌های انقلاب در قالب نامه یا جلسه به امام(ره) توصیه کردند شما از اینها - از الگوی معیوب مبارزه با شاه - حمایت کنید! ولی امام(ره) نظری دیگر داشتند و معتقد بودند «خون بر شمشیر پیروز است» و به دنبال بیدارسازی توده‌های مردم بودند و از طریقی غیر از مبارزات مسلحانه مارکسیستی، سرنگونی رژیم شاه و مبارزه با ظلم شاه را پیگیری می‌کردند. به‌رحال در سال ۱۳۵۷ نظر امام عظیم‌الشان(ره) غلبه پیدا کرد.

در خاطرات انقلاب معروف است مرحوم آقای شهید سید محمد بروجردی که در ستاد استقبال از امام خمینی(ره) بودند یکی از چالش‌هایشان برداشتن پرچم‌های سازمان مجاهدین از میان پرچم‌های موجود در مراسم استقبال از امام بود. با اینکه نظر امام خمینی عظیم‌الشان(ره) در محرم سال ۵۷ پیروز شده بود؛ ولی باز هم آن‌ها می‌خواستند میوهٔ تئوری امام(ره) را به نام خود مصادره کند و برنامه این بود که در تمام طول مسیر استقبال از امام(ره) پرچم خود را به اهتزاز در بیاورند و القاء کنند که ما امام خمینی(ره) را آورده‌ایم. بنده عرض این است که: تئوری رقیب تا آخرین لحظات پیروزی [انقلاب] هم ضربه‌ها و فشارهای خود را به نظر صحیح تحمیل می‌کند. لکن استقامت کسانی که تئوری صحیح را می‌شناختند انقلاب اسلامی را از این چالش‌ها عبور داد.

عدم درک تمدنی مدیران کشور؛ مهم‌ترین مانع رشد و پیشرفت جمهوری

اسلامی

الان هم بنده مسئله را همین‌طور می‌بینم. بله؛ کشور چالش‌ها و مسائل فراوان دارد؛ لکن مهم‌ترین چالش جمهوری اسلامی عدم درک تمدنی مدیران است. اغلب مدیران جمهوری اسلامی تفاوت الگوی پیشرفت اسلامی و برنامه توسعه را متوجه نیستند و باید به مدیران توضیح داد که قرار نیست مدرنیته‌ای بومی‌سازی شده در کشور محقق شود. بلکه باید دیدگاه‌های منبعث(برآمده) از قرآن و سنت تحقق پیدا کنند تا به سمت تحقق امامت و حکومت مطلق اهل بیت (علیهم‌السلام) و شرایط قبل از ظهور حرکت کنیم.

بنابراین، از خدای متعال شرح صدر و شفاعت حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را بخواهیم که عمر خود را خرج ثمره‌های غلط مدرنیته نکنیم. از خدا بخواهیم که عمر خود را مصروف طرح‌های ساده و غیر کارآمد نکنیم و به سمت تحقق طرحی جامع و متناسب با دیدگاه‌های اسلامی برویم ولو اینکه درک این طرح نیاز به زمان داشته باشد.

۱. سرفصل اول: جایگاه برنامه جمعیتی الگوی پیشرفت اسلامی در

نقشه الگوی پیشرفت اسلامی کجاست؟

ما در نقشه الگوی پیشرفت اسلامی با دو دسته نظریه روبرو هستیم:

۱.۱ نظریات بخشی؛ نوع اول برنامه‌ها و نظریات نقشه الگوی پیشرفت اسلامی

۱.۱.۱ مقررات فقهی ساختمان، نظریه آموزش و پرورش آینده و نظریه آداب انعقاد نطفه؛

نمونه‌هایی از نظریات بخشی نقشه الگوی پیشرفت اسلامی

دسته اول نظریات، عبارت‌اند از نظریاتی که یک مسئله را تحلیل می‌کنند و توضیح می‌دهند که یک مسئله چگونه باید حل و فصل شود.

مثلاً ما در بحث "مقررات فقهی ساختمان" فقط مسئله "ساختمان" را تحلیل کرده‌ایم. در این مکتوب معایب ساخت ساختمان بر اساس الگوی معیوب آپارتمان را بحث کرده‌ایم و در یازده محور "دار و اسعه" را توضیح داده‌ایم.^۴ خانه با الگوی اسلام یازده فرق مهم با "آپارتمان" دارد.

یا مثلاً در "نظریه آموزش و پرورش آینده" فقط به تحلیل مسئله آموزش و پرورش پرداخته‌ایم. معایب سیستم آموزش و پرورش فعلی را با مزایای آموزش و پرورش آینده که خانواده‌محور خواهد بود مقایسه کرده‌ایم.^۵

یا مثلاً در "نظریه آداب انعقاد نطفه" در پنج محور مجموعه مسائل مرتبط با انعقاد نطفه را بحث و بررسی کرده‌ایم. انعقاد نطفه، پایه‌گذاری استعداد اولیه انسان، توان فکری، جمال و زیبایی انسان، اخلاق فرد و غیره است و ما در این نظریه به مجموعه آداب این حوزه پرداخته‌ایم.^۶

۴. **ارجاع پژوهشی:** پیرامون ساختمان و مقررات فقهی حاکم بر ساخت آن مکتوب **مقررات فقهی ساختمان** جهت آشنایی اجمال تقدیم می‌شود. در این مکتوب در نه محور به تبیین نگاه فقهی به ساختمان و مقررات حاکم بر ساخت آن پرداخته شده است که به شرح زیر می‌باشند: ۱. محل و زمین ساختمان ۲. حیاط خانه ۳. جانمایی و نقشه ۴. خرید و فروش ساختمان و ساخت مسکن محرومین با مشارکت عمومی ۵. بهره برداری از ساختمان ۶. تزئینات و چیدمان (دکوراسیون) داخلی ۷. تکامل بهره برداری از ساختمان ۸. حیوانات خانگی ۹. مصالح ساختمان. جهت دریافت متن "مقررات فقهی ساختمان" از سری مکتوبات الگوی پیشرفت اسلامی؛ به نشانی زیر در پیام‌رسان ایتا مراجعه نمایید:

<https://eitaa.com/olgou4/3356>

۵. **ارجاع پرورشی:** جهت مطالعه در این زمینه به کتاب‌های مربوط به "نظریه آموزش و پرورش آینده" از سری مکتوبات شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی مراجعه فرمایید. برخی از سرفصل‌های مطرح در این مکتوب عبارتند از: بررسی معایب آموزش و پرورش موجود (از حیث هدف، روش و محتوا)، بررسی ویژگی‌های آموزش و پرورش مطلوب، اولین اقدام برای دستیابی به آموزش و پرورش مطلوب، وظیفه نهادهای حاکمیتی برای اجرای نظریه آموزش و پرورش آینده، وظیفه مجموعه‌های مردمی برای اجرای نظریه آموزش و پرورش آینده، تعریف علم حاکم بر آموزش و پرورش آینده و...

پس برخی از نظریات الگوی پیشرفت اسلامی، "نظریات بخشی" بوده و به یک موضوع و به تحلیل یک موضوع اشاره دارند.

۱.۲ نظریات فرابخشی (جامع)؛ نوع دوم نظریات و برنامه‌های نقشه الگوی

پیشرفت اسلامی

اما دسته دیگر نظریات نقشه الگوی پیشرفت اسلامی، نظریاتی هستند که بخشی نبوده و لازم است به شکل بین‌رشته‌ای و نظام‌مند به آن‌ها پرداخت و نمی‌توان به شکل بخشی آن‌ها را ارائه کرد و به اصطلاح رایج امروز باید "فرابخشی" عمل کنیم.

۱.۲.۱ مسئله جمعیت، مدیریت شهری، محرومیت‌زدایی، سلامت و اشتغال؛ نمونه‌هایی از

نظریات فرابخشی (جامع) و بین‌رشته‌ای نقشه الگوی پیشرفت اسلامی

"مسئله جمعیت" یکی از همین مسائل است. اگر می‌خواهید مسئله جمعیت را تحلیل کنید نمی‌توانید فقط به مسئله جمعیت و تولید نسل بپردازید؛ بلکه باید ده‌ها مسئله مؤثر بر تولید نسل را بررسی کرده و تشریح کنید. مثلاً "مسئله اشتغال" جامعه، یک موضوع و مسئله اقتصادی است؛ ولی روی مسئله جمعیت تأثیر دارد. غیر از مسئله اقتصادی، مسائل دیگری هم وجود دارد [که بر مسئله جمعیت تأثیر دارد. مثلاً:] "مسئله مدیریت شهری" هم مطرح است. مسئله مدیریت شهری هم از جمله مسائلی است که باید ده‌ها مسئله مورد بحث و بررسی قرار گیرد تا بتوانیم "نظریه شهر اسلامی" را متولد کنیم. در شهر همه مسائل مرتبط با انسان متبلور می‌شود و متوجه می‌شویم که "مدیریت شهری" مسئله‌ای بخشی نیست. این مسئله نیاز به یک تحلیل جامع دارد و به اصطلاح امروزی‌ها یک موضوع میان‌رشته‌ای است.

۶. ارجاع پژوهشی: بسته فقهی ادب الانعقاد چه می‌گوید؟/ انعقاد نطفه صحیح، ظرفیت‌های عقلی، اخلاقی و جسمی فرزند شما را ارتقاء می‌دهد!

یکی از بسته‌های فقهی نقشه الگوی پیشرفت اسلامی، بررسی و تبیین آداب چهارگانه انعقاد نطفه است. انعقاد نطفه صحیح، ظرفیت‌های عقلی، اخلاقی و جسمی فرزند را ارتقاء می‌دهد و انعقاد نطفه غلط منشاء پیدایش نقص عضو، بیماری‌های پایه، ضعف‌های اخلاقی و ذهنی می‌باشد. در مجموع شیوه صحیح انعقاد نطفه، بعد از انتخاب همسر، مهمترین عامل مؤثر بر شکل‌گیری شخصیت است. روایات و آیات مرتبط با انعقاد نطفه را در چهار دسته ۱- زمان انعقاد نطفه، ۲- مکان انعقاد نطفه، ۳- مقدمات انعقاد نطفه و ۴- آداب معنوی انعقاد نطفه طبقه‌بندی کرده‌ایم. ملحق به آداب بسیار مهم انعقاد نطفه، مراقبت‌های دوران حمل را هم مباحثه می‌کنیم. رعایت بسته فقهی ادب الانعقاد و گسترش آموزش‌های فقهی مرتبط با آن، مانع شکل‌گیری بیماری‌های مقاربتی، زود انزالی و چالش‌های جسمی و روحی مرتبط با روابط جنسی غلط است.

حجت الاسلام علی کشوری - تبیین اجمالی ادب الانعقاد - بامداد دوشنبه ۲۴ آذر ۱۳۹۹ - قم

پیام‌رسان ای‌تا: <https://eitaa.com/olgou4/2810>

مثلاً "مسئله محرومیت‌زدایی" نیز مانند "جمعیت" و "مدیریت شهری" نیاز به تحلیل جامع و چندجانبه دارد. فرض بفرمایید شخصی گروه جهادی دارد؛ آیا می‌تواند نسبت به "محرومیت‌های عاطفی، شغلی، تربیتی" و غیره بی‌تفاوت باشد؟! محرومیت، ابعادی دارد و اگر کسی می‌خواهد محرومیت‌زدایی کند باید همه ابعاد محرومیت را مورد بحث و بررسی قرار دهد.

یا "مسئله سلامت" که از همین جنس مسائل فرابخشی است؛ لذا از جمله نظریات جامع نقشه‌الگوی پیشرفت اسلامی است. قبلاً عرض کرده‌ام "نظریه پیشگیری ساختاری از بیماری" پنجاه بسته فقهی درونی و مرتبط دارد.^۷ مسئله سلامت فقط با یک نسخه درمانی حل نمی‌شود؛ بلکه باید تحلیل‌های نظری متفاوتی را ارجاع دهید. مثلاً شما باید درک از "ایمونولوژی (Immunology)"^۸ (واکسن و ایجاد امنیت)، درک از "فارماکولوژی (Pharmacology)"^۹ (ساخت دارو)، درک از "پاتولوژی (Pathology)"^{۱۰} (شناخت بیماری) و

۷. **ارجاع پرورشی:** جهت مطالعه "نظریه پیشگیری ساختاری از بیماری" می‌توانید از باب نمونه به نظریات و مکتوبات ذیل مراجعه بفرمایید:

پروتکل‌های فقهی مدیریت کرونا: <https://eitaa.com/olgou4/3391>

تعریف جدید واکسن: <https://eitaa.com/olgou4/3646>

الگوی فقهی ارزیابی غذا: <https://eitaa.com/olgou4/2914>

پروتکل‌های فقهی مدیریت انواع آبله: <https://eitaa.com/olgou4/4416>

طیب مشاور عروق: <https://eitaa.com/olgou4/4354>

برنامه فقهی سلامت قلب و عروق: <https://eitaa.com/olgou4/4219>

طیب مشاور نیروهای مسلح: <https://eitaa.com/olgou4/3892>

...

۸. **ارجاع پرورشی:** Immunology, the scientific study of the body's resistance to invasion by other organisms (i.e., immunity)

ایمونولوژی، مطالعه علمی مقاومت بدن در برابر تهاجم توسط موجودات دیگر (یعنی ایمنی).

منبع: دانشنامه رسمی بریتانیکا

<https://b2n.ir/s-0568>

۹. **ارجاع پژوهشی:** Pharmacology, branch of medicine that deals with the interaction of drugs with the systems and processes of living animals, in particular, the mechanisms of drug action as well as the therapeutic and other uses of the drug.

فارماکولوژی، شاخه‌ای از پزشکی است که به تعامل داروها با سیستم‌ها و فرآیندهای حیوانات زنده، به ویژه مکانیسم‌های اثر دارو و همچنین موارد درمانی و سایر موارد مصرف دارو می‌پردازد.

منبع: دانشنامه رسمی بریتانیکا - <https://b2n.ir/q34614>

۱۰. **ارجاع پرورشی:** معنای کلمه پاتولوژی، مطالعه (logos) آسیب (pathos) است. در این علم، بیماری‌ها و تغییرات مربوطه در سطح سلول‌ها، بافت‌ها و اندام‌ها که سبب ایجاد علائم و نشانه‌های بیماری می‌گردند مورد بررسی قرار می‌گیرند... علم پاتولوژی با توضیح علل و نحوه ایجاد بیماری، بنیان علمی پزشکی را فراهم می‌آورد.

کتاب آسیب‌شناسی پایه (عمومی) رابینز، ویرایش نهم، صفحه ۱۱

غیره داشته باشید؛ چرا که در تمام این موارد و بیشتر از آن با مکتب "پزشکی سلولی" تفاوت مبنا داریم و نیاز به پرداختن به این موضوعات است.

روزی در مناظره با کسانی که از واکسن دفاع می‌کردند گفتم: «شما ایمونولوژیست هستید و روی نحوه ایجاد ایمنی در بدن مطالعه می‌کنید. ما هم ایمونولوژیست هستیم و روی ایمنی بدن انسان پژوهش و گفت‌وگو می‌کنیم.» دو دانشمند برای ایجاد ایمنی در بدن دو راه حل می‌دهند؛ یکی می‌گوید: «باید واکسن تزریق شود»، و دیگری می‌گوید: «اقدامات محیطی و غذایی و بالینی ایمنی ایجاد می‌کنند.» وقتی دو دانشمند نظرات متفاوت دارند، باید با یکدیگر گفت‌وگو کنند و نباید یکدیگر را به بی‌سوادی متهم کنند. البته ما به آقای عین‌اللهی و دوستان دیگر نمی‌گوییم: بی‌سواد! بلکه می‌گوییم: شما کتاب روایی معتبر و معروفی چون اصول کافی و محاسن را نخوانده‌اید و منابع تحقیق شما محدود بوده است. اگر منابع علمی بیشتری را مطالعه کنید ممکن است به تعاریف علمی بالاتری دست پیدا کنید. به هر حال مسئله سلامت موضوعی بین‌رشته‌ای و جامع [و فرابخشی] است.

ما در نقشه الگوی پیشرفت اسلامی ۱۳ نظریه جامع [و فرابخشی] داریم؛ مثل: "نظریه جهت حرکت انقلاب اسلامی" که ما در این نظریه انقلاب اسلامی را تئوریزه کرده‌ایم و هدف و مأموریت و مراحل انقلاب اسلامی را مورد بحث و بررسی قرار داده‌ایم.

۱.۲.۲.۲.۲ جانمایی تمام نظریات فرابخشی نقشه الگوی پیشرفت اسلامی ذیل "فقه‌الامام"

تمام نظریات جامع نقشه الگوی پیشرفت اسلامی ذیل "فقه‌الامام" طبقه‌بندی می‌شوند. ما در "طبقه‌بندی فقهی علوم" نه دسته دانش داریم که اولین دسته آنها "فقه‌الامام" (دانش‌های مرتبط با مسئله امامت) است. "مقام امام" در جامعه، مقام اداره جامعه است. دوازده نظریه را هم [ذیل فقه‌الامام] تبیین کرده‌ایم که یکی از آنها "مسئله جمعیت" است.

۱.۲.۲.۲.۱ جامعیت (فرابخشی بودن) یک موضوع؛ ملاک جانمایی نظریات ذیل "فقه‌الامام"

معیار اصلی در طبقه‌بندی نظریات ذیل "فقه‌الامام"، جامع و غیربخشی بودن نظریه است؛ یعنی در این نظریات فقط به یک مسئله پرداخته نمی‌شود؛ بلکه به چندین مسئله و موضوع پرداخته می‌شود.

۱۱. **ارجاع پژوهشی:** در طبقه بندی فقهی علوم نه دسته علم شامل: ۱- فقه الامام، ۲- فقه المكاسب، ۳- فقه التزکيه، ۴- فقه العلم، ۵- فقه البيان، ۶- فقه الفرقان، ۷- فقه النظم، ۸- فقه العبره و ۹- فقه نفی سبیل را پایه گذاری کرده ایم؛ که در مجموع تاکنون قدرت تحلیل ۱۰۰ مسئله را دارد.

بنابراین، از مباحثی که عرض کردم مشخص می‌شود که بنده امروز می‌خواهم درباره مسائل "جمعیت" صحبت کنم و می‌خواهم چند ده مسئله مؤثر بر روی "جمعیت" را تبیین کنم که اگر شما این مسائل را نینید یا احصاء نکرده و برای هر کدام برنامه‌ریزی نکنید؛ نمی‌توانید مسئله "جمعیت" را مدیریت کنید. مثلاً فرض کنید همین "قانون خوب جوانی جمعیت"^{۱۲} که مطرح است را باید بررسی کرد که آیا مسائل مربوط به "جمعیت" در آن بررسی شده است یا نه؟ منطق نقد قانون و هر نظریه دیگر نیز همین مسئله است. مثلاً اگر کسی برای "جمعیت" ایده و طرحی داشت؛ اولین و مهم‌ترین ملاک در ارزیابی آن نظریه یا ایده، "جامع‌بودن" آن نظریه است. باید معیار در دست ما باشد در غیر این صورت - عذرخواهی می‌کنم - به اسم نقد دعوی سرخ و آبی راه انداخته‌ایم. پس لازم است با نگاه و ملاک جامع‌بودن، "قانون جوانی جمعیت" را بررسی کرده و پیشنهادهای لازمه را ارائه دهیم. البته این موضوع جلسه‌ای مجزا می‌طلبد.

پس همان‌طور که در سرفصل اول پیام کردیم، "نظریه جمعیتی الگوی پیشرفت اسلامی" جزو رشته‌های تخصصی "فقه‌الامام" است و ذیل دانش‌های مربوط به "امامت" طبقه‌بندی می‌شود.

۱.۳.۱ طبقه‌بندی فقهی علوم در مقایسه با طبقه‌بندی رایج علوم (انسانی، پایه، تجربی)؛ دفاع

تفصیلی از مرجعیت علمی اهل بیت علیهم‌السلام

نکته‌ای را باید عرض کنم. الان که در ایام "عید غدیر" هستیم؛ غیر از مناسک مربوط به عید غدیر و کارهای مرسوم می‌شود، کارهای دیگری هم برای دفاع از مقام علمی امیر المومنین علیه‌السلام در حال انجام است. این دفاع‌های علمی بر اساس فهرست کتاب الغدیر،^{۱۳} کتاب عبقات الانوار^{۱۴} و شب‌های پیشاور^{۱۵} و

۱۲. **ارجاع پردازشی:** قانون فوق مشتمل بر هفتاد و سه ماده- و هشتاد و یک تبصره در جلسه مورخ بیست و چهارم مهر ماه یکهزار و چهارصد کمسیون مشترک طرح جوانی جمعیت و حمایت از خانواده مجلس شورای اسلامی طبق اصل هشتاد و پنجم (۸۵) قانون اساسی تصویب گردید و پس از موافقت مجلس با اجرای آزمایشی آن به مدت هفت سال در تاریخ ۱۰/۸/۱۴۰۰ به تأیید شورای نگهبان رسید.

رئیس مجلس شورای اسلامی - محمدباقر قالیباف

جهت مشاهده متن کامل "قانون جوانی جمعیت و حمایت از خانواده" به آدرس زیر مراجعه نمایید:

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی - <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1678266>

۱۳. **ارجاع پرورشی:** «الغدیر فی الکتاب و السنّة و الأدب»، اثر مشهور علامه امینی (م، ۱۳۹۰ ق)، کتابی است با موضوع اثبات امامت و خلافت بلافصل امام علی (علیه السلام) در واقعه غدیر.

... علامه امینی برای تألیف این اثر بدیع، همه منابع مورد نیاز موجود در کتابخانه‌های عمومی و خصوصی نجف اشرف را بررسی کرده، سپس برای تکمیل گستره کار خود به ایران، سوریه، هند و ترکیه مسافرت می‌کند و مصادر مربوط به این موضوع را با کوششی بی‌وقفه و حیرت‌انگیز مطالعه و بررسی می‌نماید. او خود در این باره می‌گوید: «من برای نوشتن الغدیر ده هزار کتاب را خوانده‌ام و به صد هزار کتاب مراجعه مکرر داشته‌ام».

کتاب‌هایی که در گفت‌وگوهای فعلی شیعه از متن‌های مرجع است انجام می‌گیرد و عمده خروجی این دفاع‌ها هم اثبات "ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام" در برابر "سقیفه" است و الحَقِّ والانصاف أدله تام و کاملی برای اثبات

منابع و مصادر مورد استناد الغدير به جهت رعایت قواعد منطقی جدل، احتجاج و مناظره، همه از منابع عالمان اهل سنت است. این ویژگی کتاب همراه با اجتناب مؤلف از تعصب و یکسونگری، موجب شهرت جهانی الغدير شده است.

«الغدير» با ذکر حادثه غدیر آغاز می‌شود و به شماره روایان دست اول آن - که به ۱۱۰ نفر می‌رسند - می‌پردازد. سپس آثاری که اسناد حدیث در آن آمده، روایان بعدی، علما، مؤلفان و... مرتبط به واقعه غدیر معرفی می‌شوند.

... علامه بزرگوار در این کتاب سعی بلغ در دفاع از حریم تشیع و دفع اتهامات وارده پیرامون این مکتب و پیروان آن دارد، به طوری که همواره و در موارد متعدد به نقد کتبی که خواسته و یا ناخواسته عقائد حقه شیعه را مورد حمله خود قرار داده و بهتان‌های ناروا بر آن وارد ساخته‌اند، می‌پردازد و با استدلال‌های محکم آن را رد می‌سازد.

منبع: سایت دانشنامه اسلامی - <https://b2n.ir/a76895>

۱۴. **ارجاع پرورشی: عبقات الأنوار في مناقب الأئمة الأطهار:** في مجلدات كبار ضخام لإثبات إمامة الأئمة. للسيد المير حامد حسين بن محمد قلي خان صاحب بن محمد بن حامد النيشابوري الكنتوري المتوفى في ۱۳۰۶. هو رد على الباب السابع من التحفة الاثني عشرية الذي هو في مبحث الإمامة، ورتبه على منهجين. المنهج الأول في إثبات دلالة الآيات القرآنية المستدل بها للإمامة... و المنهج الثاني في إثبات دلالة الأحاديث الاثني عشر على الإمامة و الجواب عن اعتراضات صاحب التحفة عليها، في اثني عشر جزء لكل حديث جزء، فالجزء الأول من المنهج الثاني في حديث الغدير... الجزء الثاني من المنهج الثاني في حديث المنزلة... الجزء الثالث من المنهج الثاني في الجواب عن اعتراضاتهم علي الحديث الثالث و هو حديث الولاية [أن عليا مني و أنا من علي و هو ولي كل مؤمن من بعدي]...

عبقات الأنوار في مناقب الأئمة الأطهار: در چندین جلد بزرگ در مورد اثبات امامت است. برای سید میرحامد حسین بن محمد قلي خان صاحب بن محمد بن حامد النيشابوري الكنتوري، متوفی في ۱۳۰۶. این کتاب ردی است بر باب هفتم از کتاب التحفة الاثني عشرية که در مورد بحث امامت است. میرحامد حسین این کتاب را بر دو منهج و سرفصل اصلی ترتیب داده است: سرفصل اول: در اثبات دلالت آیات قرآن در مورد امامت... و سرفصل دوم: در اثبات دلالت احادیث دوازده‌گانه بر امامت و جواب از اعتراضات صاحب کتاب التحفة بر آن. در دوازده جزء که برای حدیثی یک جزء قرار داده. پس جزء اول در مورد حدیث غدیر است... جزء دوم در مورد حدیث منزلت... جزء سوم در مورد حدیث ولایت... الذريعة إلى تصانيف الشيعة (آقابزرگ تهرانی)، ج ۱۵، ص ۲۱۴

۱۵. **ارجاع پرورشی: شبهای پیشاور در دفاع از حریم تشیع،** کتابی به زبان فارسی حاوی مناظرات عالم دینی شیعه سلطان الواعظین شیرازی (۱۲۷۵-۱۳۵۰ش)، با علمای اهل سنت. این مناظرات در ده شب در شهر پیشاور پاکستان برگزار شد و روزنامه‌های محلی پیشاور آن‌ها را چاپ کردند. بعدها همان متن، بصورت کتاب چاپ شد. سلطان الواعظین در مناظرات خویش، از کتاب‌های معتبر اهل سنت چون صحاح سته، مسند احمد بن حنبل استفاده کرده است... وی علت چاپ این مناظرات را، دفاع از تشیع در برابر حمله روشنفکرانی چون کسروی و... بیان می‌کند... کتاب شب‌های پیشاور ۱۰ جلسه مناظرات سلطان الواعظین با علمای اهل سنت را دربر دارد؛ این جلسات مناظره در پیشاور و در منزل میرزا یعقوب علی خان قزلباش از رجال مهم پاکستان تشکیل شد و به مدت ۱۰ شب به طول انجامید.

منبع: ویکی شیعه - <https://b2n.ir/g40312>

۱۶. **ارجاع پرورشی / پژوهشی: سقیفه بنی ساعده:** بالمدينة، وهي ظلة كانوا يجلسون تحتها، فيها بوع أبو بكر.

سقیفه بنی ساعده، سایبانی در مدینه بوده است که زیر آن می‌نشستند. در این مکان با ابو بکر، بیعت شد.

معجم البلدان، ج ۳، ص ۲۲۸

حَدَّثَنَا إِبرَاهِيمُ بْنُ مُوسَى، أَخْبَرَنَا هِشَامٌ، عَنْ مَعْمَرٍ، عَنِ الرَّهْرِيِّ، أَخْبَرَنِي أَنَّهُ سَمِعَ خُطْبَةَ عُمَرَ الْاَخِرَةَ، حِينَ جَلَسَ عَلَى الْمِنْبَرِ، وَ ذَلِكَ الْعَدَدُ مِنْ يَوْمِ تُوْفِي النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَتَشَهَّدَ أَبُو بَكْرٍ صَامِتًا، لَا يَتَكَلَّمُ. قَالَ: كُنْتُ أَرْجُو أَنْ يَعِيشَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَتَّى يَدْبُرْنَا يُرِيدُ بِذَلِكَ أَنْ يَكُونَ آخِرُهُمْ، فَإِنْ يَكُ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَدْ مَاتَ. فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ جَعَلَ بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ نُورًا تَهْتَدُونَ بِهِ

ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام در این دفاع‌ها بیان شده است. ما چند سالی است برای دفاع از مقام علمی امیرالمؤمنین علیه السلام فهرستی جدیدتر مبتنی بر اثبات تفصیلی مرجعیت علمی امیرالمؤمنین علیه السلام و اولاد طاهرین ایشان علیهم السلام پیشنهاد داده‌ایم. این اثبات در مقام کلی‌گویی و بیان نظری و تئوری مسائل نیست؛ بلکه طبقه‌بندی جدیدی از دانش مبتنی بر علم اهل بیت علیهم السلام است. همان‌طور که عرض کردم نه سرفصل دانشی است که در مقایسه با سه سرفصل دانشی "علوم پایه"، "علوم تجربی" و "علوم انسانی" بیان شده است. در سرفصل اول ذیل "فقه الامام" دوازده نظریه و دانش برای اداره جامعه را تشریح می‌کنیم. استحضار دارید که «**العلم سلطان**» [علم، مایه برتری است]؛^{۱۷} اگر مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام را اثبات کردیم، خود این مسئله دلیل برتری "ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام" بر "ولایت اهالی سقیفه" است. این فهرست تا اندازه‌ای جلو رفته است لکن باید در زمانی مناسب این فهرست را تشریح کنم.

هَدَى اللَّهُ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَإِنَّ أَبَا بَكْرٍ صَاحِبَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ثَانِيِ اثْنَيْنِ، فَإِنَّهُ أَوْلَى الْمُسْلِمِينَ بِأُمُورِكُمْ، فَقَوْمُوا فَبَايَعُوهُ، وَكَانَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ قَدْ بَايَعُوهُ، قَبْلَ ذَلِكَ فِي سَقِيفَةِ بَنِي سَاعِدَةَ، وَكَانَتْ بَيْعَةُ الْعَامَّةِ عَلَى الْمُنْبَرِ صحیح البخاری به نقل از انس بن مالک: شنیدم عمر در خطبه دوم خویش، در فردای وفات پیامبر صلی الله علیه و آله بر منبر نشست و به یگانگی خداوند و رسالت محمد صلی الله علیه و آله گواهی داد، در حالی که ابو بکر ساکت بود و سخنی بر زبان نمی‌آورد. [عمر] گفت: امید داشتم که پیامبر خدا زندگی کند، آن قدر که پس از همه ما از دنیا برود! حال اگر محمد در گذشته است، خدای متعال، نوری در میان شما قرار داده که با آن به سوی همان چیزهایی که خدا محمد را هدایت کرد، هدایت می‌یابید. ابو بکر، همراه پیامبر و دومی از دو تن [اهل غار] است و او به امور شما از همه مسلمانان اولی است. پس برخیزید و با او بیعت کنید. گروهی از مسلمانان، پیش از آن، در سقیفه بنی ساعده با ابو بکر بیعت کرده بودند و بیعت عمومی، بر فراز منبر صورت گرفت.

صحیح البخاری، ج ۱۱، ص ۶۹
صحیح ابن حبان، ج ۱۵، ص ۲۹۷

۱۷. **ارجاع پژوهشی:** فی حکمة منسوبة الی امیرالمؤمنین: «**العلم سلطان من وجده صال به و من لم یجد ه صیل علیه**» در حکمتی منسوب به امیرالمؤمنین (علیه السلام): علم، سلطان است هر که آن را یافت به وسیله آن حکومت خواهد کرد و اگر کسی آن را نیافت بر او اقبالی خواهند کرد.

شرح نهج البلاغة لابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۳۱۹

جهت مشاهده بررسی رجالی روایت «**العلم سلطان**»؛ به پیوست شماره ۱ مراجعه بفرمایید.

۲. سرفصل دوم: معنای زاویه دید الگوی پیشرفت اسلامی چیست؟

۲.۱ تاثیر نظامات اجتماعی بر تمامی موضوعات؛ معنای زاویه دید الگوی

پیشرفت اسلامی

ما مدام این سؤال و عبارت ["زاویه دید"] را تکرار می‌کنیم؛ [مثلاً می‌گوییم:] تحلیل مسئله جمعیت بر اساس "زاویه دید الگوی پیشرفت اسلامی"، تحلیل مسئله عفاف و حجاب بر اساس "زاویه دید الگوی پیشرفت اسلامی" و گاهی اوقات هم تعبیری دیگر به کار می‌بریم و می‌گوییم: بر اساس "زاویه دید تمدن اسلامی". این عبارات‌ها چه معنایی دارند؟ به صورت خلاصه معنای این عبارت این است که: همه چیز از "نظامات اجتماعی" متأثر است. هر مسئله‌ای را که شما تصور کنید، متأثر از "نظامات اجتماعی" است.

۲.۱.۱ مثال‌هایی در مورد تاثیر نظامات اجتماعی بر تمامی موضوعات:

۲.۱.۱.۱ تاثیر نظامات دانشی (مثل بیوتکنولوژی)، نظامات حمل و نقل و نظامات قانونی و... بر

موضوع "کشاورزی" و "غذا"؛ مثالی از تاثیر نظامات اجتماعی بر تمامی موضوعات

مثلاً: یک "سیب" را برای شما می‌آورند و از شما می‌خواهند که این سیب را تحلیل کنید. تحلیل سیب بر اساس "زاویه دید الگوی پیشرفت" یا "زاویه دید تمدن اسلامی" (یعنی: تاثیر نظامات اجتماعی بر سیب) را بیان کنید. فقط "باغدار" نیست که بر سیب تاثیر می‌گذارد. مثلاً رشته "بیوتکنولوژی" در نظام دانشی دنیا تأسیس شده است و در آنجا گفته شده است که: می‌توانید تغییرات ژنتیک را در میوه‌ها و درختان هم ایجاد کنید که نمونه‌اش همین سیب شده است. پس ببینید "نظامات علمی" تغییر کرده است که این سیب با این ویژگی‌ها تولید شده است. یا مثلاً "نظام حمل و نقل" بر این سیب اثر گذاشته است. سابق بر این وسائل حمل و نقل به این شکل نبود؛ بنابراین باغدارها هنگام تولید سیب میزان تولید را بر اساس دایره مصرف منطقه خود تنظیم می‌کردند؛ اما الان که امکان صادرات گسترده به خارج از کشور فراهم شده است، باغدار سطح زمین زیر کشت خود را افزایش می‌دهد تا بتواند میوه بیشتری تولید کند. این مسئله به اندازه‌ای مهم است که حتی کشور مقصد به خاطر استفاده از سموم خاص برای رشد این میوه‌ها آن‌ها را تحویل نمی‌گیرد؛ یعنی مسئله حمل و نقل بر مسئله استفاده از سموم میوه‌ها هم اثر گذاشته است. پس نمی‌توانید به شکل ساده بگویید کشاورزی، [عبارت است از:] کاشتن، داشتن و برداشت کردن یک نهال. بلکه باید بگویید: سه اقدام کاشت و داشت و برداشت، ذیل "نظامات اجتماعی" محقق شده است و کشاورزی یا باغدار بر همین اساس عمل می‌کند. "نظام دانشی" و "نظام حمل و نقل" را مثال زدیم. نظامات دیگر مثل "نظامات قانونی" هم بر این مسئله اثرگذار هستند.

۲.۱.۱.۲ تأثیر نظامات اجتماعی بر موضوع "نماز"؛ مثالی دیگر از تأثیر نظامات اجتماعی بر

تمامی موضوعات

آقایان عرض بنده این است که: برای تحلیل هر موضوعی باید "تأثیر نظامات اجتماعی" بر آن مسئله را در نظر بگیرید. مثلاً فرض بفرمایید که شما یک فقیه هستید و می‌خواهید درباره "نماز" نظر بدهید. نمی‌توانید بگویید: «نماز، امر و دستوری از طرف مولا به عبد خود است و "تحقق نماز" مسئله‌ای بریده از "نظامات اجتماعی" است.» قرآن کریم می‌فرماید: «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ ۗ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»^{۱۸} یعنی: آن‌هایی که وقتی "اختیارات اجتماعی" به دست می‌آورند و حاکم می‌شوند، "نماز" را اقامه می‌کنند. این آیه رابطه میان "نماز" و "حکومت" و "اختیارات اجتماعی" را بحث می‌کند.^{۱۹} نمی‌توان بریده از "نظامات اجتماعی" یک مسئله را تحلیل کرد. ندیدن تأثیر نظامات اجتماعی بر تحلیل از موضوعات، چالش اصلی تحلیل‌های فقهی عصر ماست. بنده گاهی اوقات که توفیق دارم و برخی از

۱۸. **ارجاع پژوهشی:** الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ ۗ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ / سوره مبارکه حج، آیه ۲۲

همانان که اگر آنان را در زمین قدرت و تمکن دهیم، نماز را برپا می‌دارند، و زکات می‌پردازند، و مردم را به کارهای پسندیده و از کارهای زشت باز می‌دارند؛ و عاقبت همه کارها فقط در اختیار خداست. (ترجمه انصاریان)

۱۹. **ارجاع پژوهشی:** ... یعنی: "صلاة" ذو وجهین است؛ هم به شما "سعادت و فلاح اخروی" می‌دهد، هم موضوع "حکومت‌داری و اداره جامعه" است. من می‌خواهم دوری فکری خودمان را نسبت به تفکر انبیاء بحث کنم. شب‌ها گاهی اوقات که قرآن می‌خوانم، می‌گویم: خدایا ما چقدر [از معارف قرآن] فاصله داریم! جمعیت‌هایی که (در ادامه بحث عرض خواهم کرد که چه کسانی هستند)، وقتی اختیارات پیدا می‌کنند (یعنی وقتی حاکم می‌شوند)، این چهار کار را انجام می‌دهند.

... خب؛ حالا یک سوالی پیش می‌آید، حالا دیگر وقت دریاچه در روایت است؛ نباید مثل اخباریون روایت را توضیح دهیم. چه ویژگی‌ای در این چهار موضوع است که پایه‌های اصلی نظام‌سازی و تمدن اسلامی در اسلام شده‌اند؟ خب، من به دلیل وقت جلسه "اقام الصلاة" را توضیح نمی‌دهم؛ در روایت است که: «"صلاة"، چهار هزار حد دارد.» یعنی به تعبیر ساده‌تر، "صلاة" حاوی چهار هزار مفهوم است و خیلی از این مفاهیمی که در "صلاة" اخذ شده (که من وقتی اسرار "صلاة" به نحو فقهی بگویم، اینها را بحث می‌کنم) اینها با اداره جامعه ارتباط دارد. عرض کردم "صلاة" لا اقل دو دسته بحث راجع به آن وجود دارد: گاهی شما "صلاة" و "تزکیه" و "آخرت" را بحث می‌کنید، و گاهی "صلاة" و "حکمرانی" و "اداره جامعه" را بحث می‌کنید. حالا از آن چهار هزار حد را که ما طلبه‌های کوچک می‌فهمیم، خیلی‌ها پیش به اداره جامعه ربط دارد. مثلاً یکی از آنها این است که شما آخر سوره حمد، مردم را به سه دسته تقسیم می‌کنید: (۱) اهالی صراط مستقیم، (۲) مردمی که ضال (گمراه) هستند، (۳) مردمی که مغضوب (مورد غضب خداوند) هستند. قرآن اصرار دارد که به شما گزارش دهد که مردم به لحاظ فکری و عملی، یک دسته نیستند؛ بلکه بعضی "اهل صراط مستقیم" هستند، بعضی "ضال" و گمراه هستند، بعضی‌ها هم "مغضوب خداوند متعال" هستند. لذا اگر کسی نماز را با معنایش بخواند، به یک مرزبندی اجتماعی می‌رسد.

... قرآن می‌فرماید: تقسیم‌بندی‌های تان نباید غلط باشد. این یکی از مفاهیم درون نماز است. می‌گوید: با محوریت گمراه بودن یا عدم گمراه بودن آدم‌ها را تقسیم کنید تا دچار مشکل نشوید. حالا بعداً شرح می‌دهیم که "صراط مستقیم"، "ضال" و "مغضوب" به چه معنا هستند. الان نمی‌خواهم اینها را بحث کنم.

حجت الاسلام و المسلمین علی کشوری، گزارش مکتوب نقشه جامع تمدن اسلامی، ۲۶ اسفند ۱۴۰۰، صفحات ۵ الی ۱۰ دریافت متن مکتوب "نقشه جامع تمدن اسلامی" در پیام‌زسان اینستا: <https://eitaa.com/olgou4/3737>

این دروس "فقه نظام" را مطالعه می‌کنم، می‌بینم عنوان درس "فقه نظام" [بر این دروس گذاشته شده] است؛ لکن تأثیر نظامات اجتماعی بر این مسئله مورد بحث و تبیین قرار نگرفته است.

۲.۱.۱.۳ تأثیر نظامات اجتماعی بر موضوع "جمعیت"؛ مثالی دیگر از تأثیر نظامات اجتماعی

بر تمامی موضوعات

حالا در مسئله "جمعیت" هم این اشکال وارد است. بنده از دی‌ماه سال ۱۳۹۹ (که این تحلیل طراحی شد) تا الان بحث‌های مربوط به "جمعیت" را دنبال می‌کنم؛ چرا که این مسئله (جمعیت) اهمیت زیادی دارد. و علت دیگر اینکه [این مسئله را پیگیری می‌کنم بخاطر این است که] عمده افرادی که این موضوع را دنبال می‌کنند همشهری‌های ما هستند. بنده وقتی که به این تحلیل‌ها نگاه می‌کنم باز عدم توجه به عنصر "تأثیر نظامات اجتماعی" بر موضوع (جمعیت) مشهود است و یا اگر بخواهیم قدری مسامحه کنیم توجه به آن کم‌رنگ است؛ لذا عرضم این است که: این بحث (تأثیر نظامات اجتماعی بر همه موضوعات از جمله موضوع جمعیت) سلیقه و نظر شخصی ما نیست؛ بلکه یک مسئله واقعی است و شما نمی‌توانید آن را نادیده بگیرید. فقط در بحث "جمعیت" هم این مسئله مطرح نیست؛ بلکه در تمام موضوعات جاری است. این معنای ساده "زاویه دید الگوی پیشرفت اسلامی" است. وقتی می‌گوییم یک مسئله را با "زاویه دید الگوی پیشرفت اسلامی" بررسی می‌کنیم، یعنی: اثر نظامات اجتماعی بر تحقق آن مسئله را بررسی می‌کنیم. این مبنای روشی ماست.

۲.۲ روایاتی در مورد تأثیر "نظامات اجتماعی" بر تمامی موضوعات:

بنده روایاتی را در مورد این موضوع [تأثیر نظامات اجتماعی بر تمامی موضوعات] خدمت شما می‌خوانم تا بفهمیم حضرات معصومین ۸ در این مورد چه فرموده‌اند:

۲.۲.۱ روایت اول: «النَّاسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ»

۲.۲.۱.۱ شباهت فرزندان به حاکمان بیشتر از شباهت آنان به پدر و مادر! (با وجود تأثیر بی‌بدیل پدر

و مادر بر تربیت فرزندان)؛ محتوای روایت «النَّاسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ»

اولین روایت از امیر المومنین علیه السلام است که می‌فرماید: «النَّاسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ»^{۲۰} یعنی: مردم به امراشان شبیه‌تر هستند تا به پدرانشان. در این روایت باید درایه کرد.

۲۰. ارجاع پژوهشی: وَ قَالَ امير المؤمنين عَلَيْهِ السَّلَامُ: النَّاسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ.

امیرالمومنین (علیه السلام): مردم به فرمانروایان خود شبیه‌ترند تا به پدران خود. (حسن زاده)

تحف العقول، ج ۱، ص ۲۰۸ / بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۴۶

* روایاتی دیگر به این مضمون:

اولین نکته درایه‌ای در این روایت آن است که: نقش "مادر" را بیان نکرده است. علت آن است که مادر، انتخاب پدر است. لذا در روایت وقتی امام صادق علیه السلام حقوق و کد (فرزند) بر والد (پدر) را شرح می‌دهند، می‌فرمایند: اولین ادای حق [و وظیفه‌ای] که به عهده پدر برای فرزند است، آن است که: مادر مناسب و با فراست برای او انتخاب کند.^{۲۱}

«الناس علی دین ملوکهم»

مردم بر دین و آیین و روش حاکمان خود هستند.

کشف الغمّة (اربعی، ۶۹۲ ق)، ج ۲، ص ۲۱ (قائلاً: کما ورد فی الحدیث و المثل)
شرح الکافی (للمولی صالح المازندرانی)، ج ۱۲، ص ۵۳۶ و ج ۶، ص ۳۸۳ (قائلاً: المثل المشهور و هو...)
لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه (محمدتقی مجلسی، ۱۰۷۰ ق)، ج ۲، ص ۴۹۴ (قائلاً: خبر مشهور)
بحار الأنوار، ج ۱۰۲، ص ۸

عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ الْمُؤَدَّبُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ التَّمِيمِيِّ جَمِيعاً عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْحَارِثِ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: خَطَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع النَّاسَ بِصِفَيْنِ فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ وَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ ص ثُمَّ قَالَ: ...

فَلَيْسَتْ تَصْلُحُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِصَلَاحِ الْوَلَاةِ وَ لَا تَصْلُحُ الْوَلَاةُ إِلَّا بِاسْتِقَامَةِ الرَّعِيَّةِ فَإِذَا أَدَّتِ الرَّعِيَّةُ إِلَى الْوَالِي حَقَّهُ وَ أَدَّى إِلَيْهَا الْوَالِي كَدْلِكَ عَزَّ الْحَقُّ بَيْنَهُمْ فَفَقَامَتْ مَنَاهِجُ الدِّينِ وَ اعْتَدَلَتْ مَعَالِمُ الْعَدْلِ وَ جَرَتْ عَلَى أَذْلَالِهَا السُّنَنُ فَصَلَحَ بِذَلِكَ الزَّمَانُ ...

امیرالمومنین (علیه السلام) در صفین: ... آن گاه خداوند از حقوق خود حقوقی را بر بعض مردم نسبت به بعض دیگر واجب گرداند، و آن حقوق را در جهات و حالات با هم برابر قرار داد و بعضی را در برابر بعضی دیگر واجب نمود، و بعضی واجب نگردد مگر به انجام حقی که در برابر آن است. و بزرگترین چیزی که از این حقوق واجب فرمود حق حاکم بر رعیت، و حق رعیت بر حاکم است، این فریضه‌ای است که خداوند برای هر یک نسبت به دیگری واجب نموده، و این حقوق را موجب برقراری الفت، و ارجمندی دینشان قرار داد. رعیت (مردم) اصلاح نشود مگر به صلاح حاکمان، و حاکمان اصلاح نگردند مگر به استقامت رعیت. پس زمانی که رعیت حق والی را ادا کرد، و والی هم حق رعیت را رعایت نمود، حق میان ایشان ارجمند گردد، و راههای دین بر پا شود، و نشانه‌های عدالت اعتدال گیرد، و سنت‌ها در مجرای خود روان شود، و زمان آراسته و شایسته گردد... (ترجمه انصاریان)

الکافی، ج ۸، ص ۳۵۲
نهج البلاغه، ص ۳۳۳ (خطبه ۲۱۶)
بحار الأنوار، ج ۳۴، ص ۱۸۴ و ج ۴۱، ص ۱۵۳

عن رسول الله صلى الله عليه و آله: الناس بزمانهم أشبه منهم بأبائهم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مردم به زمان‌های خود شبیه‌ترند تا به پدرانشان.

البيان والتبيين، ج ۲، ص ۲۳ / المناقب للخوارزمي، ص ۳۷۵ (كلاهما عن الإمام علي عليه السلام).

الإمام علي عليه السلام: الناس بزمانهم أشبه منهم بأبائهم.

امام علی علیه السلام: مردم، به زمانشان بیشتر شبیه اند تا به پدرانشان.

خصائص الأئمة عليهم السلام (شريف الرضي، ۴۰۶ ق)، ص ۱۱۵ / مسکن الفؤاد ص ۲۱ / عيون الحكم والمواعظ ص ۶۶ / المناقب للخوارزمي ص ۳۷۴

۲۱. **ارجاع پژوهشی:** الإمام الصادق عليه السلام: **تَجِبُ لِلْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ تَلَاثُ خِصَالٍ: اخْتِيَارُهُ لَوَالِدَتِهِ، وَ تَحْسِينُ اسْمِهِ، وَ الْمُبَالَغَةُ فِي تَأْدِيبِهِ.**

امام صادق علیه السلام: **فرزند سه حق بر گردن پدرش دارد: (۱) مادر خوبی برایش انتخاب کند، (۲) نام نیکویی بر او بگذارد و (۳) در ادب او بکوشد.**
تحف العقول، ص ۳۲۲ / بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۳۶

نکته دوم در این روایت آن است که: بعد از انتخاب مادر توسط پدر؛ از زمان انعقاد نطفه تا دوران بارداری و تا هفت سال اول و هفت سال دوم و لااقل اتمام هفت سال سوم (و یا اینکه اگر دقیق‌تر بحث کنیم، می‌گوییم: تا پایان چهل سالگی و حتی تا پایان عمر!) فرزند تحت تأثیر پدر و مادر است. مثلاً: محیط بازی فرزند، یا حلال یا حرام بودن غذا (که خیلی بر شکل‌گیری شخصیت فرزند تأثیر دارد) را پدر و مادر انتخاب می‌کنند.

۱.۱.۳.۲ تنظیم نظم اجتماعی توسط حاکمان؛ علت شباهت فرزندان به حاکمان بیشتر از شباهت

آنان به پدر و مادر

همه شرایط مؤثر بر تربیت، توسط پدر و مادر مدیریت می‌شود؛ پس چرا امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «الْأَنْسُ أَشْبَهُ بِأُمَّرَائِهِمْ»؟! چرا مردم به أمراءشان بیشتر شباهت دارند تا به پدرانشان؟! چرا نمی‌فرمایند که: مردم به پدر و مادرشان شبیه‌ترند؟! مگر أمراء چه کاری انجام می‌دهند که اینهمه تأثیر دارند؟! این سوال مهمی است که: چرا با اینکه همه کارهای مؤثر بر شخصیت را پدر و مادر انجام می‌دهند و أمراء در این کارها هیچگونه دخالت مستقیمی ندارد؛ با این حال امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: مردم به أمراء و مسئولینشان شبیه‌ترند؟!

علت [شباهت بیشتر فرزندان به حاکمان] این است که أمراء یک کاری انجام می‌دهند که همه کارهای پدر و مادر را تحت تأثیر قرار می‌دهد و آن "ایجاد نظم اجتماعی و وضع قوانین" است. انسان حاکم و امیر تنها کاری که انجام می‌دهد، "ساخت نظامات اجتماعی" است. و این نظامات اجتماعی، همه امور (از جمله مسئله جمعیت و فرزندآوری) را تحت تأثیر قرار می‌دهند. بنابراین باید مواظب الگوهایی که أمراء به کار می‌گیرند باشیم. اگر یک امیری آمد و در عصر حاضر از الگوی توسعه غربی برای اداره کشور استفاده کرد، همه مسائل را تحت تأثیر قرار خواهد داد. و تأثیر منفی نظم توسعه غربی از مَجْرای امارت این مسئول بر همه مسائل تأثیرگذار خواهد بود. این نکته فنی در روایت «الْأَنْسُ بِأُمَّرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ» است.

التيملي ، عن عمرو بن عثمان ، عن ابن المغيرة ، عن السكوني ، عن أبي عبد الله عليه السلام عن أبيه عليه السلام قال: "قال النبي صلى الله عليه وآله : اختاروا لنطفكم فإن الخال أحد الضجيعين".

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): برای نطفه های خود [بستر و همسر مناسب] انتخاب کنید که دایی یکی از مشارکت کنندگان در نطفه فرزند است.

کافی، ج ۵، ص ۳۳۲ / الجعفریات (الأشعثیات)، ص ۹۰ / دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۹۴ / تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۴۰۲
الوافی، ج ۲۱، ص ۴۳ / وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۴۸

۲.۲.۲ روایت دوم: مجموعه روایات باب سلطان (مُشعر بر تأثیر گذاری سلاطین و حاکمان سازندگان نظامات اجتماعی) بر تمامی موضوعات

مجموعه روایات دیگری [در باب تأثیر نظامات اجتماعی] وجود دارد: [و آن عبارت است از مجموعه روایات باب سلطان]. شما ذیل کلمه «سلطان» در آیات و روایات بررسی تفحص کنید. در روایات ما ذیل این کلمه، مجموعه‌ای از تسلط‌ها بر انسان، شرح داده شده است. اصل اینکه در زندگی انسان‌ها مجموعه‌ای از سلطه‌ها وجود دارد، غیر قابل انکار است. بخاطر همین است که در آیات و روایات خیلی بر روی کلمه «سلطان» تأکید شده است.

۲.۲.۲.۱ روایات باب خوف از سلطان؛ مصداقی از مجموعه روایات باب سلطان

مباحث حول کلمه "سلطان" [در آیات و روایات] خیلی مختلف است؛ مثلاً یکی از آن مباحث، بحث از «خوف سلطان» است. چون «سلطان (حاکم)» شخص تأثیرگذاری است، لذا خوف از او هم خوف و ترسی عقلایی است. به همین خاطر یک مجموعه تدابیری برای مواجهه با "خوف سلطان" در روایات پیشنهاد شده است. بحث‌های مختلفی در این باره وجود دارد؛ مثلاً روایت‌های خوف سلطان که به تدابیر مدیریت رابطه با سلطان می‌پردازد.^{۲۲} مثلاً ما از سلطان وزارت بهداشت خوف داریم. چرا؟ چون از طرح غربالگری می‌ترسیم. او تسلط دارد و طرح غربالگری را اجرا می‌کند هرچند که می‌گویند متوقف شده است؛ ولی مشاهدات عینی ما این را تأیید نمی‌کند و ما در این قضیه، "خوف [از] سلطان" داریم و باید یک تدبیری در مورد [مقابله با] آن انجام بدهیم.

۲۲. ارجاع پژوهشی: محمد عن ابن عیسی عن ابن ابي عمير عن بعض أصحابنا قال قال أبو عبد الله ع قال لي رجل أي شيء قلت حين دخلت على أبي جعفر بالبصرة قال قلت اللهم إنك تكفي من كل شيء و لا يكفي منك شيء فاكفنيه بما شئت و كيف شئت و من حيث شئت و أنى شئت. زمانی که بر خلیفه عباسی وارد شدم چه کنم؟ حضرت فرمودند اللهم إنك تكفي من كل شيء و لا يكفي منك شيء فاكفنيه بما شئت و كيف شئت و من حيث شئت و أنى شئت.

کافی، ج ۲، ص ۵۵۹

شرح الأخبار، ج ۳، ص ۳۰۷ / کشف الغمّة، ج ۲، ص ۱۶۶

الوافي، ج ۹، ص ۱۵۳۹ / وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۱۳۳

۲.۲.۲.۲ عباراتی مانند: «سلطان نبینا»، «سلطان جائر» و «سلطان عادل»؛ مصادیقی دیگر از

مجموعه روایات باب سلطان

یا مثلاً در روایات ما عبارت «سلطان نبینا» وجود دارد.^{۲۳} یعنی: نبی مکرم اسلام ﷺ هم در هنگام مدیریت خود یک نوع تسلط و سلطان داشته‌اند. یا در برخی روایت تعبیر «سلطان جائر»^{۲۴} یا «سلطان عادل»^{۲۵} و

۲۳. **ارجاع پژوهشی:** ابْنُ قُلوَيْبٍ، عَنِ أَبِيهِ، عَنِ سَعْدِ، عَنِ أَحْمَدَ بْنِ عَلَوَيْهٖ، عَنِ الثَّقَفِيِّ، عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو الرَّازِيِّ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْمُبَارَكِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ سَلَمَةَ، قَالَ: لَمَّا بَلَغَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ مَسِيرَ طَلْحَةَ وَ الزُّبَيْرِ وَ عَائِشَةَ مِنْ مَكَّةَ إِلَى الْبَصْرَةِ تَادَى الصَّلَاةَ جَامِعَةً، فَلَمَّا اجْتَمَعَ النَّاسُ حَمِدَ اللَّهُ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ: أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمَّا قَبَضَ نَبِيَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قُلْنَا: نَحْنُ أَهْلُ بَيْتِهِ وَ عَصَبَتُهُ وَ وَرَثَتُهُ وَ أَوْلِيَاؤُهُ وَ أَحَقُّ خَلَائِقِ اللَّهِ بِهِ، لَا تَنَازَعُ حَقَّهُ وَ سُلْطَانَهُ، فَبَيْنَمَا نَحْنُ إِذْ نَفَرَ الْمُتَأَفِّفُونَ فَاتْتَرَعُوا سُلْطَانَ نَبِيِّنَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مِنَّا وَ وَلُوهُ غَيْرِنَا، فَبَكَتْ لِدَلِكِ - وَ اللَّهُ - الْغَيْوُونَ وَ الْفُلُوبُ مِنَّا جَمِيعًا، وَ حَشْنَتِ - وَ اللَّهُ الصُّدُورُ، وَ أَيْمِ اللَّهِ لَوْ لَا مَخَافَةُ الْفُرْقَةِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ أَنْ يَعُودُوا إِلَى الْكُفْرِ، وَ يَعُودَ الدِّينُ، لَكُنَّا قَدْ غَيَّرْنَا ذَلِكَ مَا اسْتَطَعْنَا ...

حسن بن سلمه گوید: چون گزارش حرکت طلحه و زبیر و عایشه از مکه بسوی بصره بامیر المؤمنین - صلوات الله علیه - رسید صدا زد تا همه جمع شوند، چون همه گرد آمدند حمد و ثنای الهی بجای آورد، سپس فرمود: اما بعد، پس از آنکه خدا - تبارک و تعالی - پیامبرش (صلی الله علیه و آله) را بسوی خود برد، گفتیم که ما اهل بیت و خاندان و وارثان و دوستان و شایسته‌ترین مردم نسبت بآن حضرت هستیم، و هرگز در زمینه حق و سلطه او مورد منازعه و مخالفت قرار نگیریم، در همین فکر بودیم که منافقین برجستند و سلطه و قدرت پیامبران (صلی الله علیه و آله) را از ما ربودند و بدست غیر ما سپردند، بطوری که بخدا سوگند دیده و دل‌های ما همگی بر این حادثه گریست و سینه‌ها بخشم آمد. بخدا سوگند اگر بیم آن نبود که مسلمین پراکنده شوند، و بکفر باز گردند، و دین کفر و ناهموار گردد همانا تا آنجا که توان داشتیم شرائط کنونی را دگرگون می‌ساختیم ...

الأمالی (للمفید)، ص ۱۵۴ / الإرشاد (مفید)، ج ۱، ص ۲۴۵ / الجمل و النصره لسید العتره فی حرب البصرة (شیخ مفید)، ص ۴۳۷ بحار الأنوار، ج ۲۹، ص ۵۷۹ / حلیة الأبرار فی أحوال محمد و آله الأطهار علیهم السلام (سیدهاشم بحرانی، ۱۱۰۷ ق)، ج ۲، ص ۳۰۲

قَالَ (ابْنُ أَبِي الْحَدِيدِ): وَ رَوَى أَبُو الْحَسَنِ الْمَدَائِنِيُّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُنَادَةَ قَالَ: قَدِمْتُ مِنَ الْحِجَازِ أُرِيدُ الْعِرَاقَ فِي أَوَّلِ إِمَارَةِ عَلِيِّ بْنِ فَرْمَزْتُ بِمَكَّةَ فَأَعْتَمَرْتُ ثُمَّ قَدِمْتُ الْمَدِينَةَ فَدَخَلْتُ مَسْجِدَ رَسُولِ اللَّهِ ص إِذَا تُودِي الصَّلَاةَ جَامِعَةً فَاجْتَمَعَ النَّاسُ وَ حَرَجَ عَلِيٌّ ع مُتَقَلِّدًا سَيْفَهُ فَشَخَصَتِ الْأَبْصَارُ نَحْوَهُ فَحَمِدَ اللَّهُ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ وَ صَلَّى عَلَى رَسُولِهِ ثُمَّ قَالَ أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّهُ لَمَّا قَبَضَ اللَّهُ نَبِيَّهُ قُلْنَا نَحْنُ أَهْلُهُ وَ وَرَثَتُهُ وَ عِثْرَتُهُ وَ أَوْلِيَاؤُهُ دُونَ النَّاسِ لَا يَنَازِعُنَا سُلْطَانَهُ أَحَدٌ وَ لَا يَطْمَعُ فِي حَقِّنَا طَامِعٌ إِذَا تَرَى لَنَا قَوْمًا فَفَعُوبُنَا سُلْطَانَ نَبِيِّنَا فَصَارَتْ الْإِمْرَةُ لِعَيْرِنَا وَ صِرْنَا سُوقَةً يَطْمَعُ فِيهَا الضَّعِيفُ وَ يَتَعَرَّزُ عَلَيْنَا الدَّلِيلُ فَبَكَتِ الْأَعْيُنُ مِنَّا لِذَلِكَ وَ حَشْنَتِ الصُّدُورُ وَ جَزَعَتِ النَّفُوسُ وَ أَيْمِ اللَّهِ لَوْ لَا مَخَافَةُ الْفُرْقَةِ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ وَ أَنْ يَعُودَ الْكُفْرُ وَ يَسُورَ الدِّينُ لَكُنَّا عَلَى غَيْرِ مَا كُنَّا لَهُمْ عَلَيْهِ قَوْلِي الْأَمْرُ وَلَا لَمْ يَأْلُوا النَّاسَ خَيْرًا ثُمَّ اسْتَحْرَجْتُمُونِي أَيُّهَا النَّاسُ مِنْ بَيْتِي فَبَايَعْتُمُونِي عَلَى سُنِّي مَنِّي لِأَمْرِكُمْ وَ فِرَاسَةِ تَضَدُّقِي عَمَّا فِي قُلُوبِ كَثِيرٍ مِنْكُمْ وَ بَايَعِي هَذَانِ الرَّجُلَانِ فِي أَوَّلِ مَنْ بَايَعَ تَعْلَمُونَ ذَلِكَ وَ قَدْ نَكَّنَا وَ عَدَرَا وَ نَهَضْنَا إِلَى الْبَصْرَةِ بِعَائِشَةَ لِفِرْقَا جَمَاعَتِكُمْ وَ يَلْقَانَا بِأَسْكَكُمْ بَيْنَكُمْ اللَّهُمَّ فَخُذْهُمَا بِمَا عَمِلَا أَحَدَهُ رَابِيَةً وَ لَا تَتَعَشَّ لَهُمَا صِرْعَةً وَ لَا تَعْلَهُمَا عِثْرَةً وَ لَا تَنْهَلَهُمَا فَوْاقًا فَإِنَّهُمَا يَطْلُبَانِ حَقًّا تَرَكَاهُ وَ دَمًا سَفَكَاهُ اللَّهُمَّ إِنِّي اقْتَضَيْتُكَ وَ عَدَكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ لِمَنْ بَغِيَ عَلَيْهِ لِيُصْرَثَهُ اللَّهُ اللَّهُمَّ فَأَنْجِزْ لِي مَوْعِدِي وَ لَا تَكْلِبْنِي إِلَى نَفْسِي إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ* ثم نزل.

شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید به نقل از عبد الله بن جناده: در آغاز حکومت علی علیه السلام، از حجاز به قصد عراق آمدم. از مکه گذشتم و عمره گزاردم. سپس وارد مدینه شدم و به مسجد پیامبر خدا آمدم و چون ندای نماز جمعه داده شد، مردم گرد آمدند و علی علیه السلام، در حالی که شمشیرش را حمایل کرده بود، بیرون آمد و چشم‌ها به او متوجه شد. او خدا را ستود و بر پیامبرش درود فرستاد و سپس فرمود:

«اما بعد، چون خداوند عز و جل جان پیامبرش را گرفت، گفتیم: ما، کسان و وارثان و خاندان و بستگان اویم، نه دیگران! و هیچ کس بر سر [تصاحب] حکومت او با ما نخواهد ستیزد و احدی در حق ما طمع نخواهد کرد! اما به یکباره، قوم ما در برابر ما قد علم کردند و حکومت پیامبران را از ما غصب نمودند و فرمان‌روایی به دست دیگران افتاد و ما شدید مردمانی که حتی ناتوان در ما طمع می‌کند و خوار، بر ما سرفرازی می‌جوید! پس، دیدگان ما از [مشاهده] این وضع گریستند و سینه‌ها کینه‌ور شدند و جان‌ها بی‌تابی نمودند سپس، شما ای مردم مرا از خانه‌ام بیرون کشیدید و با من، بیعت کردید با آن که از کار [حکومت بر] شما بیزارم و به فراست می‌دانم که در دل‌های بسیاری از شما چه می‌گذرد. این دو مرد نیز جزو نخستین کسانی بودند که با من بیعت کردند. این را شما هم می‌دانید؛ اما پیمان شکستند و نارو زدند و عایشه را به بصره بردند تا

غیره. بنده عرضم این است که: با تفحص و درایه در مجموعه روایات و آیات «سلطان» به این خواهیم رسید که: نظامات اجتماعی بر همه چیز اثر دارد. این مطلب آن نکته‌ای است که می‌خواهم به آن اشاره کنم. شنیدم که برخی آقایان در درس خارج خود گفته‌اند: «اسلام حکومت هم ندارد.»! بنده نمی‌دانم آقایان اصلاً روایت‌های مربوط به حوزه «حکومت» را می‌خوانند یا فقط روایات باب «احکام» را می‌خوانند؟! اگر کسی معتقد شد که اسلام حکومت ندارد، باید «سلطان جائز» را هم بپذیرد. پذیرش «سلطان جائز» هم به معنای قبول چالش در همه مسائل است. حالا که جمهوری اسلامی با برکت در رأس امور است، سلطان جائز سازمان ملل از طریق اسناد بین‌المللی دارد بر همه مسائل ما تاثیر می‌گذارد. وای به وضعیتی که سلطان و

جماعت شما را از هم بپراکنند و میانتان جنگ افروزی کنند. بار خدایا! پس آن دو را به کیفر کاری که کردند، سخت مجازات کن و افتاده آنان را بر مخیزان و لغزیده ایشان را دست مگیر و دمی آن دو را مهلت مده؛ که آن دو، حقی را می‌طلبند که خود، آن را و نهادند و خونخواهی خونی را می‌کنند که خود، آن را ریختند. بار خدایا! انجام گرفتن وعده‌ات را از تو می‌طلبیم؛ چرا که تو گفته‌ای و گفته‌ات راست است که: «سپس، [هر که] مورد ستم قرار گیرد، قطعاً خداوند، او را یاری خواهد کرد.» بار خدایا! پس وعده‌ات را برای من، تحقق بخش و مرا به خودم وا مگذار، که به راستی تو بر هر کاری توانایی.

شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۳۰۷ (فانلاً: خطبة علي بالمدينة في اول امارته و اعلم ان كلام امير المؤمنين ع و كلام اصحابه و عماله في واقعة الجمل كله يدور على هذه المعاني التي اشتملت عليها الفاظ هذا الفصل) بحار الأنوار، ج ۳۲، ص ۶۲

۲۴. **ارجاع پژوهشی:** از باب نمونه: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِلَوِيُّهِ عَنْ عَمِّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع يَا مُفَضَّلُ إِنَّهُ مَنْ تَعَرَّضَ لِسُلْطَانٍ جَائِرٍ فَأَصَابَتْهُ بَلِيَّةٌ لَمْ يُؤْخَرْ عَلَيْهَا وَ لَمْ يُرْزَقِ التَّصَبُّرَ عَلَيْهَا. مفضل بن عمر گوید: امام صادق علیه السلام مرا فرمود: ای مفضل! بی‌گمان هر که با زمامدار ستمکاری مخالفت ورزد و از آن زمامدار او را بلایی در رسد بر آن بلا پاداشی نبرد و شکیبایی بر بلا، روزی او نشود.

کافی، ج ۵، ص ۶۱
تحف العقول، ص ۳۵۹ / ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۴۸ / تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۱۷۸
وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۱۲۸

۲۵. **ارجاع پژوهشی:** از باب نمونه: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنِ جَعْفَرٍ الْأَهْمَدَانِيُّ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع عَنْ أَبِيهِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ع أَنَّهُ قَالَ لِشِبَعِ بْنِ يَسْبَعَةَ لَا تَدُلُّوا رِقَابَكُمْ بِتَرْكِ طَاعَةِ سُلْطَانِكُمْ فَإِنَّ كَانَ عَادِلًا فَاسْأَلُوا اللَّهَ إِنْقَاءً وَ إِنْ كَانَ جَائِرًا فَاسْأَلُوا اللَّهَ إِصْلَاحًا فَإِنَّ صَلَاحَكُمْ فِي صَلَاحِ سُلْطَانِكُمْ وَ إِنَّ السُّلْطَانَ الْعَادِلَ بِمَنْزِلَةِ الْوَالِدِ الرَّحِيمِ فَأَجِبُوا لَهُ مَا تَحِبُّونَ لِأَنْفُسِكُمْ وَ اكْرَهُوا لَهُ مَا تَكْرَهُونَ لِأَنْفُسِكُمْ. امام هفتم بشیعیانش فرمود ای گروه شیعه خود را خوار نکنید بترک طاعت سلطان خود، اگر عادل است از خدا بقای او را خواهید و اگر ستمکار است از خدا اصلاح او را خواهید، صلاح شما در صلاح سلطان شما است سلطان عادل چون پدر مهربان است برای او دوست دارید آنچه برای خود دوست دارید و برای او نخواهید آنچه بسرای خود نمی‌خواهید.

الأمالي (للصدوق)، ص ۳۳۸
وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۲۲۰ - بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۳۶۹

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: السُّلْطَانُ الْعَادِلُ الْمُتَوَاضِعُ ظِلُّ اللَّهِ وَ رُوحُهُ فِي الْأَرْضِ
رسول خدا (صلی الله علیه و آله): سلطان دادگر فروتن، سایه خدا و نیزه او در زمین است.

إرشاد القلوب (للديلمي)، ج ۱، ص ۱۷۳
نهج الفصاحة، ص ۵۳۱

تسلط جمهوری اسلامی را هم نداشته باشیم. نمی‌توان به راحتی این را پذیرفت که اسلام حکومت ندارد. بعضی از اوقات فکر می‌کنم برخی از تحلیل‌ها نسبت به ظهور واضح برخی از روایات غفلت دارد. بله؛ در روایت ما هست که سلطان و تسلط نهایی جبهه حق، در دوره ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام اتفاق خواهد افتاد. در این بحث و شکی نیست. اما آیا برای رفع تسلط سلطان جائز سازمان ملل بر خودمان تلاشی نکنیم؟! این چه استدلالی است که این آقایان بیان می‌کنند؟! آیا تسلط فرد یا سازمان جائز (که سازمان ملل اینطور است) مسئله‌ای بخشی است یا فرابخشی؟ اگر شما سلطان و تسلط سازمان ملل را (مثلاً از طریق سند ۲۰۳۰ و دیگر اسناد بین‌المللی) پذیرفتید، این بر همه مسائل شما تاثیر خواهد گذاشت! و [طبق روایت «الناس بأمرائهم اشبه»] مردم شبیه سلطان خواهند شد! پس چرا شما می‌گویید که: ما در دوره غیبت، حکومت نداریم؟! البته شاید لازم باشد که در جلسه‌ای مجزا به این موضوع بپردازیم و این روایات را دقیق‌تر بررسی کنیم. ولی به هر حال بنده عرض می‌کنم که: دقت در کلمه «سلطان» در آیات و روایات، مجموعه‌ای از درک‌ها را برای ما ایجاد می‌کند [از جمله اینکه] نظامات اجتماعی بر همه مسائل مؤثر است.

خب؛ این هم از سرفصل دوم. در این سرفصل به دنبال آن بودیم که معنای زاویه دید الگوی پیشرفت اسلامی را شرح بدهیم. اصطلاح «زاویه دید الگوی پیشرفت اسلامی» یعنی: «بررسی تاثیر نظامات اجتماعی بر همه مسائل». در مسئله مورد نظرمان که بحث «جمعیت» است هم با همین «زاویه دید الگو» بحث را بررسی کرده و ادامه خواهیم کرد. پس در سرفصل دوم مشخص شد که: بحث از «برنامه جمعیتی الگو» می‌خواهد «تاثیر نظامات اجتماعی بر مسئله جمعیت» را بحث می‌کند.

۳. سرفصل سوم: رابطه میان "جمعیت" و "فرزندآوری" با درک افراد از "خانواده" چیست؟

۳.۱ متأثر بودن بحث "جمعیت" و "فرزندآوری" از درک افراد از مفهوم "خانواده"

؛ بحث مهم و مطرح در سرفصل سوم

در سرفصل سوم یک مسئله مهم و کمتر بحث شده مطرح می‌شود. و آن عبارت است از اینکه: مسئله "جمعیت" متأثر از درک افراد از نهاد "خانواده" است. ریشه اهمیت ندادن برخی افراد به "فرزندآوری"، درک تنزل یافته و ناقص آنها از نهاد "خانواده" است. بنابراین باید تلاش کنیم درک افراد از مفهوم "خانواده" را ارتقاء بدهیم. اگر اجازه بدهید قبل از اینکه این موضوع را تشریح کنم به معنای "خانواده" از منظر آیات و روایات بپردازم.

هرگاه کلمه "خانواده" استعمال می‌شود هرکسی یک درکی از آن دارد: برخی همان "صیغه محرمیت" را معنای خانواده می‌دانند. برخی دیگر خانواده را به "روابط جنسی حلال" تنزل می‌دهند. به هر حال درک‌های افراد از خانواده متفاوت است. حالا قدری این درک‌ها را بحث کنیم تا ببینیم می‌توانیم تصویری از خانواده مطلوب در ذهن‌ها ایجاد کرد یا نه.

۳.۲ تبیین مفهوم "خانواده" از منظر آیات و روایات: (کارکردهای خانواده)

بنده در تشریح معنای خانواده از منظر آیات و روایات شش سرفصل را بحث خواهم کرد:

۳.۲.۱ خانواده و انعقاد نطفه؛ اولین بحث مرتبط با خانواده در آیات و روایات

بخش اول: خانواده و انعقاد نطفه. به شرط اینکه "انعقاد صحیح نطفه" و "انعقاد غلط نطفه" بحث شود.

۳.۲.۱.۱ تأثیر فراوان انعقاد نطفه بر پایه‌گذاری استعداد و ظرفیت اولیه انسان؛ مهم‌ترین بحث

در رابطه بین خانواده و انعقاد نطفه

همان‌طور که عرض کردم "انعقاد صحیح نطفه" به معنای "پایه‌گذاری استعدادها و ظرفیت‌ها در انسان" است؛ یعنی: وابسته به اینکه شما روش انعقاد نطفه صحیح را بلد باشید یا نباشید، استعداد فرزندی که برای شما متولد می‌شود تغییر می‌کند [و متفاوت خواهد شد]. [رعایت و یا عدم رعایت روش صحیح انعقاد نطفه] [لااقل از سه حیث بر استعدادها] [فرزند تاثیرگذار خواهد بود و استعدادهای فرزند باتوجه به آن] متفاوت خواهد بود.

۳.۲.۱.۱.۱ تاثیر خوردن «به» قبل از انعقاد نطفه بر زیبایی فرزند؛ نمونه‌ای از تاثیر انعقاد نطفه

بر پایه‌گذاری استعداد و ظرفیت اولیه انسان

مثلاً زیبایی و چهره فرزند تحت تاثیر انعقاد نطفه است. در عصر ما مردم وقتی خواهند به خاطر [عدم زیبایی] چهره خود از خدا تشکر کنند این طور می‌گویند که: «خدا را شکر که چهره من را این طور قرار داد!» (که البته در این شکر ده‌ها ناشکری مستتر است!) در حالی که در روایات گفته شده است که: زیبایی یا [زشتی] چهره فرزند شما به انعقاد صحیح نطفه بر می‌گردد. مثلاً دیده‌اید روایت می‌فرماید پدر قبل از انعقاد نطفه ناشتا "به" مصرف کند و همین "به" باعث می‌شود نطفه او پاک شود^{۲۶} و از فواید این حکم آن است که پوست فرزند که متولد خواهد شد دچار مشکل [عدم زیبایی] نمی‌شود.^{۲۷} ده‌ها تدبیر دیگر در روایت وجود دارد که الان

۲۶. **ارجاع پژوهشی:** الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ أَكَلَ سَفْرَجَلَةً عَلَى الرَّيْقِ طَابَ مَاؤُهُ وَ حَسُنَ وَلَدُهُ. امام صادق علیه السلام: هر کس ناشتا يك به بخورد، نطفه‌اش پاکیزه می‌شود و فرزندش نیکو و زیبا می‌گردد.

الكافي، ج ۶، ص ۳۵۷ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۴۹ (عنه عن سجادَةَ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ)

الوافي، ج ۱۹، ص ۴۰۰ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۱۶۶ / طب الأئمة عليهم السلام (للشبر)، ص ۱۶۳ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۷۰ و ج ۱۰۱،

ص ۸۱

۲۷. **ارجاع پژوهشی:** أَبُو الْحَسَنِ الْبَجَلِيُّ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ إِبرَاهِيمَ عَنْ سَلِيمَانَ بْنِ جَعْفَرِ الْجَوْهَرِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ع قَالَ: كَسَّرَ رَسُولُ اللَّهِ ص سَفْرَجَلَةً وَ أَطْعَمَ جَعْفَرُ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ قَالَ لَهُ كُلْ فَإِنَّهُ يُصْقِي اللَّوْنُ وَ يُحَسِّنُ الْوَلَدَ.

میوه «به»: پیامبر (صلی الله علیه و آله) به جعفر بن ابی طالب (ع) فرمود: خوردن میوه «به» موجب درخشندگی رنگ چهره می‌شود و فرزند را زیبا می‌نماید.

محاسن، ج ۲، ص ۵۴۹

عنه (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَرَّازِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: نَظَرَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِلَى غُلَامٍ جَمِيلٍ فَقَالَ يُبَغِي أَنْ يَكُونَ أَبُو هَذَا الْغُلَامِ أَكَلَا السَّفْرَجَلِ وَ قَالَ السَّفْرَجَلُ يُحَسِّنُ الْوَجْهَ وَ يَجْمُ الْفُؤَادَ.

امام صادق علیه السلام هنگامی که به پسر بچه‌ای زیبا نگرست: باید پدر و مادر این پسر، به خورده باشند! و فرمود: به صورت را زیبا و قلب را آسایش و آرامش می‌بخشد.

المحاسن، ج ۲، ص ۵۴۹

كِتَابُ الْإِمَامَةِ وَ التَّبَصُّرَةِ: عَنْ سَهْلِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْأَشْعَثِ عَنْ مُوسَى بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: ... لَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا وَ لَا وَصِيًّا إِلَّا وَجَدَ مِنْهُ رَائِحَةَ السَّفْرَجَلِ؛ فَكُلُّوْهَا، وَ أَطْعَمُوا حِبَالَكُمْ؛ يَحْسُنُ أَوْلَادَكُمْ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): ... هیچ پیامبر و هیچ وصی‌ای را بر نینگیخت، مگر آن که او بوی به می‌داد. پس آن را بخورید و به زنان بارداران بدهید، که فرزندان زیبا می‌شوند.

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۷۷ / مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۳۵

عن رسول الله صلى الله عليه و آله: كُلُوا السَّفْرَجَلِ وَ تَهَادَوْهُ بَيْنَكُمْ؛ فَإِنَّهُ يَجْلُو الْبَصَرَ، وَ يُبَيِّتُ الْمَوَدَّةَ فِي الْقَلْبِ، وَ أَطْعَمُوهُ حِبَالَكُمْ؛ فَإِنَّهُ يُحَسِّنُ أَوْلَادَكُمْ. وفي رواية: يُحَسِّنُ أَخْلَاقَ أَوْلَادِكُمْ.

نمی‌خواهم به آن‌ها بپردازم؛ ولی در کل این را می‌خواهم عرض کنم که حتی زیبایی فرزند شما هم به انعقاد صحیح نطفه بر می‌گردد.

۳.۲.۱.۱.۲ استفاده از «کندر نر» در دوران بارداری بر افزایش هوش در فرزند پسر و زیبایی اندام در فرزند دختر؛ نمونه‌ای دیگر از تاثیر انعقاد نطفه بر پایه‌گذاری استعداد و ظرفیت اولیه انسان

مثلاً در روایت دارد اگر مادر در دوران حمل "کندر نر" مصرف کند فرزند او چه پسر چه دختر استعدادش افزایش پیدا می‌کند به این معنای که اگر فرزند پسر باشد استعداد هوشی او بالا خواهد رفت و اگر دختر باشد استعداد و زیبایی اندام و جسم او بالا خواهد رفت.^{۲۸}

۳.۲.۱.۱.۳ تاثیر خربزه با پنیر در دوران بارداری بر زیبایی فرزند؛ نمونه‌ای دیگر از تاثیر انعقاد نطفه بر پایه‌گذاری استعداد و ظرفیت اولیه انسان

یا مثلاً استفاده از خربزه با پنیر طبیعی و سنتی نیز به این مسئله کمک می‌کند.^{۲۹}

پیامبر خدا فرمود: «به بخورید و به یکدیگر هدیه دهید؛ چرا که چشم را جلا می‌دهد و دوستی را در دل می‌رویانند و آن را به زنان باردارتان بدهید؛ چرا که فرزندان را زیبا می‌گرداند. و در روایتی دیگر آمده که فرمود: «اخلاق فرزندان را نیکو می‌سازد».

مکارم الأخلاق، ص ۱۷۲ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۴۰۱

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ شُرْحِبِيلِ بْنِ مُسْلِمٍ أَنَّهُ قَالَ: فِي الْمَرْأَةِ الْحَامِلِ تَأْكُلُ السَّقْرَجَلِ فَإِنَّ الْوَلَدَ يَكُونُ أَطْيَبَ رِيحًا وَأَصْفَى لَوْنًا.

به نقل از شُرْحِبِيلِ بْنِ مُسْلِمٍ: ایشان درباره زن باردار گفت: «به بخورد. در این صورت، فرزند او، خوش‌بوتر و خوش‌رنگ‌تر خواهد شد».

الكافي، ج ۶، ص ۲۲ / تهذيب الأحكام، ج ۷، ص ۴۳۹

۲۸. **ارجاع پژوهشی:** عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الرَّضَاعِ قَالَ: أَطْعَمُوا حَبَالًا كُمْ ذَكَرَ اللَّبَّانِ فَإِنَّ يَكُ فِي بَطْنِهَا غَلَامٌ خَرَجَ ذَكِيًّا الْقَلْبِ عَالِمًا شَجَاعًا وَإِنْ تَكُ جَارِيَةً حَسَنَ خُلُقِهَا وَحُلْفَهَا وَعَظَمَتِ عَجِيذَتُهَا وَحَظِيَّتِ عِنْدَ زَوْجِهَا. امام رضا علیه السلام: به زنان باردارتان، کندر نر بدهید. در این صورت، اگر آنچه در شکم زن است، پسر باشد، بیداردل، آگاه و دلیر می‌گردد، و اگر دختر باشد، صورت و اخلاق او زیبا می‌شود و سرین او سترگ می‌گردد و نزد همسرش بهره می‌یابد.

الكافي، ج ۶، ص ۲۳

۲۹. **ارجاع پژوهشی:** قَالَ ص: مَا مِنْ امْرَأَةٍ حَامِلَةٍ أَكَلَتْ الْبَطِيخَ بِالْجُبْنِ إِلَّا يَكُونُ مَوْلُودُهَا حَسَنَ الْوَجْهِ وَالْخُلُقِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ زن بارداری نیست که خربزه با پنیر بخورد، مگر این که نوزادش خوش‌چهره و خوش‌خو می‌گردد.

بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۲۹۹

قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): ما من امرأة حاملٍ أكلت البطيخَ إلا يكون مولودها حسنَ الوجه والخلقِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ زن بارداری نیست که خربزه بخورد، مگر این که نوزادش خوش‌چهره و خوش‌خو می‌گردد.

طب النبي صلى الله عليه وآله وسلم، ص ۲۹ / مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۲۱۴

۳.۲.۱.۱.۴ تاثیر انعقاد نطفه در شب و روز عید قربان بر ایجاد مشکل جسمی در فرزند؛

نمونه‌ای دیگر از تاثیر انعقاد نطفه بر پایه‌گذاری استعداد و ظرفیت اولیه انسان

یا مثلاً برخی از معلولیت‌ها، ناشی از انتخاب زمان غلط در انعقاد نطفه است. مثلاً در روایت دارد در اعضای فرزند شب عید قربان اشکال و اختلال ایجاد خواهد شد.^{۳۰} بعداً اگر قرار شد درباره مسائل جمعیتی صحبت کنیم به طور تفصیلی به مسئله "آداب انعقاد نطفه" باید پرداخته شود.

پس وقتی شما راجع به "جمعیت" صحبت می‌کنید [منظورتان آن جمعیتی است] که استعدادهای آنها ارتقاء یافته باشد. و ایجاد استعدادهای عالی وابسته به یادگیری آداب انعقاد نطفه است. پس بنده [در این بخش اول] در مورد "خانواده" و "پایه‌گذاری استعداد" صحبت می‌کنم. شما در نهاد دیگری به جز خانواده به دنبال ارتقای استعداد افراد نباشید! این مسئله اختصاص به خانواده دارد. اگر حاکمیت می‌خواهد نسل آینده باهوش‌تر سالم‌تر زیباتر باشد باید خانواده را در یابد. این از مسئله اول.

۳.۲.۲ خانواده و امنیت؛ دومین بحث مرتبط با خانواده در آیات و روایات

بخش دوم: "خانواده" و "امنیت" است.

۳۰. **ارجاع پژوهشی:** حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبرَاهِيمَ أَبُو الْعَبَّاسِ الطَّلَقَانِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو سَعِيدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْعَدَوِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا يُوْسُفُ بْنُ يَحْيَى الْأَصْبَهَانِيُّ أَبُو يَعْقُوبَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَلِيٍّ إِسْمَاعِيلُ بْنُ حَاتِمٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ أَحْمَدُ بْنُ صَالِحٍ بْنُ سَعِيدٍ الْمَكِّيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عُمَرُ بْنُ حَفْصٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ نَجِيحٍ عَنْ حُصَيْنِ بْنِ مُجَاهِدٍ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ: أَوْصَى رَسُولُ اللَّهِ ص عَلِيٌّ بِنِ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ فَقَالَ: ... يَا عَلِيُّ لَا تُجَامِعِ امْرَأَتَكَ فِي لَيْلَةِ الْأَضْحَى فَإِنَّهُ إِنْ فَضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ يَكُونُ لَهُ سِتُّ أَصَابِعٍ أَوْ أَرْبَعُ أَصَابِعٍ ...
در وصیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله): ... یا علی در شب عید قربان با همسرت نزدیک مکن زیرا اگر فرزندی متولد شود شش یا چهار انگشتی می‌باشد ...

علل الشرائع، ج ۲، ص ۵۱۵ / الأمالی (للسدوق)، ص ۵۶۷ / من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۵۵۲

جامع الأخبار (للسعیری)، ص ۱۰۳ / مکارم الأخلاق، ص ۲۰۹

الوافی، ج ۲۲، ص ۷۳۱ / بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۸۱

جهت مشاهده متن کامل این روایت و همچنین روایات دیگر در باب «تاثیر فراوان انعقاد نطفه بر ویژگی‌های جسمی و روحی فرزند»: به پیوست شماره ۲ مراجعه بفرمایید.

۳.۲.۲.۱ آموزش شنا، اسبسواری و تیراندازی به فرزند؛ از وظایف پدر و زمینه‌ساز آمادگی

جسمی در مردم و افزایش امنیت در جامعه

از نبی مکرم اسلام ۹ روایت شده است که فرمودند: «عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ السَّبَاحَةَ وَالرَّمَايَةَ»^{۳۱} یعنی: به فرزندان خود شنا و تیراندازی بیاموزید. در برخی از روایت‌های دیگر به‌طور کلی فرموده‌اند: اسب‌دوانی را به فرزندان خود بیاموزید.^{۳۲} این سه ورزش در جامعه چه آثاری دارند؟ هر سه ورزش انسان‌ها را از حیث جسمی و روحی تقویت می‌کنند. هرکدام از این ورزش‌ها فواید کثیری برای شخصیت و بدن افراد دارد.

۳۱. ارجاع پژوهشی: پیامبر صلی الله علیه و آله : عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ السَّبَاحَةَ وَالرَّمَايَةَ.

پیامبر (صلی الله علیه و آله): به فرزندان‌تان شنا و تیراندازی بیاموزید.

کافی، ج ۶، ص ۷

الوافی، ج ۲۳، ص ۱۳۸۴ / وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۳۳۱ / جامع احادیث الشیعة (للبروجردی)، ج ۲۲، ص ۵۱۲

عن النبی ص: عَلِّمُوا بَنِيكُمْ الرِّمِي فَإِنَّهُ نَكَايَةُ الْعَدُوِّ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): فرزندان خویش را تیراندازی آموزش دهید که سر شکستگی دشمن است.

نهج الفصاحة، ص ۵۶۸ / کنز العمال، ح ۴۵۳۴۱

رسولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى وَالِدِهِ أَنْ يُعَلِّمَهُ الْكِتَابَةَ، وَالسَّبَاحَةَ، وَالرَّمَايَةَ، وَأَنْ لَا يَرِزُقَهُ إِلَّا طَيِّبًا.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حق فرزند بر پدرش این است که او را نوشتن و شنا و تیراندازی بیاموزد و جز روزی حلال خوراک او نکند.

مکاتیب الرسول صلی الله علیه و آله و سلم، ج ۱، ص ۳۸۳ / کنز العمال، ح ۴۵۳۴۰

عَلِيٌّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ جُمُهورٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ فَصَالَةَ بِنِ ابْنِ أَبِي عَدِيٍّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع وَ أَنَا مَغْمُومٌ مَكْرُوبٌ فَقَالَ لِي يَا سَكُونِي! مِمَّا غَمَّكَ قُلْتُ قُلْتُ لِي ابْنَةُ فَقَالَ يَا سَكُونِي عَلَى الْأَرْضِ تَقْلُهَا وَ عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا تَعِيْشُ فِي غَيْرِ أَجْلِكَ - وَ تَأْكُلُ مِنْ غَيْرِ رِزْقِكَ فَسَرَى وَ اللَّهُ عَنِّي فَقَالَ لِي مَا سَمَّيْتَهَا قُلْتُ فَاطِمَةَ قَالَ أَوْهْ تَمْ وَضَعَ يَدَهُ عَلَى جَبْهَتِهِ فَقَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى وَالِدِهِ إِذَا كَانَ ذَكَرًا أَنْ يَسْتَفْرِهَ أُمَّهُ وَ يَسْتَحْسِنَ اسْمَهُ وَ يُعَلِّمَهُ كِتَابَ اللَّهِ وَ يُطَهِّرَهُ وَ يُعَلِّمَهُ السَّبَاحَةَ...

به نقل از سکونی:- در حالی که غم‌زده و گرفته بودم، بر امام صادق علیه السلام وارد شدم. به من فرمود: «ای سکونی! ناراحتی تو از چیست؟». گفتم: دختری برایم زاده شده است. فرمود: «ای سکونی! سنگینی آن، بر زمین است و روزی آن، بر خدا. خارج از محدوده عمر تو زندگی می‌کند و غیر از روزی تو را می‌خورد». به خدا سوگند، مرا راحت ساخت. سپس به من فرمود: «او را چه نامیدی؟». گفتم: فاطمه. فرمود: «آه، آه!». سپس، دست خود را بر پیشانی‌اش گذاشت و فرمود: «پیامبر خدا، فرمود: حق فرزند بر پدر، این است که اگر پسر است، مادرش را گرمی دارد و نام نیکو بر او نهد و کتاب خدا را به او آموزش دهد و او را پاک گرداند و شنا به او یاد دهد،

الکافی، ج ۶، ص ۴۹ / تهذیب الأحکام، ج ۸، ص ۱۱۲

۳۲. ارجاع پژوهشی: مُحَمَّدٌ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص أَجْرَى الْخَيْلِ وَ جَعَلَ سَبَقَهَا أَوْاقِي مِنْ فِضَّةٍ.

امام سجاد (لیه السلام): رسول خدا (صلوات الله علیه و آله): مسابقه اسب‌دوانی می‌گذاشتند و جایزه‌ی آن را ۴۰ درهم قرار می‌دادند.

کافی، ج ۵، ص ۴۹

وسائل الشیعة، ج ۱۹، ص ۲۴۹

عن رسول الله صلی الله علیه و آله : أَحَبُّ اللَّهْوِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى إِجْرَاءُ الْخَيْلِ وَالرَّمِي .

۳.۲.۲.۱.۱ تقویت عضلات و تمرکز افراد؛ از جمله فایده‌های آموزش تیراندازی با تیرکمان

مثلاً تیراندازی - که البته فقهای معاصر حکم به جواز تیراندازی با ابزارهای جدید و فتوا به حلیت شرط‌بندی با ابزارهای جدید مثل تیراندازی با تیروکمان را داده‌اند - همین‌الان هم تیراندازی با کمان برای سلامت و هم برای تقویت عضلات موضوعیت دارد. خود کشیدن زه کمان و اینکه چگونه هدف‌گیری کنیم و بسیاری از اقدامات دیگر خود موضوعیت دارند و فایده دارند. عده‌ای فکر نکنند چون الان کلاشینکف آمده است دیگر با تیراندازی کمان فایده‌ای ندارد. همین‌الان برخی از آلاتی که در زورخانه است شبیه‌سازی شده کمان است. تیراندازی به سبک قدما یعنی با تیروکمان خیلی بر تقویت بازوها اثر دارد.

۳.۲.۲.۱.۲ بدن‌سازی طبیعی و تقویت قوای جنسی مرد؛ از جمله فواید آموزش اسب‌دوانی

مثلاً در ورزش اسب‌دوانی همیشه عرض کرده‌ایم که یک بدن‌سازی طبیعی است؛ یعنی شما فکر نکنید؛ چون الان تانک و چپ آمده است دیگر نیازی به این ورزش‌ها نداریم. خود اسب‌دوانی یک بدن‌سازی طبیعی است و اتفاقاً در روایات آمده است که اسب‌دوانی باعث تقویت قوای جنسی مرد است. حالا بنده با این حیث‌های خاص کار ندارم؛ ولی در کل بدن را تقویت می‌کند. حالا در اسلام گفته شده است که پدر متکفل آموزش این موارد به فرزند خود است.^{۳۳} پدر باید وقت بگذارد و این ورزش‌ها را به فرزند خود بیاموزد. این که پدر موظف است به آموزش (که از صیغه‌امر در «عَلِّمُوا» برداشت می‌شود) خب آثار این حکم چیست؟ مهم‌ترین اثر این حکم تقویت قوای بدنی است که زیرساخت امنیت است. شما در همه خانواده‌ها این حکم را پایه‌گذاری می‌کنید و دیگر لازم نیست از طریق ورزش‌های خاص به دنبال تقویت بدن باشید. افراد جامعه وقتی قوی باشند مسئولین جامعه به راحتی می‌توانند بسیج مردمی راه بیندازند. فرض بفرمایید همه بلد باشند از آب عبور کنند یا تیراندازی کنند یا سواری کاری کنند؛ خب یک فرمانده برای آموزش‌های اولیه و مقدماتی به چه چیزی‌هایی به جز این توانایی‌ها و قدرت‌ها نیاز دارد؟! پس خانواده کارکرد امنیتی هم دارد.

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله): دوست داشتنی‌ترین تفریح نزد خداوند متعال، اسب سواری و تیراندازی است.

کنز العمال، ج ۴، ص ۳۴۴

۳۳. ارجاع پژوهشی: عنه صلی الله علیه و آله: حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُعَلِّمَهُ الْكِتَابَةَ وَالسَّبَاحَةَ وَالزَّمَانَةَ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از حقوق فرزند بر پدر، آن است که به او نوشتن، شنا و تیراندازی بیاموزد.

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۵، ص ۱۶۹

منابع: کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۴۳ - مکاتیب الرسول صلی الله علیه و آله و سلم، ج ۱، ص ۳۸۴ - جامع أحادیث الشيعة (للبروجردی)، ج ۲۶، ص ۷۰۸

۳.۲.۳ خانواده و آموزش؛ سومین بحث مرتبط با خانواده در آیات و روایات

بخش سوم: "خانواده" و "آموزش" است.

۳.۱.۳.۱ آموزش کتاب‌الله و آداب؛ یکی از وظائف پدر نسبت به فرزندان

در روایات این‌طور آمده است که پدر مسئول آموزش کتاب‌الله به فرزندان است.^{۳۴} آداب را باید به فرزند خود آموزش دهد.^{۳۵} بهترین ارثی پدر برای فرزند خود باقی می‌گذارد ادبی است که به نسل بعدی منتقل می‌کند.^{۳۶}

۳۴. **ارجاع پژوهشی:** علی بن محمد عن ابن جهمور عن أبيه عن فضالة بن أيوب عن السكوني قال: دخلت على أبي عبد الله ع وأنا مغموم مكروب فقال لي يا سكوني... قال رسول الله ص **حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى وَالِدِهِ إِذَا كَانَ ذَكَرًا أَنْ يَسْتَفِرَّهُ أُمَّهُ وَيَسْتَحْسِنَ اسْمَهُ وَيُعَلِّمُهُ كِتَابَ اللَّهِ وَيُطَهِّرَهُ وَيُعَلِّمَهُ السَّبَاحَةَ. وَإِذَا كَانَتْ أُنْثَى أَنْ يَسْتَفِرَّهُ أُمُّهَا وَيَسْتَحْسِنَ اسْمَهَا وَيُعَلِّمُهَا سُورَةَ التَّوْرِ وَلَا يُعَلِّمُهَا سُورَةَ يُوسُفَ ...**
به نقل از سکونی:- در حالی که غم‌زده و گرفته بودم، بر امام صادق (علیه السلام) وارد شدم. به من فرمود: ... پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: "حق فرزند بر پدر، این است که اگر پسر است، مادرش را گرامی دارد و نام نیکو بر او نهد و کتاب خدا را به او آموزش دهد و او را پاک گرداند و شنا به او یاد دهد. و اگر دختر است، مادرش را گرامی دارد و نام نیک بر او نهد و سوره نور را به او آموزش دهد و سوره یوسف را به او یاد ندهد ...
الکافی، ج ۶، ص ۴۹ / تهذیب الأحکام، ج ۸، ص ۱۱۲

قال اميرالمؤمنين ع: **حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ وَيُحَسِّنَ أَدَبَهُ وَيُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ.**

امیرالمؤمنین (علیه السلام): حق فرزند بر پدر آن است که نام نیکو بر او بگذارد و خوب به او ادب آموزد و به او قرآن تعلیم دهد.

نهج البلاغة (للصبي صالح)، ص ۵۴۶

عن رسول الله صلى الله عليه وآله: **حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى وَالِدِهِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ، وَيُرْوِّجَهُ إِذَا أَدْرَكَ، وَيُعَلِّمَهُ الْكِتَابَ.**
پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حق فرزند بر پدرش این است که نام نیکو برایش انتخاب کند، هر وقت بالغ شد، او را همسر دهد، و به او قرآن پیاموزد.

مکاتیب الرسول صلی الله علیه و آله و سلم، ج ۱، ص ۳۸۳ / کنز العمال ۴۵۱۹۱

عن النبي صلى الله عليه وآله: **أَدَّبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ: حُبِّ نَبِيِّكُمْ، وَحُبِّ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ.**
پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فرزندان خود را بر سه خصلت تربیت کنید: دوست داشتن پیامبرتان، دوست داشتن اهل بیت او و خواندن قرآن.
کنز العمال، ح ۴۵۴۰۹

۳۵. **ارجاع پژوهشی:** عن علي بن الحسين ع في رسالته المعروفه برسالة الحقوق: ... **وَ أَمَّا حَقُّ وَلَدِكَ فَتَعَلَّمْ أَنَّهُ مِنْكَ وَ مُصَافِّ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَ شَرِّهِ وَ أَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيْتَهُ مِنْ حَسَنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ وَ الْمَعُونَةَ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ فِيكَ وَ فِي نَفْسِهِ فَمُنَابَّ عَلَى ذَلِكَ وَ مُعَاقَبٌ فَاعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلِ الْمُتَرْتِّينِ بِحُسْنِ أَثَرِهِ عَلَيْهِ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا الْمُعَدَّرِ إِلَى رَبِّهِ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ بِحُسْنِ الْقِيَامِ عَلَيْهِ وَ الْأَخْذِ لَهُ مِنْهُ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ...**

امام سجاد (علیه السلام) در رساله معروفش به نام رساله حقوق: ... **و اما حق فرزند این است که بدانی جزئی از وجود تو است، در دنیا با هر خیر و شری که دارد به تو منسوب است، در حسن تادیب، رهنمائی به خدا، و کمک به او در اطاعت از تو، و ایجاد روح فرمان برداری در او، مسئولی و در این باره پاداش یا کیفر داری؛ پس با وی چنان رفتار کن که در دنیا آثار نیک تربیتت زیب و زیور (و مایه سرفرازی) تو باشد، و (در آخرت) بر اثر انجام وظیفه در پیشگاه خدا معذور باشی، و لا قوة الا بالله...**

تحف العقول، ص ۲۶۳

در عصر ما مسئله آموزش به یک سیستم آموزشی تفویض (واگذار) شده است در حالی که در روایات، "خانواده" به عنوان نهاد تعلیم و تربیت یا آموزش قرار داده شده است.

ما یک وقتی بررسی کردیم و دیدیم اگر زیرساخت‌های قانونی فراهم شود حدود دو چهارم از مردم ایران می‌توانند به فرزندان خود آموزش دهند. اگر برنامه‌ریزی‌های تکمیلی را هم انجام دهیم، خواهیم توانست تعداد خانواده‌هایی که قدرت آموزش فرزندان خودشان را دارند در آینده بیشتر کنیم.

عَلَيْهِ بِنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ دُرُسْتٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى ع قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ ص فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا حَقُّ ابْنِي هَذَا قَالَ تُحْسِنُ اسْمَهُ وَ أَدَبَهُ وَ ضَعَهُ مَوْضِعًا حَسَنًا.

شخصی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرسید: حق این فرزندم بر من چیست؟ حضرت فرمود: نام نیکو بر او بگذاری و خوب ادبش کنی و شغل و حرفه خوبی به او بیاموزی.

الکافی، ج ۶، ص ۴۸ / تهذیب الأحکام، ج ۸، ص ۱۱۲
عدة الداعي، ص ۸۶ / وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۴۷۹

الإمام الصادق علیه السلام: **تَجِبُ لِلْوَالِدِ عَلَى وَالِدِهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: اخْتِيَاؤُهُ لَوَالِدَتِهِ، وَتَحْسِينُ اسْمِهِ، وَ الْمُبَالَغَةُ فِي تَأْدِيبِهِ.**
امام صادق علیه السلام: فرزند سه حق بر گردن پدرش دارد: مادر خوبی برایش انتخاب کند، نام نیکویی بر او بگذارد و در ادب او بکوشد.
تحف العقول، ص ۳۲۲ / بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۳۶

وَ عَنِ النَّبِيِّ ع قَالَ: أَكْرَمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا أَدَبَهُمْ يُغْفَرُ لَكُمْ...

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به فرزندان خود احترام بگذارید و آنها را نیکو ادب کنید. شما را خدا مورد غفران قرار دهد.

مکارم الأخلاق، ص ۲۲۲ / عوالي اللئالی، ج ۱، ص ۲۵۴
وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۴۷۶ / مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۶۸

رسول الله صلی الله علیه و آله: أَكْرَمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا أَدَبَهُمْ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به فرزندان خود احترام بگذارید و آنها را نیکو تربیت کنید.

عوالي اللئالی، ج ۱، ص ۲۵۴ / جامع أحاديث الشیعة، ج ۲۶، ص ۸۵۰

قال امیرالمومنین ع: **حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ وَ يُحَسِّنَ أَدَبَهُ وَ يَعْلِمَهُ الْقُرْآنَ.**

امیرالمومنین (علیه السلام): حق فرزند بر پدر آن است که نام نیکو بر او بگذارد و خوب به او ادب آموزد و به او قرآن تعلیم دهد.

نهج البلاغة (للصّحبي صالح)، ص ۵۴۶ (حکمت ۳۹۹)

۳۶. **ارجاع پژوهشی:** عن رسول الله صلی الله علیه و آله: ما نَحَلَ وَالِدٌ وَلَدَهُ أَفْضَلَ مِنْ أَدَبٍ حَسَنِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ پدری به فرزند خود چیزی بهتر از ادب نیکو نبخشید.

مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۶۵ (نقلاً من درر اللآلی، ج ۱، ص ۴۵۷)
جامع أحاديث الشیعة (للبروجردي)، ج ۲۶، ص ۸۵۰ / نهج الفصاحة، ص ۶۸۹

عنه صلی الله علیه و آله: ما وَرَّثَ وَالِدٌ وَلَدَهُ أَفْضَلَ مِنْ أَدَبٍ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): هیچ پدری با ارزش تر از ادب برای فرزند خود به جای نگذاشت.

کنز العمال، ح ۴۵۴۳۵

۳.۲.۴ خانواده و رفع فقر؛ چهارمین بحث مرتبط با خانواده در آیات و روایات

بخش چهارم: "خانواده" و "رفع فقر" است. در روایت آمده است که: به فرزندان خود کمک به فقرا را بیاموزید.^{۳۷} آیه قرآن می‌فرماید: «فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ لِّلْسَائِلِ وَالْمَخْرُومِ»^{۳۸} یعنی: این (کمک به فقراء) از صفات مؤمنین است. در اموال ایشان حقی مشخص برای سائل و محروم است. فرض بفرمایید از ۲۵ میلیون خانواده ایرانی فقط یک‌دهم یعنی ۲.۵ میلیون خانواده این کار را انجام دهند؛ [در اینصورت] پدیده مبارک "امداد محله‌ای و غیرمتمرکز" به وجود خواهد آمد. الان به کمک کمیته امداد و سازمان بهزیستی، "امداد متمرکز" داریم. اصل امداد باید در جامعه وجود داشته باشد؛ ولی عرض بنده این است اگر درک از خانواده ارتقاء پیدا کند، شما با پدیده "امداد غیرمتمرکز" روبرو خواهید شد که کارآمدی آن خیلی بیشتر از "امداد متمرکز" است. بنده از کارکردهای اجتماعی و حاکمیتی خانواده بحث می‌کنم.

حالا به این مسئله "کارکرد قضایی خانواده" را هم اضافه کنید. آیه قرآن می‌فرماید: «اگر اختلافی ایجاد شد به حکمی از خانواده مرد و حکمی از خانواده زن مراجعه کنید.» نمی‌گویید: به دادگاه خانواده مراجعه کنید!^{۳۹}

۳۷. **ارجاع پژوهشی:** محمد بن یعقوب، عن عدّة من أصحابنا، عن أحمد بن أبي عبد الله، عن محمد بن علي، عن محمد بن يزيد قال: أخبرنا أبا الحسن الرضا عليه السلام أنّي أصبت يابنين وبقي لي بني صغير، فقال: تصدّق عنه، ثم قال حين حضر قيامي: **مر الصبي فليتصدق بيده بالكسرة والقبضة والشيء وإن قلّ**، فإن كلّ شيء يراى به الله وإن قلّ بعد أن تصدق النية فيه عظيم، إن الله عزّ وجلّ يقول: «مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» وقال: «فَلَا افْتَحِمِ الْعُقْبَةَ * وَمَا أَذْرَاكَ مَا الْعُقْبَةُ * فَكُ رَقَبَةً * أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ * تَبِيصًا ذَا مَقْرَبَةٍ * أَوْ مَسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ» علم الله أنّ كل أحد لا يقدر على فك رقبة فجعل إطعام اليتيم والمسكين مثل ذلك، تصدّق عنه.

عمر بن یزید گوید: خدمت امام رضا علیه السلام عرض کردم: من دو فرزند داشتم که اکنون يك فرزند کوچکی برای من مانده است. امام علیه السلام فرمود: از طرف او صدقه بده. هنگامی که می‌خواستم از خدمت امام مرخص شوم، امام علیه السلام فرمود: **به بچه دستور بده که به دست خود تکه نانی یا يك مشت (گندم و...) صدقه بدهد، اگرچه صدقه اندک باشد، زیرا که هرچه که هدف از آن، خدا باشد، اگرچه کم باشد، بزرگ است، زیرا که خداوند می‌فرماید:** «هرکه به اندازه ذره کار خیر انجام دهد خیر آن را می‌بیند. و هرکه به اندازه ذره کار شر انجام دهد، آن را می‌بیند.» و خداوند می‌فرماید: «پس او از آن گردنه مهم نگذشت، و تو چه می‌دانی آن گردنه چیست؟ آزاد کردن برده‌ای، یا غذا دادن در روز گرسنگی به یتیمی از خویشاوندان، یا مستمند خاک نشینی.» خداوند متعال می‌دانست که همه مردم قدرت آزاد کردن برده را ندارند. پس غذا دادن یتیم و مستمند را جای آن قرار داده است از عوض او صدقه بده.

کافی، ج ۴، ص ۴

وافی، ج ۱۰، ص ۳۹۲ / وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۲۷۶

۳۸. **ارجاع پژوهشی:** وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ * لِّلْسَائِلِ وَالْمَخْرُومِ (سوره مبارکه معارج، آیات ۲۴ و ۲۵) و آنان که در اموالشان حقی معلوم است * برای درخواست کننده [تهیدست] و محروم [از معیشت و ثروت]،

۳۹. **ارجاع پژوهشی:** وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (سوره مبارکه نساء، آیه ۳۵)

[شما ای حاکمان شرع و عقلا و بزرگان خانواده!] اگر از جدایی و ناسازگاری میان زن و شوهر بیم داشتید، پس **داوری از خانواده مرد، و داوری از خانواده زن [برای رفع اختلاف] برانگیزید** که اگر هر دو داور قصد اصلاح داشته باشند، خدا میان دو داور توافق و سازگاری ایجاد می‌کند [تا به صلاح زن و شوهر حکم کنند]؛ یقیناً خدا [به نیت و اعمال شما] دانا و آگاه است. (انصاریان)

۳.۲.۵ خانواده و اشتغال، تولید و تجارت و طبقه‌بندی مشاغل؛ پنجمین بحث مرتبط با خانواده

در آیات و روایات

بخش پنجم: خانواده و اشتغال و تجارت و تولید. در روایت وارد شده است که: شخصی در همان ایامی که تازه فرزندش متولد شده بود خدمت حضرت رسید و از حضرت پرسید فرزند خود را در چه شغلی قرار دهم؟ حضرت اولاً به او فرمایند: اسم فرزند خود را درست انتخاب کرده‌ای یا نه؟ بعد حضرت مجموعه مشاغل مکروه را بحث می‌کنند.

۳.۱.۵.۱ هدایت افراد به مشاغل صحیح کشاورزی، باغداری و دامداری و بازداشتن افراد از

مشاغل مکروه مثل صرافی، خواروبارفروشی و پزشکی؛ از جمله نتایج مدیریت مشاغل با خانواده

مثلاً فرزند خود را خواربارفروش یا صیروفی (صرافی) قرار نده و برخی مشاغل دیگر. امام صادق علیه السلام تأیید می‌کنند و می‌فرمایند: «در همان ابتدای زندگی فرزند خود به فکر شغل او باشید»؛^{۴۰} این از وظایف پدر است. یا در روایت دارد: «ترک تجارت عقل را ناقص می‌کند»؛^{۴۱} پس از حیث ارتقاء عقل هم باید به فکر شغل او

۴۰. **ارجاع پژوهشی:** مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ يَحْيَى الْخُرَاعِيِّ عَنْ أَبِيهِ يَحْيَى بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَخَبَّرْتُهُ أَنَّهُ وُلِدَ لِي غُلَامٌ فَقَالَ أَلَا سَمَّيْتَهُ مُحَمَّدًا قَالَ قُلْتُ قَدْ فَعَلْتُ قَالَ فَلَا تَضْرِبْ مُحَمَّدًا وَلَا تُسَبِّهُ جَعَلَهُ اللَّهُ فُرْقَةً عَيْنَ لَكَ فِي حَيَاتِكَ وَ خَلَفَ صِدْقٍ مِنْ بَعْدِكَ فَقُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ فِي أَيِّ الْأَعْمَالِ أَضَعُهُ قَالَ إِذَا عَدَلْتَهُ عَنْ خَمْسَةِ أَشْيَاءَ فَضَعُهُ حَيْثُ شِئْتَ لَا تُسَلِّمُهُ صَيْرَفِيًّا فَإِنَّ الصَّيْرَفِيَّ لَا يَسْلَمُ مِنَ الرِّبَا وَلَا تُسَلِّمُهُ بَيْعَ الْأَكْفَانِ فَإِنَّ صَاحِبَ الْأَكْفَانِ يَسْرُهُ الْوَبَاءُ إِذَا كَانَ وَلَا تُسَلِّمُهُ بَيْعَ الطَّعَامِ فَإِنَّهُ لَا يَسْلَمُ مِنَ الْإِحْتِكَارِ وَلَا تُسَلِّمُهُ جَزَارًا فَإِنَّ الْجَزَارَ تُسَلَّبُ مِنْهُ الرِّحْمَةُ وَلَا تُسَلِّمُهُ نَخَّاسًا فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ شَرُّ النَّاسِ مَنْ بَاعَ النَّاسَ .

اسحاق بن عمار گوید: به محضر امام صادق علیه السلام مشرف شدم و به آن حضرت عرض کردم که پسر دار شده‌ام. فرمود: آیا نامش را محمد نگذاشته‌ای؟ عرض کردم: همین کار را کرده‌ام. فرمود: پس محمد را مزن و او را دشنام مگوی، امیدوارم خداوند او را برای تو در زندگانی تو نور چشمانت قرار دهد و پس از مرگت نیز جانشین خوبی برایت گرداند.

گفتم: قربانت شوم! او را به چه کاری بگمارم. فرمود: اگر او را از پنج چیز بازگردانی، او را به هرکاری می‌خواهی بگمار، او را به دست صراف مسیار چون صراف از ربا در امان نمی‌ماند؛ به کفن فروش مسیار، چون کفن فروش از وبا (و بیماری و آگیردار) اگر در بین مردم شایع شود خوشش می‌آید؛ و او را به فروشنده مواد غذایی نیز مسیار، چون چنین شخصی از احتکار در امان نیست و او را به قصاب نیز مسیار؛ زیرا او رحم را از دل او می‌برد، و او به دست برده فروش نیز مسیار، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود: «بدترین مردم کسی است که مردم را بفروشد».

کافی، ج ۵، ص ۱۱۴ / علل الشرائع، ج ۲، ص ۵۳۰ / تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۳۶۱ / الإستهصار فیما اختلف من الأخبار، ج ۳، ص ۶۲

بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۷۷ / جامع أحادیث الشيعة (للبروجردي)، ج ۲۲، ص ۷۲۲

۴۱. **ارجاع پژوهشی:** عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: «تَرَكَ التَّجَارَةَ يَنْقُضُ الْعُقْلَ.»

امام صادق (علیه السلام): «ترک کردن تجارت، عقل را کم می‌کند.»

الکافی، ج ۵، ص ۱۴۸ / تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۲

وسائل الشيعة، ج ۱۷، ص ۱۳

قَالَ الصَّادِقُ ع: «تَرَكَ التَّجَارَةَ مَذْهَبَةٌ لِلْعُقْلِ.»

باشید. بنده متأسفم که در ذهنیت مدرن جامعه امروز عمده مشاغل به سمت مهندسی و پزشکی و امثال اینها

امام صادق (علیه السلام): «ترک کردن تجارت، از بین برنده‌ی عقل است.»

من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۹۲ / وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۷

أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي الْجَهْمِ عَنْ فَضِيلِ الْأَعْوَرِ قَالَ: شَهِدْتُ مُعَاذَ بْنَ كَثِيرٍ وَ قَالَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع: «إِنِّي قَدْ أَيَسَّرْتُ فَادْعُ التَّجَارَةَ فَقَالَ إِنَّكَ إِن فَعَلْتَ قَلَّ عَقْلُكَ أَوْ نَحْوَهُ.»

معاذ بن کثیر به امام صادق علیه السلام عرض کرد: من توانگر شده‌ام؛ آیا تجارت را رها کنم؟ امام علیه السلام فرمود: «اگر چنین کنی، عقلت کاهش می‌یابد.» یا سخنی شبیه به این فرمود.

الکافی، ج ۵، ص ۱۴۸ / تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۲

(سند تهذیب: أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي الْجَهْمِ عَنْ فَضِيلِ الْأَعْوَرِ قَالَ شَهِدْتُ مُعَاذَ بْنَ كَثِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ)

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي الْفَرَجِ الْقُمِيِّ عَنْ مُعَاذِ بْنِ بِيَّاعِ الْأَكْسَبِيِّ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع يَا مُعَاذُ أ صَعَفْتُ عَنِ التَّجَارَةِ أَوْ زَهَدْتُ فِيهَا قُلْتُ مَا صَعَفْتُ عَنْهَا وَ مَا زَهَدْتُ فِيهَا قَالَ فَمَا لَكَ قُلْتُ كُنَّا نَتَنظَرُ أَمْرًا وَ ذَلِكَ حِينَ قُتِلَ الْوَلِيدُ وَ عِنْدِي مَالٌ كَثِيرٌ وَ هُوَ فِي يَدِي وَ لَيْسَ لِأَحَدٍ عَلَيَّ شَيْءٌ وَ لَا أَرَانِي أَكَلُهُ حَتَّى أَمُوتَ فَقَالَ تَتْرُكُهَا فَإِنَّ تَرَكَهَا مَذْهَبَةٌ لِلْعَقْلِ أَسْعَ عَلَى عِيَالِكَ وَ إِنِّي أُنْ يَكُونُ هُمْ السُّعَاةَ عَلَيْكَ.

معاذ لباس فروش می‌گوید: «امام صادق علیه السلام به من فرمود: ای معاذ! در تجارت سست شدی بلکه از آن کناره گرفته‌ای! معاذ گفت: در تجارت سست نشده‌ام و از آن کناره‌گیری نکرده‌ام. امام علیه السلام فرمود: پس تو را چه شده است؟ گفتم: منتظر قیام شما هستم [یا منتظر دستور مجدد شما برای تجارت هستم] - این ماجرا مربوط به زمان کشته شدن ولید بن عبدالمطلب بود - و من مال بسیاری دارم که در اختیارم هست و به احدی بدهکار نیستم و گمان نمی‌کنم که تا پایان عمرم نیز تمام شود.» امام علیه السلام فرمود: تجارت را رها نکن؛ زیرا ترک آن عقل را از بین می‌برد. برای خانواده‌ات تلاش کن و بپرهیز از این که آنان برای تو کار و تلاش کنند.

الکافی، ج ۵، ص ۱۴۸ / تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۲

(سند تهذیب: أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي الْفَرَجِ عَنْ مُعَاذِ بْنِ بِيَّاعِ الْأَكْسَبِيِّ قَالَ) [كُنْتُ أَتَنظَرُ أَمْرًا بَدَلَ كُنَّا نَتَنظَرُ أَمْرًا]

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ عَنْ حُدَيْفَةَ بْنِ مَنْصُورٍ عَنْ مُعَاذِ بْنِ كَثِيرٍ بِيَّاعِ الْأَكْسَبِيِّ قَالَ: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع إِنِّي قَدْ هَمَمْتُ أَنْ أَدْعَ السُّوقَ وَ فِي يَدِي شَيْءٌ قَالَ إِذَا يَسْقَطُ رَأْيُكَ وَ لَا يُسْتَعَانَ بِكَ عَلَى شَيْءٍ.»

معاذ بن کثیر لباس فروش به امام صادق علیه السلام عرض کرد: «اموالی در اختیار دارم و تصمیم گرفته‌ام بازار را رها کنم. امام علیه السلام فرمود: در این صورت نظرت از ارزش و اعتبار ساقط می‌شود و در هیچ موردی از تو درخواست کمک نمی‌شود.»

الکافی، ج ۵، ص ۱۴۹ / تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۳

(سند تهذیب: أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ عَنْ حُدَيْفَةَ بْنِ مَنْصُورٍ عَنْ مُعَاذِ بْنِ كَثِيرٍ بِيَّاعِ الْأَكْسَبِيِّ)

تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۳۲۹

(سند ۲: مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ سِنَانَ عَنْ حُدَيْفَةَ بْنِ مَنْصُورٍ عَنْ مُعَاذِ بْنِ كَثِيرٍ صَاحِبِ الْأَكْسَبِيِّ)

عَنْهُ (ای: أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى) عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَسْبَاطِ بْنِ سَالِمِ بْنِ الرَّطْبِيِّ قَالَ: «سَأَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع يَوْمًا وَ أَنَا عِنْدَهُ عَنْ مُعَاذِ بْنِ بِيَّاعِ الْكُرَابِيِّسِ فَقِيلَ تَرَكَ التَّجَارَةَ فَقَالَ عَمَلُ الشَّيْطَانِ عَمَلُ الشَّيْطَانِ مَنْ تَرَكَ التَّجَارَةَ ذَهَبَ ثُلُثًا عَقْلُهُ أَمَا عَلِمَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَدِمْتُ عَيْرٌ مِنَ الشَّامِ فَأَشْتَرَى مِنْهَا وَ اتَّجَرَ فَرَبِحَ فِيهَا مَا فَضَى دَيْئُهُ.»

اسباط بن سالم می‌گوید: روزی نزد امام صادق (علیه السلام) بودم که ایشان در مورد معاذ لباس فروش سوال کردند. به ایشان عرض شد که: معاذ تجارت را ترک کرده است. پس حضرت فرمود: این کار او کار شیطان است! کار شیطان! هر کس تجارت را ترک کند دو سوم عقلش از بین می‌رود! آیا معاذ نمی‌دانست که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نزد کاروانی از شام رفتند و از آن چیزی خریدند و با آن تجارت کردند و سودی بردند که با آن سود بدهی خود را پرداخت نمودند.

تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۴ عوالمی اللثالی، ج ۳، ص ۱۹۴ (با اندکی تفاوت) / وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۷

رفته است؛ یعنی نسل دیروز و امروز ما درک صحیحی از شغل ندارند. ان شاء الله که نسل آینده به درک درستی برسد. باید به حال این موضوع فکری کرد. در روایت دارد کشاورزی، دامداری و باغداری شغل برتر است.^{٤٢}

٤٢. **ارجاع پژوهشی:** عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: «سُئِلَ النَّبِيُّ ص: أَيُّ الْمَالِ خَيْرٌ؟ قَالَ: الرِّزْقُ زَرَعَهُ صَاحِبُهُ وَ أَصْلَحَهُ وَ أَدَى حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ. قَالَ: فَأَيُّ الْمَالِ بَعْدَ الرِّزْقِ خَيْرٌ؟ قَالَ: رَجُلٌ فِي عَنَمٍ لَهُ قَدْ تَبِعَ بِهَا مَوَاضِعَ الْقَطْرِ يُقِيمُ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتِي الزَّكَاةَ. قَالَ: فَأَيُّ الْمَالِ بَعْدَ الْعَنَمِ خَيْرٌ؟ قَالَ: الْبَقْرُ تَعْدُو بِخَيْرٍ وَ تَرَوْحُ بِخَيْرٍ. قَالَ: فَأَيُّ الْمَالِ بَعْدَ الْبَقْرِ خَيْرٌ؟ قَالَ: الرَّاسِيَاتُ فِي الْوَحْلِ وَ الْمُطْعَمَاتُ فِي الْمَحَلِّ نِعْمَ الشَّيْءُ التَّخْلُ مِنْ بَاعِهِ فَإِنَّمَا تَمْنُهُ بِمَنْزِلَةِ رَمَادٍ عَلَى رَأْسِ شَاهِقٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ إِلَّا أَنْ يُخْلَفَ مَكَانَهَا. قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! فَأَيُّ الْمَالِ بَعْدَ التَّخْلِ خَيْرٌ؟ قَالَ: فَسَكَتَ. قَالَ: فَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! فَأَيُّ الْإِبِلِ؟ قَالَ: فِيهِ الشَّقَاءُ وَ الْجَفَاءُ وَ الْعَنَاءُ وَ بَعْدُ الدَّارِ، تَعْدُو مُدْبِرَةً وَ تَرَوْحُ مُدْبِرَةً، لَا يَأْتِي خَيْرُهَا إِلَّا مِنْ جَانِبِهَا الْأَشْأَمِ. أَمَا إِنَّهَا لَا تَعْدُمُ الْأَشْقِيَاءَ الْفَجْرَةَ.»

«از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) سؤال شد: کدام مال بهتر است؟ فرمود: زراعتی که صاحبش آن را کشت نموده و پرورش داده و هنگام درو حق آن را پرداخته باشد. پرسیدند: ای رسول خدا! پس کدام مال بعد از زراعت کردن بهتر است؟ فرمود: مردی که گوسفند دارد و [برای سیراب کردنشان] در پی آنها راهی محلها و گودالهایی که در آنها آب باران جمع شده، می‌گردد و نماز می‌خواند و زکات می‌دهد. پرسیدند: ای رسول خدا! کدام مال پس از گوسفند بهتر است؟ فرمود: گاو، که بامداد به خوبی [شیر می‌دهد]، و شامگاه هم به خوبی [شیر می‌دهد]. پرسیدند: ای رسول خدا! پس از گاو، چه چیزی بهتر است؟ فرمود: آن درختهای بلندی که در گل و لای ریشه دارند، و خوراک روزهای قحط را فراهم می‌سازند. چه خوب چیزی است درخت خرما! هر کس آن را بفروشد بهایش چون خاکستر سر قلّه کوه است که در روز طوفانی، باد سختی بر آن بوزد و آن را پراکنده سازد، مگر آنکه به بهای آن، نخلستان دیگری بخرد. پرسیدند: ای رسول خدا! کدام مال پس از نخل بهتر است؟ حضرت سکوت کرد [و جوابی نداد]. مردی گفت: پس شتر چگونه [منزلی دارد]؟ فرمود: بدبختی و دل سختی و رنج، در شتر داری است؛ در بامداد و شامگاه از خانه دور می‌شود [و در بیابان بسر می‌برد]، خیری نمی‌دهد مگر از آن سویی که خطرناک است [راه دوشیدن و سوارشدنش از طرف چپ اوست]، ولی مردمان بدبخت نابکار، آن را از دست ندهند.»

مصادر اصلی:

الکافی، ج ٥، ص ٢٦١ / من لا یحضره الفقیه، ج ٢، ص ٢٩١ / الأمالی (للمصدق)، ص ٣٥٠

سند امالی: حَدَّثَنَا أَبِي رَضَوَانُ اللَّهُ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ التَّوْفَلِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي زَيْدٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ آبَائِهِ ع قَالَ: سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ

النَّخْلَ، ج ١، ص ٢٤٦

سند خصال: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَا جِيلَوِيَهُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ التَّوْفَلِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُسْلِمٍ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ آبَائِهِ ع قَالَ: سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ ص...

معاني الأخبار، ص ١٩٧

سند معانی الاخبار: حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ التَّوْفَلِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي زَيْدٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ آبَائِهِ ع قَالَ: سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ

الأربعون حديثاً (للمشهد الأول)، ص ٦٠

(سند الأربعون حديثاً: أَخْبَرَنِي الشَّيْخُ الْإِمَامُ فَخْرُ الدِّينِ أَبُو طَالِبٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْمُطَهَّرِ تَبَّانَا وَالدِّي وَ عَمِّي رَضِيَ الدِّينِ عَلِيُّ أَخْبَرَنَا وَالدُّنَا: أَنْبَأَنَا الْفَقِيهُ أَحْمَدُ بْنُ مَشْعُودٍ أَنْبَأَنَا الْفَقِيهُ مُحَمَّدُ بْنُ إِدْرِيسَ أَنْبَأَنَا عَرَبِيٌّ مِنْ مُسَافِرٍ، أَنْبَأَنَا إِيَّاسُ بْنُ هِشَامٍ: أَنْبَأَنَا أَبُو عَلِيٍّ الْحَسَنُ أَنْبَأَنَا وَالدِّي، أَخْبَرَنَا شَيْخُنَا الْمُفِيدُ: أَنْبَأَنَا أَبُو جَعْفَرِ بْنِ بَابُوِيَةَ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ التَّوْفَلِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي زَيْدِ السَّكُونِيِّ عَنْ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ، عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ

منابع دیگر:

وسائل الشیعة، ج ١١، ص ٥٣٧ [باب استیجاب اتّخاذ الرزق ثم العنم ثم البقر ثم التخل و اختیاری الجمیع علی الإبل و کلّ منها علی لاجحه]

الوافی، ج ١٧، ص ١٣١ / مستدرک الوسائل، ج ٨، ص ٢٧٥ / بحار الأنوار، ج ٦١، ص ١٢١ / ج ١٠٠، ص ٦٤ / جامع أحادیث الشیعة، ج ٢٣، ص ٩٥٦

عَنْهُمْ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ أَبِي يَقُولُ: خَيْرُ الْأَعْمَالِ الْحَزْمُ يَزْرَعُهُ فَيَأْكُلُ مِنْهُ الْبَيْرُ وَ الْفَاجِرُ فَمَا الْبَيْرُ فَمَا أَكَلُ مِنْ شَيْءٍ اسْتَعْفَرَ لَكَ وَ أَمَا الْفَاجِرُ فَمَا أَكَلُ مِنْهُ مِنْ شَيْءٍ لَعْنَهُ وَ يَأْكُلُ مِنْهُ الْبَهَائِمُ وَ الطَّيْرُ.

نمی‌شود از این شغل‌ها گذشت. مثلاً پرورش پرندگان خصوصاً مرغ و خروس^{۴۳} و کبوتر^{۴۴} از شغل‌های برتر است. و به داشتن این حیوانات توصیه شده است. لاقلاً باید همه ما به عنوان شغل دوم این کارها را انتخاب

امام باقر (علیه السلام): پدرم امام صادق (علیه السلام) همیشه می‌فرمود: **بهترین کارها کشاورزی است**؛ چیزی را می‌کاری و نیک و بد از آن می‌خورند. نیکوکار می‌خورد و برایت از خدا آموزش می‌طلبد و بدکار می‌خورد و آنچه خورده او را لعن و نفرین می‌کند و چرندگان و پرندگان نیز از آن بهره‌مند می‌شوند.

کافی، ج ۵، ص ۲۶۰

الوافی، ج ۱۷، ص ۱۳۰ / الفصول المهمة، ج ۲، ص ۲۸۸

۴۳. **ارجاع پژوهشی:** حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ حَمَّوَيْهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى الْيَقِينِيِّ قَالَ قَالَ الرَّضَاعُ فِي الدِّيكِ الْأَبْيَضِ حُمْسُ خِصَالٍ مِنْ خِصَالِ الْأَنْبِيَاءِ عَ مَعْرِفَتِهِ بِأَوْقَاتِ الصَّلَاةِ وَالْغَيْرَةِ وَالسَّخَاءِ وَالسَّجَاعَةِ وَكَثْرَةِ الطَّرِيقَةِ.

محمد بن عیسی یقینبی از امام رضا (ع) نقل می‌کند که فرمود: در خروس سفید پنج خصلت از خصلت‌های پیامبران است: آگاهی او از اوقات نماز و غیرت و سخاوت و شجاعت و بسیار جماع کردن.

الخصال، ج ۱، ص ۲۹۸ / عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۷۷

وسائل الشيعة، ج ۴، ص ۱۱۳ / مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۹۷

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص دِيكَ أَبْيَضٌ أَفْرُقُ يَحْرُسُ دُورَةَ أَهْلِهِ وَ سَبْعَ دُورَاتٍ حَوْلَهُ.

امام محمد باقر علیه السلام از رسول خدا فرماید خروس سفید تاج دار از اهل خانه ای که در آن است محافظت می‌کند و هفت خانه ای که حول اوست نیز محافظت می‌کند.

کافی، ج ۶، ص ۵۴۹

الوافی، ج ۲۰، ص ۸۶۱ / وسائل الشيعة، ج ۱۱، ص ۵۲۵ / بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۴

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ: دُكِرَ عِنْدَ أَبِي الْحَسَنِ ع حُسْنُ الطَّوْسِ فَقَالَ لَا يَزِيدُكَ عَلَى حُسْنِ الدِّيكِ الْأَبْيَضِ شَيْءٌ قَالَ وَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ الدِّيكُ أَحْسَنُ صَوْتًا مِنَ الطَّوْسِ وَ هُوَ أَعْظَمُ بَرَكَةً يَبْبَهُكَ فِي مَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ وَ إِنَّمَا يَدْعُو الطَّوْسُ بِالْوَيْلِ لِخَطِيئَةِ النَّبِيِّ ابْتِلَى بِهَا.

نزد امام رضا علیه السلام از حسن و خوبی طاووس گفته شد. حضرت فرمودند چیزی از حسن و خوبی خروس سفید اضافه بر تو نمی‌شود. حضرت ادامه دادند و فرمودند خروس صدای بهتری دارد و برکتش از طاووس بیشتر است در زمان‌های نماز تو را خبر می‌کند و همانا طاووس به خاطر خطایی که به آن مبتلی شد به ناراحتی و ویل دعوت می‌کند.

کافی، ج ۶، ص ۵۵۰

بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۴۱ / الوافی، ج ۲۰، ص ۸۶۲ / وسائل الشيعة، ج ۱۱، ص ۵۲۶ / هداية الأمة، ج ۵، ص ۱۲۹

۴۴. **ارجاع پژوهشی:** مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحَكَمِ وَ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ قَالَ: الْحَمَامُ مِنْ طُيُورِ الْأَنْبِيَاءِ

ع.

امام صادق (علیه السلام): کبوتر از پرندگان محبوب انبیاء است.

کافی، ج ۶، ص ۵۴۶

الوافی، ج ۲۰، ص ۸۵۳ / وسائل الشيعة، ج ۱۱، ص ۵۱۴

كَامِلُ الرِّيَازَةِ، عَنْ أَبِيهِ وَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: اتَّخِذُوا الْحَمَامَ الرَّاعِيَّةَ فِي بُيُوتِكُمْ فَإِنَّهَا تَلْعَنُ قَتْلَةَ الْحُسَيْنِ ع.

کنیم تا در ذهن‌ها اهمیت مشاغل برتر شکل بگیرد. در آینده جمعیتی را تصور کنید که وقتی از آن‌ها می‌پرسید می‌خواهید چه کاره شوید با افتخار و صلابت بگویند که می‌خواهیم کشاورز بشویم. طبق آمار در حال حاضر ۶۰ درصد از غذای مردم ایران از خارج وارد می‌شود.^{۴۵} علت این مسئله چیست؟ علت آن است که مردم شغل

امام صادق (علیه السلام): کبوتر راعبی در خانه هاتان نگهدارید که بر کشنده‌های حسین علیه السلام لعنت میکند،

کافی، ج ۶، ص ۵۴۸ / کامل الزیارات، ص ۹۸

وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۵۱۹ / مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۲۸۴

إِشَادُ الْمُفِيدِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ كَرَامَةَ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ: كَانَتْ لِابْنِ ابْنَتِي حَمَامَاتٍ فَذَبَحْتُهُنَّ غَضَبًا ثُمَّ خَرَجْتُ إِلَى مَكَّةَ فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ الْبَاقِرِ عَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ فَلَمَّا طَلَعَتْ رَأَيْتُ فِيهَا حَمَامًا كَثِيرًا قَالَ قُلْتُ أَشَأْلُهُ مَسَائِلَ وَ أَكْتُبُ مَا يُحِبُّنِي عَنْهَا وَ قَلْبِي مُتَفَكِّرٌ فِيهَا صَنَعْتُ بِالْكَوْفَةِ وَ ذَبِحِي لِنَتْلِكَ الْحَمَامَاتِ مِنْ غَيْرِ مَعْنَى وَ قُلْتُ فِي نَفْسِي لَوْ لَمْ يَكُنْ فِي الْحَمَامِ خَيْرٌ لَمَا أَمْسَكْتُهُنَّ فَقَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ مَا لَكَ يَا بَا حَمْرَةَ قُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ خَيْرٌ قَالَ كَانَ قَلْبُكَ فِي مَكَانٍ آخَرَ قُلْتُ إِي وَ اللَّهِ وَ قَصَصْتُ عَلَيْهِ الْقِصَّةَ وَ حَدَّثْتُهُ بِأَيِّ ذَبَحْتُهُنَّ فَالَانَ أَنَا أَعْجَبُ بِكَرَّةٍ مَا عِنْدَكَ مِنْهَا قَالَ فَقَالَ الْبَاقِرُ بِئْسَ مَا صَنَعْتَ يَا أَبَا حَمْرَةَ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّهُ إِذَا كَانَ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ عَبَا [عَبَتْ] بِصِيبَاتِنَا نَدْفَعُ عَنْهُمْ الضَّرَرَ بِانْتِفَاضِ الْحَمَامِ وَ أَنَّهُمْ يُؤْذِنُ بِالصَّلَاةِ فِي آخِرِ اللَّيْلِ فَتَصَدَّقْ عَنْ كُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ دِينَارًا فَإِنَّكَ قَتَلْتَهُنَّ غَضَبًا .

ابی حمزه ثمالی نقل می‌کند که پسر دخترم کبوتر داشت. همه ی آن کبوتران را از روی غضب سر بریدم سپس به سمت مکه رفتم و قبل از طلوع خورشید به امام محمد باقر علیه السلام وارد شدم. بعد از اینکه خورشید طلوع کرد کبوتران زیادی را در خانه ی امام دیدم. سوال هایم را پرسیدم و حضرت به آنها پاسخ داد. قلبم هنوز به آنچه که در کوفه انجام داده بودم مشغول بود. با خودم گفتم اگر در کبوتر خیری نیست پس چرا امام باقر علیه السلام این کبوتران را نگه داشته اند. در همین حین امام محمد باقر علیه السلام و صلوات به من فرمودند تو را چه شده است؟! به ایشان عرضه داشتم ای پسر رسول خدا خیر است. فرمود قلبت در جایی دیگر است. گفتم بله به خدا قسم قلبم در جایی دیگر است و قصه ی آنچه شده بود را بازگو کردم و گفتم و الان از کبوتران زیاد شما در عجبم. حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمودند چه کار بدی کردی! ای ابا حمزه. آیا نمی دانی زمانی که از اهل زمین (شاید منظور جنیان باشند) کودکان ما را به بازی می‌گیرند با بال زدن کبوتر ضرر از ایشان دفع می‌شود و کبوتران در اخر شب اذان به صلوات می‌دهند. از هر یک کبوترانی که ذبح کردی یک دینار صدقه بده چرا که هر کدامشان را به غضب کشتی.

طب الأئمة عليهم السلام (ابن بسطام)، ص ۱۱۲

وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۵۲۱ / مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۲۸۳ / جامع أحاديث الشیعة (للبروجردی)، ج ۲۲، ص ۷۲۲

۴۵. **ارجاع پردازشی: ۶۰ درصد غذای مردم ایران وارداتی است!** ابراهیم رزاقی اقتصاددان با هشدار به آسیب‌پذیری غذایی مردم ایران از واردات

معتقد است که برنامه‌های توسعه با مدل غربی بدتر از حمله مغول بر سر روستاهای ایران آورده است! به گزارش تسنیم، ابراهیم رزاقی، استاد اقتصاد ایران گفت: **الآن هم ۶۰ درصد از مواد غذایی ایران وارداتی است.** اگر آمریکا سیاستی را اتخاذ کند، که به ما مواد غذایی نرسد چه اتفاقی می

افتد؟! معلوم است که چه اتفاقی می‌افتد. نمی‌توانیم تحمل کنیم.

اگر ذخایر ما تمام شود، و آمریکاییها هم نگذارند که مواد غذایی - مثل گندم و جو و تمام محصولات که دامداریها و مرغداریهای ما مصرف می‌کنند - وارد شود؛ آن وقت چه اتفاقی می‌افتد؟ روستاییهای ما هم آمادگی این را ندارند که اگر قیمت گندم بالا رفت، یا قحطی شد، به سرعت تولید کنند؛ کافی است یک سال بگذرد. وی افزود: از طرفی هم با این روحیه ای که یک سری از هموطنان ما دارند؛ که وقتی قحطی می‌شود، می‌خرند و انبار می‌کنند؛ نتیجه اش چه می‌شود؟ چند میلیون از فقر و گرسنگی می‌میرند؟ دولت چطوری می‌خواهد مقاومت کند؟ مردم که گرسنه باشند چطور می‌خواهد استقلال را حفظ کند؟ همانطور که در زمان کودتای رضاشاه هم دیدیم که انگلیسیها کودتا کردند؛ ولی در اثر اینکه همه ماتم زده بودند و ۵۰ درصد مردم تهران از گرسنگی مرده بودند، هیچ کسی صدایش در نیامد. سرمایه داری ذاتش این است. ما در توسعه مد نظر غرب، نابرابری می‌بینیم؛ حتی در کشور خودشان و در میان ملت خودشان.

منبع: خبرگزاری تسنیم: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1394/11/11/985056>

کارآفرین ناب: <http://www.karafarinanab.ir/news/3720-60-8>

برتر را شغل کشاورزی و دامداری و باغداری نمی‌دانند؛ یعنی حداقل ضرر و عوارض نپرداختن به شغل‌های برتر چالش‌های غذایی برای مردم است و عوارض دیگری هم وجود دارد که همه‌اش به علت پذیرش طبقه‌بندی غلط مشاغل است.

البته از عجایب دوران مدرنیته است با اینکه همه امکانات در اختیار مدرنیته است و بچه‌های ما بهترین شغل‌ها را شغل پزشکی می‌دانند، جامعه ما نسبت به گذشته بیمارتر است! وقتی انسان جامعه را از حیث نوع بیماری‌ها نگاه می‌کند می‌بیند که بیماری‌های به وجود آمده است که قبلاً اصلاً وجود نداشته است. بیماری‌های قلب و عروق، گوارش، کلیه و غیره به شکل عجیبی گسترش پیدا کرده است. نظام پزشکی ما جداً نیاز به یک بازسازی دارد. مشاغل مطلوب در ذهن افراد شکل نگرفته است. مهندس‌های ما آپارتمان می‌سازند و نمی‌توانند یک ساختمان مطلوب در اختیار مردم قرار دهند.

۳.۱.۵.۱.۱ ناکارآمدی مشاغل موجود در حوزه غذا و وابستگی به خارج از کشور در این

حوزه؛ دو علت برای ضرورت باز تعریف مشاغل برتر در کشور

لذا ما از دو حیث باید نظام مشاغل را باز تعریف کنیم: اولاً اینکه این مشاغل از خود ناکارآمدی نشان داده‌اند. ثانیاً اینکه ما در لحاظ مسائل استراتژیک به خارج از کشور وابسته می‌شویم. پس ببینید خانواده مطلوب طبقه‌بندی صحیحی از مشاغل را در ذهن فرزند خود جا می‌اندازد.

۳.۲.۶ خانواده و تفریح؛ ششمین بحث مرتبط با خانواده در روایات

بخش ششم: "خانواده" و "تفریح" و سرگرمی‌های حلال. چند روز پیش مصاحبه‌ی یکی از مسئولین قم را می‌خواندم ایشان فرموده بودند که - چقدر حرف عجیبی زده بودند - شهرداری‌ها موظف‌اند به تفریح مردم بپردازند؛ بنابراین ما دنبال ساخت مراکز تفریحی در قم هستیم. وقتی ما به این عبارت توجه می‌کنیم می‌بینیم دو قسمت دارد: یک قسمت آن است که خانواده‌ها نیاز به تفریح دارند که این حرف، صحیح است. در روایت‌ها وارد شده است که: «اگر کسی تفریح حلال نداشت، شغلش، ارتباطش با برادران دینی، عبادتش و بخش‌های دیگر به چالش کشیده خواهند شد.»^{۴۶} از نیازهای اصلی انسان همین "تفریح‌های حلال" است.

۴۶. ارجاع پژوهشی: حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ الْأَسْوَارِيِّ الْمَذْكُورُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو يُوسُفَ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسِ السَّجَرِيِّ الْمَذْكُورُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ عُمَرُ بْنُ حَفْصٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو مُحَمَّدٍ عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَسَدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ أَبُو عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ سَعِيدِ الْبَصْرِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي ابْنُ جَرِيحٍ عَنْ عَطَاءٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ عُمَيْرِ اللَّيْثِيِّ: عَنْ أَبِي ذَرٍّ رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ قَالَ: «دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص وَهُوَ جَالِسٌ فِي الْمَسْجِدِ وَحَدَهُ فَأَعْتَمَمْتُ حَلْوَتَهُ فَقَالَ لِي... : وَ عَلَى الْعَاقِلِ مَا لَمْ يَكُنْ مَغْلُوباً عَلَى عَقْلِهِ أَنْ يَكُونَ لَهُ سَاعَاتٌ: سَاعَةٌ يُتَاجَعُ فِيهَا رَبُّهُ عَزَّ وَ جَلَّ، وَ سَاعَةٌ يُحَاسِبُ نَفْسَهُ، وَ سَاعَةٌ يَتَفَكَّرُ فِيهَا صَنَعَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ، وَ سَاعَةٌ يَخْلُو فِيهَا بِحِطِّ نَفْسِهِ مِنَ الْحَلَالِ؛ فَإِنَّ هَذِهِ السَّاعَةَ عَوْنٌ لِنَيْلِكَ السَّاعَاتِ وَ اسْتِجْمَامٍ لِلْقُلُوبِ وَ تَوْزِيحٍ لَهَا.

باید تفریح تأمین شود و حرفی هم در آن نیست. اما قسمت دوم عبارت ایشان عجیب است: «ما تفریح را خارج از خانواده و خانه تأمین می‌کنیم و مراکز تفریحی می‌سازیم.» حال آنکه حرف صحیح آن است که بگوییم: «تا جایی که می‌توانیم سعی می‌کنیم تفریح را به درون خانواده ببریم» و اولین قدم برای تحقق این هدف نیز "تغییر الگوی ساخت ساختمان" است. همین قدر عرض کنم که اگر ما از ام‌الفساد آپارتمان عبور کنیم و بتوانیم "دار و اسعه" بسازیم حداقل ده نوع تفریح را می‌توانیم در خانه ایجاد کنیم. مثلاً یکی از تفریح‌ها "حیوانات خانگی" است. در روایت دارد: «اگر در خانه‌ای خروس، گربه و کبوتر نباشد برکت از آن خانه رخت

وَ عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ بَصِيرًا بِزَمَانِهِ مُقْبِلًا عَلَى شَأْنِهِ حَافِظًا لِلْسَانَةِ فَإِنَّ مِنْ حَسَبِ كَلَامِهِ مِنْ عَمَلِهِ قَلَّ كَلَامُهُ إِلَّا فِيمَا يَعْينُهُ وَ عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ طَالِبًا لِثَلَاثٍ مَرَمَةٍ لِمَعَاشٍ أَوْ تَزْوِجٍ لِمَعَادٍ أَوْ تَلَذُّذٍ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ ...»

«ابودر (رحمت‌الله علیه) [در حدیثی طولانی] نقل می‌کند: به محضر پیامبر (صلی الله علیه و آله) رسیدم در حالیکه تنها در مسجد نشسته بودند پس من تنهایی ایشان را غنیمت شمردم. ایشان به من فرمودند: ... و بر شخص عاقل لازم است برای این که مغلوب امور دنیا نشود، ساعاتی را برای خودش تعیین کند. ساعاتی که در آن با خداوند مناجات نماید، ساعاتی که در آن نفس خود را حفظ کند، حتی از حلالها. زیرا این ساعتها برای آن ساعت‌های اولی کمک هستند. و برای آرامش دادن به دلها و فارغ ساختن آنها از دغدغه‌های دنیا مؤثر می‌باشد.

باز هم بر شخص عاقل لازم است که به وضع زمان خود آگاه باشد، شان و مقام خود را بالا ببرد و زبان خویش را حفظ کند. زیرا عمل او بر حسب کلامش قضاوت می‌شود. پس باید جز در مواقع ضرورت زیاد حرف نزند. عاقل باید به سه چیز توجه زیاد بکند: یکی، برای بهبود بخشیدن به معاش و زندگی خود و دیگری توشه برداشتن برای آخرت و سومی، لذت بردن از نعمتهای غیر حرام دنیا ...»

الخصال، ج ۲، ص ۵۲۳ تا ۵۲۶ / معانی الأخبار، ص ۳۳۳

الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیه، ص ۴۹ / بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۷۲

أَبُو حَرْبٍ بْنُ أَبِي الْأَسْوَدِ الدُّؤَلِيِّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: قَدِمْتُ الرَّبْدَةَ فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِي ذَرٍّ جُنْدَبِ بْنِ جُنَادَةَ فَحَدَّثَنِي أَبُو ذَرٍّ فَقَالَ دَخَلْتُ ذَاتَ يَوْمٍ فِي صَدْرِ نَهَارِهِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فِي مَسْجِدِهِ فَلَمْ أَرْ فِي الْمَسْجِدِ أَحَدًا مِنَ النَّاسِ إِلَّا رَسُولَ اللَّهِ ص وَ عَلِيَّ ع إِلَى جَانِبِهِ جَالِسٌ فَأَعْتَمْتُ حَلْوَةَ الْمَسْجِدِ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ يَا أَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي أَوْصِيَنِي بِوَصِيَّةٍ يَنْفَعُنِي اللَّهُ بِهَا فَقَالَ نَعَمْ وَ أَكْرَمُ بِكَ يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّكَ مِنَّا أَهْلُ الْبَيْتِ وَ إِنِّي مُوصِيكَ بِوَصِيَّةٍ فَاحْفَظْهَا فَإِنَّهَا جَامِعَةٌ لِطُرُقِ الْخَيْرِ وَ سُبُلِهِ فَإِنَّكَ إِنْ تَحَفَظْتَهَا كَانَ لَكَ بِهَا كِفْلٌ يَا أَبَا ذَرٍّ... وَ كَانَ فِيهَا عَلَى الْعَاقِلِ مَا لَمْ يَكُنْ مَغْلُوبًا عَلَى عَقْلِهِ أَنْ يَكُونَ لَهُ سَاعَاتٌ سَاعَةٌ يَبْتَاعِي فِيهَا رَبَّهُ وَ سَاعَةٌ يَصْرِفُهَا فِي صُنْعِ اللَّهِ تَعَالَى وَ سَاعَةٌ يُحَاسِبُ فِيهَا نَفْسَهُ فِيمَا قَدَّمَ وَ أَخَّرَ وَ سَاعَةٌ يَخْلُو فِيهَا لِحَاجَتِهِ مِنَ الْحَلَالِ فِي الْمَطْعَمِ وَ الْمَشْرَبِ فَإِنَّ هَذِهِ السَّاعَةَ عَوْنٌ لِيَتَلَكَّ السَّاعَاتِ وَ اسْتِجْمَامٌ لِلْقُلُوبِ وَ تَوْدِيعٌ لَهَا وَ عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ طَالِبًا لِثَلَاثٍ تَزْوِجٍ لِمَعَادٍ أَوْ مَرَمَةٍ لِمَعَاشٍ أَوْ لَذَّةٍ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ وَ عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ بَصِيرًا بِزَمَانِهِ مُقْبِلًا عَلَى شَأْنِهِ ...»

مکارم الأخلاق (طبرسی)، ص ۴۷۲ و مجموعه ورام، ج ۲، ص ۵۱ تا ۶۹

فقه الرضا (علیه السلام): «... اجتهدوا أَنْ يَكُونَ زَمَانُكُمْ أَوْبَعَ سَاعَاتٍ: سَاعَةٌ مِنْهُ لِمُنَاجَاتِهِ وَ سَاعَةٌ لِأَمْرِ الْمَعَاشِ وَ سَاعَةٌ لِمَعَاشَرَةِ الْإِخْوَانِ الثَّقَاتِ وَ الَّذِينَ يَعْرفُونَكُمْ غُيُوبَكُمْ وَ يَخْلُصُونَ لَكُمْ فِي الْبَاطِنِ وَ سَاعَةٌ تَعْلُونَ فِيهَا لِذَاتِكُمْ وَ يَهْدِيهِ السَّاعَةَ تَهْدِيُونَ عَلَى الثَّلَاثِ السَّاعَاتِ...»
امام رضا (علیه السلام): «... تلاش کنید زمانتان چهار بخش باشد: زمانی برای راز و نیاز با خداوند؛ زمانی برای تأمین معاش؛ و زمانی برای معاشرت با برادران مورد اعتماد، تا عیب‌هایتان را به شما بشناسانند و برای شما در امور پنهان، خیرخواهی کنند؛ و زمانی برای خوشی‌های حلال و با این زمان است که بر دیگر زمان‌ها توانمند می‌شوید...»

الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام، ص ۳۳۷ / تحف العقول، ص ۴۰۹ (نقلا عن الكاظم عليه السلام) با اندکی اختلاف.

بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۴۶ / مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۵۰ / جامع احادیث الشيعة، ج ۲۲، ص ۲۴۰

می‌بندد.))^{۴۷} خب؛ در آپارتمان چگونه می‌شود اینها را داشت؟ حالا برای این موضوع "باغ پرندگان" می‌سازیم. یکی از کارهایی که شهردار فعلی قم انجام داده‌اند، ساخت باغ پرندگان است که قبلاً هم این کار را در اصفهان انجام داده‌اند. بنده اتفاقاً از باغ پرندگان اصفهان بازدید کردم؛ ولی برایم این سؤال پیدا شد و به شهردار و شورای شهر اصفهان هم عرض کردم که: چرا شما به "پدیده تفریح در خانه" فکر نمی‌کنید؟! تفریح باید در دسترس باشد و بدون هزینه یا با هزینه بسیار کم [تفریح را برای خانواده‌ها فراهم کند]. این نوع تفریحی که شما می‌سازید، یک نوع صنعت است. مضافاً به اینکه - چون خارج از خانه است - ده‌ها عارضه مثل "کاهش حریم خصوصی" را به دنبال دارد. یکی از چالش‌های محیط‌های تفریحی عمومی کاهش فضای حریم شخصی افراد است. پس باید به تفریح و لذت‌های حلال هم فکر کرد که خودش یک سرفصل است. پس خانواده، مدیریت تفریح هم دارد. بنده این بحث را بیشتر از این ادامه نمی‌دهم، گرچه خانواده کارکردهای فراوان دیگری هم دارد.

۳.۳ فرزندآوری؛ ثمره ارتقاء درک افراد از مفهوم خانواده

پس [آن‌طور که گفته شد] خانواده، پایه‌گذار استعدادهای اولیه هر جامعه‌ای است. خانواده، زیرساخت‌های امنیتی برای سپاه اسلام تأمین می‌کند، خانواده کار آموزش و پرورش را آسان می‌کند و یک آموزش باکیفیت را

۴۷. ارجاع پژوهشی: قَالَ أَبُو الْحَسَنِ ع: «لَا يُتَّبَعِي أَنْ يَخْلُو بَيْتَ أَحَدِكُمْ مِنْ ثَلَاثَةٍ وَ هُنَّ عَمَارَةُ الْبَيْتِ: الْهَيْئَةُ وَالْحَمَامُ وَالذَّبْيُ: فَإِنْ كَانَ مَعَ الذَّبْيِ أَيْسَةً فَلَا بَأْسَ بِذَلِكَ لِمَنْ لَا يَقْدِرُهَا.»

امام کاظم (علیه السلام) فرمود: «نشاید که خانه هر یک از شماها از سه چیز تهی باشد که آنها آباد کن خانه باشند: گربه و کبوتر و خروس و اگر با خروس مرغی هم باشد چه بهتر و گرنه باکی نیست بر کسی که توانا بر آن نیست.» (ترجمه کمرهای)

مکارم الأخلاق، ص ۱۳۰ / بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۶۳

أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الصَّفْوَانِيُّ فِي كِتَابِ التَّغْرِيفِ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع أَنَّهُ قَالَ: «لَا تَخْلُو الْبَيْتَ مِنْ ثَلَاثَةٍ وَ هِيَ عِمَارَةُ الْبَيْتِ: الْهَيْئَةُ وَالْحَمَامُ وَالذَّبْيُ: وَإِنْ كَانَ مَعَ الذَّبْيِ أَيْسَةً فَلَا بَأْسَ إِلَّا أَنْ يُكْرَهَ قَدْرُهَا.»

امام کاظم (علیه السلام) فرمود: «خانه از سه چیز خالی نباشد که آنها آبادی خانه هستند: گربه و کبوتر و خروس. و اگر با خروس مرغی هم باشد اشکالی ندارد مگر آنکه از کثیفی آن کراهت داشته باشید.»

مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۲۸۴

رسول الله صلى الله عليه وآله: «الشَّاءُ فِي الدَّارِ بَرَكَةٌ، وَ الدَّجَاجُ فِي الدَّارِ بَرَكَةٌ.»

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: «گوسفند در خانه، برکت است. مرغ در خانه، برکت است.»

کنز العمال، ج ۱۲، ص ۳۲۶، حدیث ۳۵۲۳۸ (نقلاً عن الحاكم في تاريخه عن أنس)

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: «الشَّاءُ فِي الدَّارِ بَرَكَةٌ وَ السُّؤُورُ فِي الدَّارِ بَرَكَةٌ وَ الرَّحَى فِي الدَّارِ بَرَكَةٌ وَ الشَّاءُ بَرَكَةٌ وَ الشَّاتَانِ بَرَكَتَانِ وَ الثَّلَاثَةُ بَرَكَاتٌ كَثِيرَةٌ.»

پیامبر (صلى الله عليه وآله): «گوسفند در خانه برکت است، گربه در خانه برکت است، آسیاب در خانه برکت است، یک گوسفند در خانه یک برکت است، دو گوسفند دو برکت، و سه گوسفند برکات بسیار است.»

مکارم الأخلاق (طبرسی)، ص ۱۲۹

پایه‌گذاری می‌کند. خانواده امداد غیرمتمرکز دارد و برای رفع محرومیت برنامه‌ریزی دارد. خانواده مدیریت جدی برای "تفریح" دارد. اینها کارکردهای خانواده است.

حالا اگر درک افراد از "خانواده" اینگونه باشد، یک نوع "فرزندآوری" و "تربیت فرزند" اتفاق می‌افتد. اما اگر درک از "خانواده" اینطور نبود و (به اصطلاح جامعه‌شناسان) به "خانواده‌های هسته‌ای" معتقد بود. (خانواده هسته‌ای خانواده‌ای است که زن و شوهر کمترین ارتباط را با همدیگر دارند، هم مرد شاغل است و هم زن، فرزند هم در مهدکودک است. اینها فقط در شناسنامه [با یکدیگر] زن و شوهر و برای فرزندشان پدر و مادر محسوب می‌شوند و هیچکدام از این کارها [ی مرتبط با خانواده حداکثری] را انجام نمی‌دهند). خوب؛ معلوم است که وقتی شما پدیده اشتغال بانوان را به این شکل [فعلی] پذیرفتید، [دیگر نمی‌توان برای فرزندآوری و خانواده به این شکل برنامه‌ریزی کرد]. [بنده با اشتغال بانوان موافقم؛ ولی الگوی اشتغال [مناسب برای بانوان] را الگوی اشتغال خانگی می‌دانم. در این که زن درآمد کسب کند و به معاش خانواده کمک کند، هیچ بحث [و اشکالی] نیست؛ ولی این را نباید در بیرون از خانه تامین کرد. [بلکه] در "دوره گذار" باید دورکاری‌ها را تقویت کرد و در "الگوی مطلوب" هم باید مشاغل خانگی را بحث کرد [و گسترش داد]. که در ادامه به این بحث خواهیم رسید.)

۳.۳.۱ عدم تمایل به فرزندآوری، از بین رفتن مشاغل خانوادگی، عهده‌دار نشدن آموزش

فرزندان و...؛ برخی از ثمرات تنزل درک افراد از مفهوم خانواده

پس بین مسئله فرزندآوری و درک افراد از خانواده رابطه مستقیم وجود دارد؛ اگر درک افراد از "خانواده" حداقلی بود "فرزندآوری" هم حداقلی خواهد شد و "تربیت فرزند" هم تنزل پیدا خواهد کرد. اما اگر درک افراد از "خانواده" ارتقاء پیدا کرد، بر روی مسئله "جمعیت" هم تاثیر خواهد گذاشت. بنده به صورت خیلی روشن برای شما مثال بزنم: مثلاً یکی از عواملی که [بر مسئله جمعیت تاثیر می‌گذارد این است که مثلاً] اگر شما مشاغل خانگی را احیاء کنید، افراد به این نتیجه می‌رسند که هر چه فرزند بیشتری داشته باشند شغل خانوادگی آنها بیشتر تقویت خواهد شد و [فرزندآوری بیشتر] معقول‌تر به حساب می‌آید.

مثلاً اگر [پدر و مادر] تربیت و آموزش فرزندان خود را به متکفل شوند، به این نتیجه می‌رسند که تربیت چند فرزند بسیار آسان‌تر از تربیت یک فرزند است. وقتی خود بچه‌ها با هم بزرگ می‌شوند، راحت‌تر بر تربیت یکدیگر تاثیر می‌گذارند [و تربیت آنها آسان‌تر می‌شود]. منتها تمام این‌ها متوقف بر آن است که شما بپذیرید اینها وظیفه خانواده است. اما وقتی نپذیرید که وظیفه خانواده است، به صورت طبیعی جایگاه «فرزند کمتر زندگی بهتر» در ذهن‌ها تقویت می‌شود. باید روی این می‌باحث بحث جدی صورت بگیرد.

۳.۳.۲ ناتوانی در مدیریت تولید و توزیع مواد غذایی؛ یکی از عواقب مدیریت متمرکز توسط

دولت و عدم دخالت دادن خانواده‌ها در اداره حکومت (تنزل درک دولت از مفهوم خانواده)

مضاف بر این فواید مذکور فایده دیگری هم دارد [که عبارت است از این مطلب که: شما] تا کی می‌خواهید وظایف خانواده را به حکومت و حاکمیت واگذار کنید؟! مثلاً ببینید از عقب‌افتادگی حاکمیت و حکومت مدرن است که برای مدیریت تخم‌مرغ هم قرارگاه ملی تشکیل می‌دهد! همین که ما در دولت آقای روحانی^{۴۸} (و البته در دولت کنونی هم ادامه دارد!)^{۴۹} به تشکیل قرارگاه‌های ملی برای مدیریت مرغ و تخم‌مرغ روی آورده‌ایم، به‌خودی‌خود علامت و شاخص عقب‌افتادگی است. مرغ و تخم‌مرغ چه پیچیدگی‌ای دارند که برای آن قرارگاه ملی تشکیل می‌دهید؟! [کافی است] برای مدیریت این مسئله "خانه‌حیاطدار" درست کنید، [در اینصورت] خود مردم مرغ و تخم‌مرغ خود را تأمین خواهند کرد. اگر این اتفاق رقم بخورد دیگر مشکل دلال و مشکل تأمین نهاده‌های دامی ندارید.

بنده یک گزارشی را با تطبیق با شرایط قم برای آقای رئیس‌جمهور نوشتم که خلاصه‌اش این بود: همان‌طور که می‌دانید ما در شهر قم حدود ۱۲۸۷ واحد تأمین گوشت و لبنیات، و حدود ۶۰۰ واحد تأمین مرغ و تخم‌مرغ

۴۸. **ارجاع پردازشی:** کیهان: جهان‌نیوز با اشاره به سوءمدیریت اقتصادی دامنه‌دار دولت روحانی نوشت: دولتی که قرار بود عزت را به پاسپورت بازگرداند و چنان رونق اقتصادی ایجاد کند که مردم به یارانه ۴۵ هزار تومانی نیازی نداشته باشند، حالا طوری عمل کرده که برای ساماندهی قیمت گوشت مرغ «قرارگاه ساماندهی مرغ» تشکیل می‌دهد.

منبع: کیهان - ۱۵ فروردین ۱۴۰۰

<https://www.pishkhan.com/news/219224>

۴۹. **ارجاع پردازشی:** بنا به خواست رئیس‌جمهور و مصوبات ستاد تنظیم بازار قرارگاه مرغ کشور برای ساماندهی بازار آن تشکیل شد. ... به گزارش خبرنگار ایلنا؛ بنا به مصوبات ستاد تنظیم بازار که صبح دهم فروردین ماه به ریاست رئیس‌جمهور برگزار شد، مقرر شد کمیته‌ای تخصصی جهت ساماندهی بازار مرغ و تخم‌مرغ تشکیل شود. همچنین مصوب شد این کمیته با ریاست وزیر جهاد کشاورزی و با عضویت قائم مقام وزیر صنعت، معدن و تجارت در امور بازرگانی و دیگر مسئولان مربوطه تشکیل شود.

... محمدعلی کمالی‌سروستانی، مشاور عالی هیئت مدیره اتحادیه سراسری مرغ‌گوشی کشور، در گفت‌وگو با ایلنا درباره آنچه در این جلسه گذشت و جزئیات آن گفت: علاوه بر افزایش قیمت مصوب مرغ، ۴ تصمیم دیگر در قرارگاه مرغ گرفته شد که می‌تواند بر بازار مرغ تاثیر گذار زیادی داشته باشد. وی ادامه داد: قرارگاه مرغ در تصمیم دیگر میزان جوجه‌ریزی را به ۱۲۵ میلیون قطعه افزایش داد که ۱۵ میلیون قطعه بیش از جوجه‌ریزی معمول هر ماه است. کمالی‌سروستانی دیگر تصمیم این ستاد را افزایش دوره پرورش مرغ از ۴۵ روز به ۵۰ روز عنوان کرد. وی همچنین از افزایش سهمیه نهاده‌های دامی ذرت و کنجاله سویا دولتی با تصمیم قرارگاه مرغ خبر داد. به گفته کمالی‌سروستانی؛ علاوه بر افزایش سهمیه نهاده‌های دامی مصوب شد تأمین آن‌ها به موقع و با کمتر زمان انجام شود. وی آخرین تصمیم ستاد را تکلیف ۱۷ استان برای رفع ممنوعیت صادرات مرغ به استان تهران برشمرد و افزود: بر این اساس ۱۷ استان ملکف شدند ضمن رفع ممنوعیت خروج مرغ، نیاز پایتخت را تأمین کنند. کمالی‌سروستانی پیش‌بینی کرد: در صورت اجرای درست تصمیمات و رفع مشکلات توزیع به زودی شرایط بازار مرغ متعادل شود.

منبع: خبرگزاری ایلنا (خبرگزاری کار در ایران) - ۱۴ فروردین ۱۴۰۰ - کد خبر: ۱۰۵۷۵۴۵

<https://www.ilna.ir/fa/tiny-news-1057545>

داریم.^{۵۰} (بگذریم از این که سود این چهار کالای پر مصرف فقط به دو هزار خانواده و مجموعه می‌رسد) وقتی شما فقط دو هزار واحد برای تأمین داشته باشید برای مدیریت این چهار قلم جنس حتماً به مشکل برخورد خواهید خورد.

۳.۳.۲.۱ پایه‌گذاری عدالت در تولید و برداشتن بار اضافی از روی دوش دولت؛ دو نمونه از

فوائد دخالت‌دادن خانواده‌ها در حوزه تولید

اما وقتی خانواده‌ها وارد عرصه تولید بشوند حداقل دو فایده برای حاکمیت و حکومت خواهد داشت: فایده اول آن است که عدالت در تولید و در اقتصاد پایه‌گذاری خواهد شد؛ چرا که به جای ۲۰۰۰ واحد تولیدی، ۲۰۰۰ روستا وارد تولید این چهار قلم جنس شده‌اند. و از طرف دیگر فایده دوم آن است که بار این مسئله از دوش حاکمیت و حکومت برداشته خواهد شد. در حال حاضر ۳۰ درصد شهر قم دارای خانه‌های حیاط‌دار هستند. وقتی خانواده‌ها را به تولید گوشت و مرغ و تخم‌مرغ توصیه کنیم و از طرف دیگر به آنها توصیه کنیم برای تأمین غذای آنها از باقیمانده غذای خود استفاده کنند، حداقل یک‌سوم از نیاز شهر قم به این چهار قلم جنس مرتفع خواهد شد. فایده دوم آن است که وقتی شما خانواده‌ها را احیا کردید فقط سود احیای خانواده به خانواده نخواهد رسید؛ بلکه حاکمیت و جامعه هم از احیای خانواده بهره خواهد برد.

۳.۴ افزایش اختیارات خانواده در اداره جامعه و یا از بین بردن حاکمیت خانواده و تفویض

اختیارات آن به سیستم‌ها و سازمان‌ها توسط حکومت مرکزی؛ تفاوت اصلی الگوی پیشرفت

اسلامی با الگوی توسعه غربی در حوزه خانواده

اساساً الگوی پیشرفت اسلامی این را می‌گوید: حاکمیت مرکزی باید حاکمیت خانواده را احیاء کند. یک حکمرانی و حکومت خوب، یک حکومتی است که اختیارات خانواده در اداره جامعه را زیاد کند. این خلاصه حرف الگوی پیشرفت اسلامی در حوزه خانواده و جمعیت است.

۵۰. **ارجاع پردازشی:** استان قم چهارمین استان کشور از نظر تراکم مرغداری‌های فعال است؛ این استان رشد قابل توجهی در صنعت طیور دارد و به طور میانگین هشت درصد نیاز تخم مرغ و سه درصد نیاز مرغ گوشتی کشور را تأمین می‌کند. به طور میانگین در استان قم هرساله حدود ۷۰ هزار تن تخم مرغ و ۴۰ هزار تن گوشت مرغ تولید می‌شود که حجم بالایی از آن به سایر استان‌های کشور صادر می‌شود.

حدود ۶۰۰ واحد مرغداری در استان قم فعال است که از این تعداد ۳۱۱ واحد مرغداری گوشتی به ظرفیت پنج میلیون و ۷۰۰ هزار قطعه و ۱۷۴ واحد مرغداری تخمگذار به ظرفیت هشت میلیون و ۷۰۰ هزار قطعه است.

منبع: خبرگزاری ایرنا - ۱۹ شهریور ۱۳۹۷ - کد خبر: ۸۳۰۲۸۳۰۷

<https://irna.ir/xjqKKG>

مهم‌ترین عیب الگوی توسعه غربی آن است که همهٔ اختیارات خانواده را از آن‌ها می‌گیرد به یک نهاد یا سیستم تفویض می‌کند. مشکل سازمان ملل و سند ۲۰۳۰ همین است که حاکمیت خانواده را از بین می‌برد. این را در ذهن مخاطبان خودتان ثبت کنید. همین که دولت مدرن ایران آمده قرارگاه برای مرغ و تخم‌مرغ تشکیل داده (معاون وزیر محترم هم می‌گفت که این تجربه دنیا است، این همان عقب‌افتادگی‌ای است که از غرب بر ما وارد شده است) این خودش یک علامت عقب‌افتادگی است. جلسه تشکیل دادند، اخبار صداوسیما راه‌انداختند؛ برای چه؟! برای اینکه [بحث کنند که] قرار است نهاده‌ها از کجا وارد شود؟ و چگونه این را از تولیدکننده بخریم؟ و چگونه به مصرف‌کننده برسانیم؟ یک طرح دیگری هم بیان شد که می‌خواهیم توزیع دیجیتال راه بیندازیم تا دلال‌ها را حذف کنیم. ولی اگر اختیارات خانواده زیاد شود، مردم امور زندگی خودشان را می‌چرخانند. این "اداره جامعه به دست مردم" و "مردمی‌سازی حکومت" یکی از شعارهای اصلی جمهوری اسلامی بوده است.

"دولت مدرن" یک کاری کرده است که مردم فقط در تظاهرات و انتخابات شرکت می‌کنند. خطاب من به وزارتخانه‌های ایران است و ما اسمش را می‌گذاریم: «دولت مدرن ایرانی». "دولت جمهوری اسلامی" دو بخش است: یک نهاد زیرمجموعه "ولایت فقیه" دارد، و مجموعهٔ دیگر [آن دولتی است که] حدود ۱۹ وزارتخانه دارد. مراد من [از دولت مدرن ایرانی] همین ۱۹ وزارتخانه است.

نهادهای زیرمجموعه "ولایت فقیه" به نسبت خود "مردمی‌سازی حکومت" را جلو می‌برند. مثلاً الان در "حوزه امنیت" این‌گونه است؛ مثلاً شما پدیدهٔ "مدافعان حرم" و "بسیج" را دارید که از برکت مردم استفاده می‌کنند. البته آنجا هم باید کار تکمیلی انجام داد.

ولی این طرف "دولت مدرن" همه چیز را از اختیار مردم خارج می‌کند. کار به جایی رسیده است که می‌خواهند "رمزریال" در ایران حاکم کنند!^{۵۱} "رمزریال" یک "گد" است و این "گد" اعتبار شما محسوب می‌شود. من به

۵۱. **ارجاع پردازشی:** به گزارش ایسنا، بانک مرکزی اواسط سال گذشته اعلام کرد که می‌خواهد رمز ارز ملی بر پایه ریال راه‌اندازی کند تا با انتشار رمز ریال، افراد اسکناس ریال خود را تحویل بانک مرکزی دهند و رمز ریال تحویل بگیرند. البته رمز ریال قابل استفاده برای سرمایه‌گذاری نیست و صرفاً جایگزین اسکناس خواهد شد.

درباره اینکه چه زمانی رمز ریال منتشر خواهد شد، رئیس کل بانک مرکزی پیش از این به ایسنا اعلام کرده بود که تا پایان شهریور ماه اجرای آزمایشی ریال دیجیتال آغاز خواهد شد.

صالح آبادی ۲۳ شهریور ماه از اجرای مرحله پیش‌آزمایشی رمز ریال بانک مرکزی خبر داده و گفته بود که طی روزهای اخیر فرایند پیش‌آزمایشی از راه‌اندازی آزمایشی رمز ریال با رقم یک میلیارد تومان و با ارائه رمز ریال به تعداد محدودی از افراد شروع و عملاً مرحله پیش‌آزمایشی آن در دو بانک ملی و ملت اجرایی شده است.

رئیس کل بانک مرکزی درباره جزئیات راه‌اندازی پیش‌آزمایشی رمز ریال نیز اعلام کرده بود که دو فروشگاه برای استفاده از این رمز ریال تعیین شدند و کار در مرحله قبل از آزمایشی را آغاز کرده‌اند.

آقایان مسئول عرض کردم که شما تصور کنید اگر یک حمله سایبری به زیرساخت‌های "رمزریال" وارد شود، مردم دیگر هیچ پولی در اختیار ندارند! تمام تبادلات کشور قفل می‌شود! لااقل (اگر نمی‌خواهید به سمت پول غیراعتباری و "پول طلا" و "پول نقره" بروید)، بگذارید همین "اسکناس" فعلی در دست مردم باقی بماند. ما دائم با اسرائیل و آمریکا و سازمان‌های جائر درگیر هستیم. مگر در قضیه بنزین اینها نتوانستند سیستم انتقال سوخت کشور را هک کنند؟!^{۵۲} به نظر من پدافند غیرعامل باید ورود پیدا کند، ما مشکل امنیتی پیدا می‌کنیم. شما تصور کنید فقط یک هفته مردم نتوانند خرید و فروش کنند؛ چون زیرساخت‌های رمزریال مورد حمله سایبری قرار گرفته است. تقریباً مساوی است با هرج و مرج عمومی!

مردمی کردن به معنای این است که اختیارات مردم در حوزه‌های مختلف را گسترش دهیم. بحران پولی که در زمان دولت آقای روحانی به وجود آمد، به صورت ساده این‌گونه بود که: قبل از این بحران اگر مثلاً کسی قیمت خانه‌اش در قم ۲۰ میلیون تومان بود، آن موقع با ۲۰ میلیون تومان می‌توانست ۲۰ سکه طلا بخرد. ولی وقتی بحران پولی ایجاد شد، او ایلش می‌توانست با ۲۰ میلیون تومان ۴ سکه طلا بخرد. الان ۲ سکه هم نمی‌تواند بخرد. وقتی شما پول اعتباری را به نحو مطلق می‌پذیرید، اختیارات مردم بر ثروتشان، به چالش کشیده می‌شود. در واقع قاعده «الناسُ مُسَلِّطُونَ عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ» که یک قاعده فقهی مُسَلِّم نزد فقهاء است، به چالش کشیده می‌شود. این بحث یک سرفصل عمومی است که باید به آن توجه کرد و ما بحث مربوط به جمعیت آن را انجام می‌دهیم.

جمهوری اسلامی آن موقعی می‌تواند آرمان‌های انقلاب را محقق کند که روزه‌روز اختیارات خانواده را افزایش دهد، همین‌ان بقای جمهوری اسلامی برای این است که یکسری خانواده‌های متدین، "ولایت‌فقیه" را قبول

اما این مقام مسئول در تازه‌ترین اظهارات خود اعلام کرده که با پایان این مرحله از تست، وارد آزمایش‌های گسترده‌تر خواهیم شد که امیدوارم در مهر ماه وارد مرحله آزمایشی گسترده‌تر شویم.

باتوجه به اینکه ۱۱ روز به پایان مهر ماه مانده باید دید آیا بانک مرکزی در ماه جاری رمزریال را وارد اجرای آزمایشی می‌کند یا خیر؟

منبع: خبرگزاری ایسنا - ۱۹ مهر ۱۴۰۱ - isna.ir/xdMyCy

<https://www.isna.ir/news/1401071909646>

۵۲. **ارجاع پرورشی:** گزارش مهر از استان‌های مختلف + فیلم / جزئیات اختلال در جایگاه‌های سوخت / ماجرای هک بیلبردها چیست؟ خبرگزاری مهر - گروه استان‌ها: جایگاه‌های سوخت در استان‌های مختلف کشورمان از ساعتی پیش با اختلال در توزیع سوخت با نرخ سهمیه کارت سوخت روبه‌رو شدند که این موضوع مشکلاتی را برای مردم رقم‌زده است. یک منبع نزدیک به شورای عالی امنیت ملی، حمله سایبری به جایگاه‌های سوخت را تأیید کرد و گفت: در حال بررسی منشأ این حمله هستیم. مسئولان از آغاز سوخت‌گیری دستی در برخی شهرها خبر می‌دهند.

منبع: خبرگزاری مهر - ۴ آبان ۱۴۰۰ - mehrnews.com/xWnBQ

<https://www.mehrnews.com/news/5336434>

دارند و فرزندانشان را بر این مبنا تربیت می‌کنند. این شعاری است که چهل سال است تکرار شده است که نقش مردم در اداره حکومت باید افزایش پیدا کند. "ولی فقیه" خیلی این را بحث کرده است.^{۵۳} چرا سازمان برنامه‌بودجه و برنامه‌ریزی کشور نمی‌تواند این کار را انجام دهد؟! چون مفاهیمشان ناقص است؛ بنابراین "سازمان برنامه‌بودجه" و "دولت مدرن" ایران باید بروند! و جایشان را به یک "دولت اسلامی" بدهند. مهم‌ترین مُمیز "دولت اسلامی" این است که بتواند اختیارات "خانواده" را در اداره زندگی افزایش دهد، اولین اقدام هم احیای "قانون احیاء موات" است. طبق آمار حدود ۸۵ درصد زمین ایران در اختیار یک نهاد "اداره منابع طبیعی" است.^{۵۴} ۸۵ درصد زمین‌های ایران در اختیار یک سازمان است! درحالی‌که خدای متعال و از زمان

۵۳. **ارجاع پرورشی:** از باب نمونه: این اقتصادی که به عنوان اقتصاد مقاومتی مطرح می‌شود، مردم‌بنیاد است؛ یعنی بر محور دولت نیست و اقتصاد دولتی نیست، اقتصاد مردمی است؛ با اراده‌ی مردم، سرمایه‌ی مردم، حضور مردم تحقق پیدا می‌کند. اما «دولتی نیست» به این معنا نیست که دولت در قبال آن مسئولیتی ندارد؛ چرا، دولت مسئولیت برنامه‌ریزی، زمینه‌سازی، ظرفیت‌سازی، هدایت و کمک دارد. کار اقتصادی و فعالیت اقتصادی دست مردم است، مال مردم است؛ اما دولت - به‌عنوان یک مسئول عمومی - نظارت می‌کند، هدایت می‌کند، کمک می‌کند. آن جایی که کسانی بخواهند سوء استفاده کنند و دست به فساد اقتصادی بزنند، جلوی آنها را می‌گیرد؛ آنجایی که کسانی احتیاج به کمک دارند، به آنها کمک می‌کند.

سخنان مقام معظم رهبری در حرم مطهر رضوی - اول فروردین ۱۳۹۳

<https://farsi.khamenei.ir/audio-content?id=31724>

اگر ملت مقتدر باشد، توانا باشد، نیاز خود را کم کند، مشکلات خود را برطرف کند، و امروز که مسئله‌ی اقتصاد مسئله‌ی اصلی است، بتواند اقتصاد خود را روبه‌راه کند، دشمن در مقابله‌ی با ملت ایران بی‌دفاع خواهد ماند.

سخنان مقام معظم رهبری در حرم مطهر امام خمینی - ۱۴ خرداد ۱۳۹۲

<https://farsi.khamenei.ir/audio-content?id=31724>

۵۴. **ارجاع پرورشی:** خداکرم جلالی رئیس سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری و معاون وزیر جهاد کشاورزی با توجه به اینکه ۸۵ درصد از عرصه کشور در حوزه منابع طبیعی قرار دارد، افزود: همچنین باید در بحث فرهنگ‌سازی و استفاده بهینه از منابع طبیعی در سطح جامعه تلاش بیشتری صورت گیرد تا طبق فرمایش مقام معظم رهبری تبدیل به معارف عمومی شود. معاون وزیر جهاد کشاورزی بحث مشارکت در عرصه منابع طبیعی را مهم دانست و افزود: در تلاش هستیم با استفاده از دانش بومی و علم روز دنیا بتوانیم از این عرصه به خوبی حفاظت کنیم.

وی در جمع مدیران اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری جنوب کرمان گفت: منابع طبیعی بستر حیات و توسعه پایدار است و امروزه چالش‌های بسیاری در سطح جهان از نظر جنگل‌زدایی و کاهش تنوع زیستی وجود دارد که عوارض مهم و مخرب آن در پی بهره‌برداری بی‌رویه از منابع طبیعی به وجود آمده است.

منبع: خبرگزاری دانشجویان (ایسنا) - ۱۷ آبان ۱۳۹۳ - <https://b2n.ir/n11226>

عابدینی (مدیرکل روابط عمومی و امور بین الملل سازمان جنگل‌ها مراتع و آبخیزداری کشور) گفت: ۸۵ درصد وسعت کشور را منابع طبیعی تشکیل می‌دهد که با مشارکت‌های مردمی می‌توان در حفظ و احیای این سرمایه عظیم ملی گام برداشت.

منبع: خبرگزاری مهر - ۲ شهریور ۱۳۹۲ - <https://b2n.ir/z52188>

<https://www.mehrnews.com/news/2121859>

رسول الله و ائمه عليهم السلام می فرمایند: «من احيا أرضاً مواتاً فهي له.»^{۵۵} یعنی: هرکسی زمین مرده‌ای را احیاء کند آن زمین برای اوست. سرفصل دوم هم تمام شد. پیشنهاد من به شما این است که در تولیدات مختلفی که در کارهای خبری خود که انجام می‌دهید، درک مردم را از "نهاد خانواده" ارتقاء دهید، [که در این صورت] خودبه‌خود مسئله "فرزندآوری" و "جمعیت" حل خواهد شد. الان چون درک مردم از خانواده، "خانواده هسته‌ای" شده است، مردم فکر می‌کنند خانواده فقط برای غریزه جنسی است. بنابراین خانواده‌ای که درک ناقصی از خانواده دارد، به مسئله جمعیت نمی‌رسد و اصلاً فرزند برای چنین پدر و مادری در دسر می‌شود! پدر و مادری که درکش از خانواده ناقص باشد، اولاد زیاد را مفید نمی‌داند، این خانواده نمی‌تواند اولاد باکیفیت را تربیت کند. نباید نقطه ثقل را اشتباه گرفت؛ بلکه روی خود "خانواده" بایستید، اصلاً باید عنوان "جمعیت" را به "خانواده و جمعیت" تغییر بدهید و در عنوان هم بر روی "خانواده" تأکید شود. اولین کاری که مدرن‌پخته کرده است، "لیبرالیسم" و "فردگرایی" را گسترش داده است و نگاه "خانواده‌محور" را تنزل داده است و ما این را باید مبنای کار خود قرار دهیم. این هم سرفصل سوم.

۵۵. ارجاع پژوهشی: علي بن إبراهيم عن أبيه عن حماد عن حريز عن زرارة و محمد بن مسلم و أبو بصير و فضيل و بكير و حمران و عبد الرحمن بن أبي عبد الله عن أبي جعفر و أبي عبد الله ع قالوا قال رسول الله ص: مَنْ أَحْيَا أَرْضًا مَوَاتًا فَهِيَ لَهُ.

امام صادق و امام باقر (علیهما السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله): هرکس زمین مرده ای را زنده کند این زمین برای اوست.

کافی، ج ۵، ص ۲۷۹

تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۱۵۲ / عوالي اللئالی، ج ۱، ص ۴۴ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۴۱۱

۴. سرفصل چهارم: کدام یک از نظامات اجتماعی درک مردم از

خانواده و جمعیت را تنزل می‌دهند؟

در سرفصل چهارم به معرفی برخی از نظامات اجتماعی تخریب‌کننده نهاد خانواده و فرزندآوری می‌پردازیم. سؤال اصلی آن است که: کدام یک از نظامات اجتماعی درک مردم از خانواده را تنزل می‌دهند؟ سرفصل چهارم بحث به این موضوع اختصاص دارد.

۴.۱ نظام تولید و اشتغال (تولید صنعتی و متمرکز)؛ اولین و مهم‌ترین مصداق از نظامات

اجتماعی موثر بر تنزل درک مردم از خانواده و جمعیت

اولین ساختار از نظامات اجتماعی که نهاد خانواده را تخریب می‌کند، "تولید صنعتی" و "تولید متمرکز" است. تولید صنعتی و تولید کارخانه محور، از چند حیث تأثیر منفی بر نهاد خانواده دارد.

۴.۱.۱ قراردادهای استخدام و اجاره کارگر؛ نمونه‌ای از عوامل منفی موثر بر خانواده و

جمعیت در نظام تولید و اشتغال

اولین حیث تأثیرگذاری تولید صنعتی بر خانواده از طریق قراردادهای استخدام و اجاره کارگر است. مثلاً در عسلویه قراردادهای به شکلی است که نیروی کار باید ۲۵ روز در عسلویه باشد و فقط ۵ روز در کنار خانواده است. پایه قراردادهای این‌گونه است. متن قرارداد را ببینید. من سؤال می‌کنم: اگر پدر خانواده ۲۵ روز از خانواده دور باشد چه مشکلی به وجود می‌آید؟ [پاسخش این است که:] برای همه اعضای خانواده محرومیت عاطفی، محرومیت‌های تربیتی، محرومیت‌های جنسی به وجود می‌آید. تا موقعی که قراردادهای غلط کارخانه‌ها وجود دارد، شما چگونه می‌توانید خانواده را احیاء کنید؟ آیا ما آماری داریم که نشان بدهد که چند درصد از خانواده‌های ما به این قراردادهای مبتلا هستند؟ آیا طرحی برای اصلاح این قراردادهای داریم؟

۴.۱.۲ وجود شرایط نامناسب برای اشتغال بانوان؛ نمونه‌ای دیگر از عوامل منفی موثر بر

خانواده و جمعیت در نظام تولید و اشتغال

یک مثال دیگر: به اسم "برابری جنسیتی" که فصل پنجم سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ است^{۵۶} قانون فعلی کشور این است که: ۶۰ درصد زن‌ها باید در بخش اداری اشتغال پیدا کنند.^{۵۷} ما با "اشتغال بانوان" مخالف نیستیم، بلکه قائل هستیم که [اشتغال بانوان باید به شکلی باشد که خانواده دچار فروپاشی نشود].^{۵۸}

۵۶. ارجاع پرورشی: Gender Equality (برابری جنسیتی).

۴.۲ راهکارهایی برای اصلاح نظام تولید و اشتغال:

۴.۲.۱ تثبیت قانون مرخصی زایمان، شناسایی و راه‌اندازی مشاغل دورکار، و احیاء زیست‌بوم مشاغل خانگی و محله‌ای برای بانوان؛ سه راهکار برای اصلاح نظام تولید و اشتغال (ویژه اشتغال بانوان)

ولی الان دورکاری را برای خانواده‌ها نمی‌پذیرید! و اداره‌های ما برای مرخصی زایمان مقاومت می‌کنند! چرا؟ چون وقتی صاحب آن بنگاه یا اداره به نیروی کار مرخصی می‌دهد، باید از "سود اقتصادی" بگذرد. اصطلاحاً بین منافع کلان جامعه و منافع صاحب آن اداره "تعارض منافع" وجود دارد؛ بنابراین حتی برای "مرخصی

The Sustainable Development Goals are a universal call to action to end poverty, protect the planet and improve the lives of all, leaving no one behind. The Goals were adopted by all UN Member States in September ۲۰۱۵ (۲۵) and prospects of everyone, everywhere. The Agenda for Sustainable Development which set out a ۲۰۳۰-year plan to achieve the Goals is part of the THE ۱۷ GOALS (۱) No Poverty, (۲) Zero Hunger, (۳) Good Health and Well-being, (۴) Quality Education, (۵) Gender Equality, (۶) Clean Water and Sanitation, (۷) Affordable and Clean Energy, (۸) Decent Work and Economic Growth, (۹) Industry, Innovation and Infrastructure, (۱۰) Reducing Inequality, (۱۱) Sustainable Cities and Communities, (۱۲) Responsible Consumption and Production, (۱۳) Climate Action, (۱۴) Life Below Water, (۱۵) Life On Land, (۱۶) Peace, Justice, and Strong Institutions, (۱۷) Partnerships for the Goals.

اهداف توسعه پایدار یک فراخوان جهانی برای اقدام برای پایان دادن به فقر، محافظت از کره زمین و بهبود زندگی و چشم‌انداز همه، در هر مکان است. این ۱۷ هدف توسط کلیه کشورهای عضو سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۵ (۲۵ سپتامبر) [مصادف با ۳ مهر ۱۳۹۴ شمسی] به عنوان بخشی از برنامه ۲۰۳۰ توسعه پایدار که برنامه‌ای ۱۵ ساله برای دستیابی به هدف تعیین کرده بود، تصویب شد.

۱۷ اهداف: (۱) عدم فقر، (۲) گرسنگی صفر (۳) سلامتی و رفاه، (۴) آموزش با کیفیت، (۵) برابری جنسیتی، (۶) آب تمیز و بهداشتی، (۷) انرژی مناسب و تمیز، (۸) مناسب کار و رشد اقتصادی، (۹) صنعت، نوآوری و زیرساخت‌ها، (۱۰) کاهش نابرابری، (۱۱) شهرها و جوامع پایدار، (۱۲) مصرف و تولید مسئولانه (۱۳)، اقدامات اقلیمی، (۱۴) زندگی در زیر آب (۱۵) زندگی در خشکی، (۱۶) صلح، عدالت، و نهادهای قوی، (۱۷) مشارکت برای هدف.

آدرس مطلب: سایت سازمان ملل متحد - <https://b2n.ir/u66395>

۵۷. **ارجاع پرورشی:** ماده ۱۰۱- کلیه دستگاه‌های اجرائی موظفند به منظور تحقق اهداف مندرج در اصول دهم (۱۰)، بیستم (۲۰) و یکم (۲۱) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله و سیاست‌های کلی برنامه ششم و سیاست‌های کلی خانواده مبنی بر «تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و استیفای حقوق شرعی و قانونی زنان در همه عرصه‌ها و توجه ویژه به نقش سازنده آنان» و نیز به منظور بهره‌مندی جامعه از سرمایه انسانی زنان در فرآیند توسعه پایدار و متوازن، با سازماندهی و تقویت جایگاه سازمانی امور زنان و خانواده در دستگاه، نسبت به اعمال رویکرد عدالت جنسیتی بر مبنای اصول اسلامی در سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های خود و ارزیابی آثار و تصمیمات براساس شاخصهای ابلاغی ستاد ملی زن و خانواده شورای عالی انقلاب فرهنگی اقدام نمایند.

منبع: سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۶-۱۴۰۰)

<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1014547>

۵۸. در ادامه الگوی مشاغل خانوادگی و محلی را بحث خواهیم کرد.

انتقال از متن

زایمان" هم در کشور جدیت به خرج نمی‌دهیم. یک قدم بالاتر، باید "مشاغل دورکار" با الگوی دورکاری برای زنان باز تعریف شود.^{۵۹}

پس [در مورد رفع مشکل اشتغال بانوان] سه فرض وجود دارد: (۱) اقل بحث این است که شما مرخصی زایمان را تثبیت کنید. به نظر من خیلی سخت است که این کار را انجام بدهیم. (۲) میانه بحث این است که ستاد شما بتواند مشاغلی را که می‌توانند مشمول دورکاری قرار گیرند را شناسایی کرده و بر اساس جدول‌های "مشاغل دورکار" تا جایی که امکان دارد خانم‌ها را در مشاغلی که در خانه می‌توان انجام داد مدیریت کند. (۳) الگوی مطلوب این است که بتوانیم زیست‌بوم "مشاغل خانگی و محله‌ای" را احیا کنید. برای اصلاح باید این سه کار را به ترتیب انجام داد. ما واقع‌نگر هستیم؛ گام اول و کوچک قضیه این است که شما در همین یکی دو سال به سمت افزایش مرخصی زایمان بروید. گام میانه این است که جدول مشاغلی که مشمول دورکاری است را استخراج کرده و با نظارتی جدی زن‌ها در این نوع کسب‌ها مشغول به کار شوند. وضعیت مطلوب هم این است که شما درآمد خانم‌ها در زیست‌بوم مشاغل خانگی و مشاغل محله‌ای را تأمین کنید، به ترتیب باید این سه کار انجام شود تا کار جلو برود.

۴.۲.۲ طبقه‌بندی صحیح مشاغل بر اساس مشاغل برتر (کشاورزی، دامداری، باغداری و

خیاطی)؛ راهکار چهارم برای اصلاح نظام تولید و اشتغال

در کنار اقدامات ذکر شده از جمله لوازم جهت‌دهی تولید غیرمتمرکز و صنعتی در راستای خانواده، بحث از طبقه‌بندی صحیح مشاغل است. اگر افراد مشاغل برتر را به ترتیب، کشاورزی، دامداری، باغداری و خیاطی بدانند،^{۶۰} در این چهار مورد می‌توانیم زیست‌بوم خانگی و محله‌ای را راحت‌تر ایجاد کنیم. اما اگر رشته‌های دانشگاهی و سیستم آموزشی طوری افراد خانواده را در تربیت کنند که به دنبال پذیرش مشاغل صنعتی باشند، مسئله خیلی سخت می‌شود.

۵۹. ضمناً باید عرض کنم الگوی مطلوب ما احیاء "مشاغل خانوادگی و محله‌ای" است.

انتقال از متن

۶۰. **ارجاع پژوهشی:** جهت مشاهده روایاتی در مورد مشاغل برتر (کشاورزی، باغداری، دامداری و خیاطی)؛ به پیوست شماره ۳ مراجعه کنید.

۴.۲.۳ ایجاد بازارهای موقت؛ راهکار پنجم برای اصلاح نظام تولید و اشتغال

کار دیگری که باید انجام شود تا ما بتوانیم زیست‌بوم مشاغل خانگی را محقق کنیم، ایجاد "بازارهای موقت" است. یک تعبیری در روایت‌های ما است که من این را در "فقه‌المکاسب" شرح داده‌ام، ارجاعات را ببینید، تصور نشود که اینها بحث‌های کلی است.^{۶۱}

۴.۲.۳.۱ رایگان بودن، ساخت در محل‌های ثابت و پرتردد، و موقت بودن از حیث بهره‌برداری؛

برخی از ویژگی‌های بازارهای موقت

یک الگویی در بازار در زمان حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام وجود داشته که پنج بخش است که ما به مجموعه این الگوی پنج‌بخشی، "الگوی ایجاد بازارهای موقت" می‌گوییم. منتها بازارهای موقت در روایات مثل سه‌شنبه‌بازار و دوشنبه‌بازارهای زمان ما نمی‌باشد. بلکه بازارهایی که امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند، [بدین شکل است که: (۱) محل آنها موقت است، (۲) در محل‌های ثابت و پرتردد ساخته می‌شود.

من به حاج‌آقای مروی تولیت محترم آستان قدس و هم به حاج‌آقا سعیدی تولیت محترم حرم حضرت معصومه (سلام‌الله علیها) پیشنهاد دادم و به این بزرگواران عرض کردم که یکی از صحن‌های حرم را بازار دست‌فروشان قرار دهید. فرض کنید صحن پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله بازار موقت شود. حرم امام رضا (علیه آلاف التحیه و السلام) جمعیت تضمین‌شده‌ای وجود دارد، محاسبات ما این است که حدود سی هزار دست‌فروش می‌توانند از این بازار استفاده کنند. [با این کار] چه اتفاقی می‌افتد؟ هزینه توزیع [کالا] را شما حذف کرده‌اید. الان اگر کسی بخواهد وارد "تولید" شود، اولین دغدغه‌اش "توزیع" است، باید یک هزینه‌ای هم برای کرایه یا خرید مغازه بپردازد، یک هزینه‌ای باید بدهد و شاگردی استخدام کند، هزینه مالیات، آب، برق و همه اینها هزینه‌های توزیع را خیلی سنگین می‌کند. امیرالمؤمنین علیه السلام با "الگوی بازارهای موقت" هزینه توزیع را حذف می‌کردند؛ بنابراین تولیدکننده بدون آنکه هزینه‌ای برای "توزیع و عرضه" بپردازد، "تولید" را انجام می‌دهد و در بازارهای موقت به فروش می‌رساند.

سفر اخیری که به مشهد رفته بودم، دیدم بعضی از مغازه‌های اطراف حرم حضرت ابا الحسن الرضا علیه السلام سرقفلی میلیاردی دارند! سؤال من این است که: آیا فقراء می‌توانند در آنجا مغازه تهیه کنند؟ درست است کنار حرم امام رضا علیه السلام است؛ ولی "الگوی تجارت سرمایه‌داری" حاکم است! هیچ فقیری نمی‌تواند آنجا تجارت کند. درحالی که امیرالمؤمنین علی علیه السلام "بازار موقت" را کنار مسجد جانمایی می‌کردند و می‌ساختند و هزینه

۶۱. ارجاع پژوهشی: جهت مشاهده دوره فقه‌المکاسب به وبلاگ نقشه الگوی پیشرفت اسلامی یا نشانی زیر مراجعه نمایید:

توزیع و هزینه تجارت را برای فقرا حذف می‌کردند.^{۶۲} پس یکی از زیرساخت‌های تحقق "مشاغل خانگی"، راه‌انداختن "بازار موقت" است.

حیث موقت بودن بازار در روایات چیست؟ حضرت می‌فرماید: «سُوقُ الْمُسْلِمِينَ كَمَسْجِدِهِمْ فَمَنْ سَبَقَ إِلَى مَكَانٍ فَهُوَ أَحَقُّ بِهِ إِلَى اللَّيْلِ وَ كَانَ لَا يَأْخُذُ عَلَى بَيْتِ السُّوقِ كِرَاءً.»^{۶۳} می‌فرماید: هرکسی زودتر آمد و غرفه بازار را گرفت، [آن غرفه] تا آخر شب برای اوست. موقت از حیث بهره‌برداری، نه موقت از حیث مکان. شما فکر کنید در همه شهرهای بزرگ ما ۴-۵ بازار موقت با همین شرایطی که عرض کردم راه بیفتند؛ حتماً موجب رونق "مشاغل خانگی" خواهد شد. چون عمده مشکلی که در اقتصاد وجود دارد، ناتوانی مردم در ورود به "تولید" است و به‌خاطر همین نمی‌توانند عرضه‌کننده باشند. یک اصطلاحی در اقتصاد است که می‌گویند: «تولید، برده‌توزیع است.» زحمت و مشکلات "تولید" (با همه دردسرهاش)، یک دهم مشکلات "توزیع" هم نیست. لذا تدبیر امیرالمؤمنین علیه السلام برای حل مشکل توزیع و عرضه این بود که مسئله بازاریابی [و عرضه] را به این شکل برای همه خانواده‌ها حل کنند. افراد باید دغدغه تولید باکیفیت داشته باشند.

این تدابیر همین‌ان قابل اجراست؛ طبق محاسبات ما در شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی، لااقل ۳۰ درصد افراد جامعه از "نظام مشاغل مدرن" طرد شده‌اند. در همین شهر قم و تهران همین‌گونه است. بعضی اوقات انسان تخمین می‌زند؛ مثلاً شهری مثل تهران حداقل ۴۰ درصد افراد را جذب "نظام مکاسب مدرن" می‌کند، چون نظام مکاسب مدرن نیاز به "سرمایه اولیه" دارد. و همین‌ان حدود ۳۰ الی ۴۰ درصد مردم قدرت ورود به نظام مشاغل فعلی را ندارند. شما اگر "بازارهای موقت" را راه بیندازید می‌توانید این ۳۰ الی ۴۰ درصد از مردم را توانمند کنید. البته در بازارهای موقت چهار کار دیگر نیز انجام می‌شود که دیگر آنها را توضیح نمی‌دهم.

۶۲. درباره راه‌اندازی توزیع غیرمتمرکز، مشاغل خانگی و محله‌ای صحبت خواهیم کرد...

انتقال از متن

۶۳. **ارجاع پژوهشی:** مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع سُوقُ الْمُسْلِمِينَ كَمَسْجِدِهِمْ فَمَنْ سَبَقَ إِلَى مَكَانٍ فَهُوَ أَحَقُّ بِهِ إِلَى اللَّيْلِ قَالَ وَ كَانَ لَا يَأْخُذُ عَلَى بَيْتِ السُّوقِ كِرَاءً. امام صادق (علیه السلام) از امیرالمؤمنین (علیه السلام): بازار مسلمین مانند مسجد آنهاست. هر کسی که به مکانی سبقت داشته باشد پس او به آن مکان از دیگری شایسته تر است. همچنین حضرت فرمودند کرایه ای بر دکان های بازار نیست.

کافی ج ۲، ص ۶۶۲ / من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۱۹۹ / تهذيب الأحكام، ج ۷، ص ۹

وسائل الشيعة، ج ۵، ص ۲۷۸

۴.۱.۳ طولانی بودن فاصله محل کار از محل سکونت و میزان ساعات کاری؛ نمونه‌ای دیگر از

عوامل منفی موثر بر خانواده و جمعیت در نظام تولید و اشتغال

فقط خواستم بگویم وقتی شما راجع به خانواده بحث می‌کنید، باید بدانید برای احیای خانواده لازم است الگوی مشاغل خانگی احیاء بشود. الان مسئله مشاغل خانگی را بر مسئله بانوان شاغل تطبیق کرده‌ام؛ ولی برای آقایان هم این موضوع مطرح است. مردی که شغلش خانگی باشد بیشتر می‌تواند خانواده‌اش را مدیریت کند تا وضعیتی که الان وجود دارد.

الان فرض بفرمایید اگر خانه مردی در کرج باشد و ۸ ساعت در اختیار سیستم کاری خود باشد که خود این میزان ساعات کاری خلاف روایات است. حضرت می‌فرماید وقتتان را چهار قسمت کنید یک قسمتش برای کار باشد؛^{۶۴} ولی الان در قانون فعلی جمهوری اسلامی که از الگوی غربی گرفته شده است، ۸ ساعت برای کار تعریف شده است، ۲ ساعت هم برای رفتن به محل کار و ۲ ساعت هم برای برگشت وقت گرفته خواهد شد؛ بنابراین عملاً شغل ۱۲ ساعت از وقت افراد را می‌گیرد. فردی که سرپرست خانواده است وقتی ۱۲ ساعت از وقتش را برای شغل می‌گذارد، دیگر نمی‌تواند برای خانواده‌اش توزیع وقت داشته باشد؛ پس به "جمعیت" و "خانواده" ضربه وارد خواهد شد.

۴.۳ امکان ارتقاء ۶۰ درصد از مشاغل کشور به سمت تولید خانگی و محله‌ای در بخش

تولید غذا؛ برنامه‌ای برای اصلاح و تبدیل نظام تولید و مشاغل کشور از "الگوی صنعتی و

متمرکز" به "الگوی خانگی و محله‌ای"

بنابراین حتماً باید یک برنامه برای "اصلاح نظام مشاغل" داشته باشیم. تعبیر من این است که: "الگوی متمرکز [و صنعتی]" باید تبدیل به "الگوی غیرمتمرکز و خانگی و محله‌ای" شود.

تذکر اول جلسه را فراموش نکنید؛ بعضی از افراد استبعاد می‌کنند و می‌گویند: «نمی‌شود»؛ ولی من عرض می‌کنم: «می‌شود»؛ در همین سال‌های اول می‌شود حدود ۱۰ درصد از مشاغل را با همین الگو بازتعریف کرد.

۶۴. ارجاع پژوهشی: وَ قَالَ عَلِيٌّ (ع): «لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ: فَسَاعَةٌ يَتَأَجَّرُ فِيهَا رَيْبَهُ، وَ سَاعَةٌ يَرْمِي فِيهَا مَعَايِشَهُ [فِيهَا] بَيْنَ نَفْسِهِ وَ بَيْنَ لَدَّتِّهَا فِيمَا يَجُلُّ وَ يَجْمَلُ. وَ لَيْسَ لِلْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ شَاخِصًا إِلَّا فِي ثَلَاثِ مَرَمَّةٍ لِمَعَايِشِ أَوْ خَطْوَةٍ فِي مَعَادٍ أَوْ لَدَّةٍ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ.»
امیرالمومنین علیه السلام: «مؤمن را سه وقت است: وقتی که در آن، با پروردگارش مناجات می‌کند؛ و وقتی که گذران زندگی‌اش را سامان می‌دهد؛ و وقتی که از آن چه حلال و زیبا است، برای خود لذت برمی‌گیرد. و خردمند را سزاوار نیست که جز در بی سه چیز باشد: سامان دادن معیشت، گام نهادن برای روز قیامت، یا لذت برگرفتن از آن چه حرام نیست.»

نهج البلاغه، ص ۵۴۵، حکمت ۳۹۰

بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۹۴

و اگر در یک الگوی ۱۰ ساله فعالیت کنیم، می‌توانیم تا ۶۰ درصد از مشاغل را با این الگو تأمین کنیم. بنابراین الگوی تولید مشاغل خانگی تا ۶۰ درصد مشاغل کشور قابلیت ارتقاء دارد. دلیلش چیست؟ چون ۶۰ درصد از مشاغل کشور در "صنایع غذایی" است و ما اعتقاد داریم که "تولید غذا با الگوی خانگی و محله‌ای" نسبت به "تولید غذا با الگوی صنعتی" باکیفیت‌تر است. پس می‌توان کسانی که در صنایع غذایی مشغول به کار هستند را به تدریج در الگوهای تولید خانگی و محله‌ای غذا مشغول به کار کرد.

۴.۲.۴ جاری شدن "عقود مبادله" و تبدیل "ابزار مبادله" به پول طلا و پول نقره؛ راهکارهای

ششم و هفتم برای اصلاح نظام تولید و اشتغال

البته غیر از ایجاد بازارهای موقت، "عقود مبادله" بین مردم (مانند: عقد مسابقات، مزارعه، مضاربه، شرکت و...) هم باید جا بیفتد و واقعاً جاری شود. غیر از آن، "ابزار مبادله" هم باید [تبدیل به] "پول طلا" و "پول نقره" شود؛ عرض کردم به این دلیل که: اگر شما "پول اعتباری" را بپذیرید مردم مالک ثروت خودشان نیستند؛ یک شب می‌خوابند صبح که بلند می‌شوند می‌بینند که ۱۰۰ هزار تومان‌شان به یک چهارم کاهش ارزش پیدا کرده است! ولی اگر "پول طلا" و "پول نقره" باشد کسی نمی‌تواند ثروت مردم را کم و زیاد کند.

۴.۲ نظام آموزش و پرورش؛ دومین مصداق از نظامات اجتماعی موثر بر تنزل

درک مردم از خانواده و جمعیت

۴.۲.۱ تربیت فرزندان ما در راستای آمادگی برای "جذب بازار کار"، نه "مسئولیت خانوادگی"

؛ اشکال اصلی نظام آموزشی کشور

نظام آموزشی هم باید به نفع خانواده باز تعریف شود. به صورت خلاصه این گونه است که: اگر کسی در سیستم آموزش و پرورش فعلی درس بخواند، آماده "تشکیل خانواده" و "فرزندآوری" نمی شود. بلکه آماده جذب به "بازار کار" می شود، نه به لحاظ آموزشی و نه به لحاظ ارتقاء مهارت‌ها این زمینه برایش به وجود نمی آید [که آماده تشکیل خانواده و فرزندآوری شود]. با هیچ کدام از نظام آموزش فعلی نمی توانید فرد را آماده پذیرش "مسئولیت خانوادگی" کنید؛ بنابراین یک سیستم آموزشی دیگری باید تعریف کنید.

۴.۲.۲ نهاد خانواده؛ بهترین جایگزین نظام آموزش و پرورش کشور

۴.۲.۲.۱ توانایی آموزش به فرزندان؛ اولین ویژگی خانواده‌های متکفل آموزش

سیستم آموزشی باید چگونه باشد؟ دو ویژگی باید داشته باشد؛ ویژگی اول اینکه خانواده قدرت آموزش به فرزندش را پیدا کند. اگر خانواده‌ای بتواند با همراهی پدر و مادر و دیگر اعضا به فرزند خود آموزش بدهد، چرا آموزش را به سیستم آموزشی منتقل کنیم؟!

۴.۲.۲.۱.۱ وجود سه لازمه اصلی آموزش (دلسوزی، دقت و شناخت) در خانواده در حد بالا؛

دلیل بر عدم تفویض آموزش به سیستم آموزشی و برتری خانواده برای آموزش به فرزندان

به سه دلیل نباید آموزش را به سیستم آموزشی تفویض کنیم: (۱) آموزش در خانواده با "دلسوزی" بیشتر اتفاق می افتد (۲) آموزش در خانواده "دقت" بیشتری دارد (۳) آموزش توسط خانواده مبتنی بر "شناخت" بیشتر از فرزندان است؛ اما اگر آموزش را به سیستم آموزشی انتقال دادید این سه مزیت وجود ندارد. بعضی‌ها می گویند یک مدرسه خوب برای بچه‌ها انتخاب می کنیم، عرض می کنم مدرسه خوب جزو داستان‌های باورنکردنی است! اصلاً مدرسه خوب وجود ندارد! چون مدرسه خوب باید این سه ویژگی را داشته باشد.

فرض کنید مدرسه‌ای که ۱۰۰ نفر دانش آموز داشته باشد، اگر مدیر و معلم وقتشان را برای این ۱۰۰ نفر دانش آموز بگذارند: (۱) نمی توانند در آموزش دقت کنند؛ پس حیث "دقت" از بین می رود. (۲) مدیر مدرسه یا معلم باید بچه من و شما را خوب بشناسد، چنین چیزی هم موجود نیست؛ چون شناخت‌های سیستم آموزشی در حد اسم و فامیل و این چیزها است به خلاف پدر و مادر که استعداد و حساسیت‌های فرزندشان را می دانند.

پس آموزش خوب متغیر "شناخت" لازم دارد، در سیستم آموزشی چنین متغیری موجود نیست. (۴) آموزش خوب به "دلسوزی" نیاز دارد. فرض کنید یک معلم خوب پیدا شده است، آیا او می‌تواند به اندازه پدر و مادر دلسوز باشد؟ بنابراین در آموزش‌های سیستم‌محور نه "دلسوزی"، نه "دقت" و نه "شناخت" به نحو لازم وجود ندارد. درحالی‌که این سه متغیر لوازم آموزش هستند.

۴.۲.۲.۱.۲ ارائه ۱۵۰ پیشنهاد در "نظریه آموزش و پرورش آینده" در راستای ایجاد توانایی

در خانواده‌ها برای تکفل آموزش فرزندان

یک سؤال [و اشکال] به وجود می‌آید که: خانواده‌های فعلی نمی‌توانند. [در پاسخ می‌گوییم که:] باید خانواده‌های فعلی را توانمند کنیم که بتوانند. مضاف بر اینکه به نظر من همین الان دو چهارم خانواده‌های فعلی چنین توانمندی‌ای را دارند. شما فقط باید آنها را به رسمیت بشناسید.

ما در "نظریه آموزش و پرورش آینده" ۱۵۰ تصمیم پیشنهاد داده‌ایم تا خانواده‌های آینده خودشان قدرت آموزش و پرورش فرزندان را داشته باشند؛ مثلاً یکی از آنها این است که کتاب‌های درسی که قابلیت تدریس توسط خانواده‌ها را داشته باشد تولید شود. این یکی از عوامل توانمندکننده خانواده‌ها [در جهت آموزش فرزندان] است. ما ذیل این "بسته فقهی اجتهاد برای کودکان"،^{۶۵} یک بسته اولیه آماده می‌کنیم که اگر پدر و مادری این محتوا را در اختیار داشته باشند می‌توانند فرزند خودشان را آموزش دهند که این را بعداً شرح می‌دهم. این هم دومین نظام بود. دومین نظامی که ما باید اصلاح کنیم تا خانواده و فرزندآوری تقویت شود، نظام آموزش و پرورشمان است.

^{۶۵} **ارجاع پژوهشی:** بسته محتوایی "اجتهاد برای کودکان" با غرض آشنا کردن کودکان با محتوای علمی عظیم الشان کتاب و سنت در قالب ۱۱ پرسش به زودی در نشست تخصصی مربوطه تبیین می‌شود. این بسته فقهی کاربردی ویژه مدارس خانگی و برای پدر و مادرها تنظیم شده است و از ویژگی چابک و اجرائی بودن برخوردار است و به کودک شما کمک می‌کند؛ تا در ۱۴ سال اول زندگی درکی روشن و مشخص از مفهوم کتاب و سنت پیدا کند. پرسش‌های این بسته محتوایی مانند بقیه نظریات الگو از طریق چرخه چهاربخشی تحریک فکر به کودک انتقال می‌یابد.

دایره پژوهش مدرسه هدایت - پنج‌شنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۱ - قم مبارک

<https://eitaa.com/olgou4/4174>

۴.۳. نظام مدیریت شهری؛ سومین مصداق از نظامات اجتماعی موثر بر تنزل درک مردم از خانواده و جمعیت

۴.۳.۱ مدیریت شهری منطقه محور و عدم تأمین نیازهای خانواده درون محله؛ اصلی ترین مشکل نظام مدیریت شهری

سومین نظام اجتماعی که باید اصلاح شود تا خانواده تقویت شود، نظام مدیریت شهری است. مدیریت شهری نباید "منطقه محور" باشد، بلکه باید "محله محور" باشد. در حال حاضر شهرها بر اساس مدیریت شهرداری‌های "مناطق" اداره می‌شوند، هر منطقه‌ای یک شهردار دارد، الان شهر قم ۸ منطقه و ۸ شهردار دارد. در حالی که باید اداره شهر به محوریت یک "محله" در ذهن مدیران بازآفرینی شود. چرا؟ چون «محله، سپر نهاد خانواده است»؛ [توضیح مطلب اینکه:] یک خانواده را تصور کنید که این خانواده در مجتمع آپارتمانی زندگی می‌کند. شغل و خرید و فروش بیرون از آن مجتمع است، محل بازی و تفریح بیرون است، فقط از خانه برای خواب استفاده می‌کند. اما یک وقتی خانواده‌ای را تصور کنید که خانه‌اش درون یک محله‌ای است؛ به این معنا که همه نیازهای اولیه خانواده در همان محل زندگی تأمین می‌شود، در این صورت به صورت طبیعی خانواده تقویت می‌شود. خانواده‌های ما [در مجتمع‌های آپارتمانی] گاهی برای تأمین مسائل اولیه زندگی‌شان دچار مشکل هستند. مجتمع‌های آپارتمانی نیازهای اولیه خانواده را تأمین نمی‌کنند و فقط یک محل استراحت هستند. پس نظام مدیریت شهری هم باید اصلاح شود.

۴.۳.۲ چند اقدام برای اصلاح نظام مدیریت شهری:

۴.۳.۲.۱ بازتعریف مفهوم محله؛ اولین اقدام برای اصلاح نظام مدیریت شهری

اولین اقدام برای اصلاح نظام مدیریت شهری، تعریف "محله" است. محله چیست؟ در ادبیات خودمان اصطلاح محله را داریم و حذف نشده است. کوی، برزن، محله، اصطلاحاتش هست. ولی شهرداری‌ها و متخصصین اداری شهر یک تعریف فنی باید در اختیار داشته باشند.

۴.۳.۲.۱.۱ محله‌های اضطراری (مجتمع‌ها آپارتمانی)، وابسته و مستقل؛ انواع سه‌گانه محله در

مباحث مدیریت شهری محله محور

ما در بحث‌های مدیریت شهری، سه نوع محله تعریف کرده‌ایم: محله اضطراری، محله وابسته و محله مستقل. محله اضطراری عبارت از همین مجتمع‌های آپارتمانی است که در آپارتمان ساخته‌اند و لااقل تا ۳۰ سال دیگر این **أم الفساد** وجود دارد! شما چگونه می‌خواهید این را اصلاح کنید؟ ما گفته‌ایم بنا بر دیدگاه اضطرار

خدمات محله را به این مجتمع‌ها ارائه کنیم. نقطه شروع ارائه خدمات این است که محوطه امدادی برای مجتمع آپارتمانی شناسایی شود. محوطه امدادی یعنی یک زمین خالی پیدا کنید و یک چیزی که به محله مربوط است را فعلاً درون آن ایجاد کنید. مثلاً اگر کنار آپارتمان‌های ما زمینی پیدا می‌شود، شما می‌توانید آن زمین را به باغچه طیبات (مواد غذایی غیرصنعتی) تبدیل کنید. خود آپارتمان‌ها حیات ندارند، ولی سبزی‌ها و برخی از اقلام طیبات را به نحو تازه تأمین کنند. خب کنار آپارتمان باغچه طیبات شهری راه بیندازید که خانواده‌های ساکن در محله‌های اضطراری لااقل بتوانند بروند سبزی تازه و بعضی از میوه‌های تازه را از آنجا خریداری کرده و به منزل خودشان ببرند. نه اینکه سبزی شهر قم از شهر دزفول وارد شود که هم چالش‌های سلامت و هم چالش‌های دیگری به همراه دارد.

۴.۳.۱ محله محور شدن عملکرد مساجد، ائمه جمعه و جماعات؛ دومین اقدام برای اصلاح نظام

مدیریت شهری

دومین اقدام این است که عملکرد مساجد و ائمه جماعات باید محله محور باشد. یعنی: مسجد تمدنی، مسجدی است که محور محله است. من یک سؤال فنی هم بپرسم: «مسجد تمدنی چه تفاوتی با مساجد فعلی ما دارند؟» مسجد فعلی ما یک وضوخانه و دستشویی دارد و یک جاکفشی دارد و بعضی‌ها هم حیاط دارند. شما وضو می‌گیری و نماز می‌خوانی و می‌روی. کالبد مسجد چگونه باید باشد تا محور محله شود؟ باید روی آن فکر کرد. سازمان تبلیغات یک عنوان خوبی را تحت عنوان "امام محله" جا انداخته است. عنوان خیلی خوبی است. البته باید روی آن کار شود تا کامل شود و شما دیگر "امام جماعت" نمی‌گویید، امام محله می‌گویید که عنوان با برکتی است. سؤال من این است: «محله چیست که امامت در محله چه باشد؟» باید روی اینها بحث شود،

پس اینها هم بخشی از راهبردهای مدیریت شهری است [که عبارت بود از: (۱) تعریف محلات، که سه نوع هستند: محله اضطراری، محله مستقل و محله وابسته. (۲) اینکه به این سمت بروید که عملکرد مسجد و امام محله و امام جمعه را مبتنی بر تعریف محله بازتعریف کنید.

من با ائمه جمعه استان‌ها و نمایندگان محترم ولی فقیه در استان‌ها که جلسه می‌گذارم؛ به آن بزرگواران عرض می‌کنم که: شما باید سعی کنید "ماهیت محله‌ای" را در استان و شهر خودتان تقویت کنید. امام جمعه باید بتواند "محله" را ایجاد و احیاء کند.

۴.۴. نظام مهندسی و ساختمان؛ چهارمین مصداق از نظامات اجتماعی موثر بر

تنزل درک مردم از خانواده و جمعیت

چهارمین نظام اجتماعی که باید اصلاح شود تا خانواده تقویت شود "الگوی نظام مهندسی" جامعه است. مهندسان ما نباید برای ما "آپارتمان" بسازند، بلکه باید "دار واسعه" بسازند. این مسئله ارتباط بسیار مستقیم با تقویت خانواده دارد.

۴.۴.۱ ساخت خانه در قالب "دار واسعه" (به جای آپارتمان) و تصویب قانون احیاء موات؛

مهم‌ترین اقدامات جهت احیای خانواده

عرض کردم که دو اقدام مهم داریم که باید انجام شود:

(۱) قانون احیاء موات است. لطفاً همه کمک کنید؛ در مصافی جدی با سازمان برنامه‌ویودجه و کارشناسان توسعه‌گرای کشور قرار داریم. همه کمک کنید زمین از احتکار خارج شود. حرف اصلی ما این است که هر خانواده ایرانی هزار متر زمین رایگان در اختیارش قرار گیرد. محاسبات دقیق ما نشان می‌دهد این امر ممکن است و صدها چالش اقتصادی و غیراقتصادی جامعه ایران را برطرف کند. بعداً مزایای قانون احیای موات را توضیح خواهم داد.

(۲) اقدام دیگری که باید صورت بگیرد این است که: تفاوت‌های ساختمان در اسلام (دار واسعه) را با آپارتمان برای مردم توضیح دهید؛ مثلاً یک تفاوت آن حیاط اختصاصی است که دارای ۱۰ کارکرد است.^{۶۶} مانند: کارکرد کاهش زباله، کارکرد بازی کودکان، کارکرد تفریح خانگی و کاهش دمای هوا و ... وقتی

۶۶. ارجاع پژوهشی: توجه به حیاط خانه ۱۰ فایده بی بدیل برای خانواده به ارمغان می‌آورد!

یکی از مهمترین ویژگی‌های مسکن از منظر اسلام مسئله حیاط خانه است. بر اساس پنج دسته از روایات -از جمله احادیث مرتبط با ایده مترقی پخت نان در خانه- برای ضرورت حیاط خانه استظهار کرده ایم!

توجه به مسئله حیاط خانه و منع ساخت ساختمان با الگوی آپارتمان ۱۰ دسته فایده بی بدیل، شامل: ۱- گسترش تفریح خانگی و تقویت صله رحم، ۲- تسهیل مدیریت بازی کودکان، ۳- پیشگیری از بیماری، ۴- مطبوع سازی هوا، ۵- هدایت نزولات آسمانی به حفره های زمین از طریق حفر چاه خانگی، ۶- تسهیل معیشت مردم (اقتصاد مقاومتی)، ۷- کاهش سفرهای تفریحی، ۸- کاهش تولید زباله، ۹- تحقق ایده مترقی پخت نان در خانه و ۱۰- زمینه سازی برای تمرکز زدایی جمعیتی و مهاجرت معکوس از مناطق پرجمعیت را برای خانواده ها به ارمغان می‌آورد.

محاسبات ما در شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی نشان می‌دهد؛ که رعایت اصول فقهی ده گانه ساخت ساختمان، در مجموع هزینه های دولت و مردم را کاهش می‌دهد و به تنظیم صحیح روابط انسانی کمک می‌کند. نمایندگان محترم مجلس و کارشناسان ساختمان کشور را به ایفای نقش در فرآیند تغییر هویت مسکن، محله و شهر دعوت می‌کنم.

حجت الاسلام علی کشوری- تبیین کارکردهای ده گانه حیاط خانه - دوشنبه ۲۷ بهمن ۱۳۹۹ - حوزه علمیه قم

<http://nro-di.blog.ir/1399/11/27>

گزارش‌های تاریخی شهر قم را بررسی می‌کردم، تعبیر بعضی مورخین این است که: «یک قطعه‌ای از بهشت با دمای معتدل در وسط کویری قرار دارد.» می‌دانید علت اینکه هوای قم در ۳۰ - ۴۰ سال قبل خنک‌تر بوده چه بوده است؟ چون عمده خانه‌ها حیاط‌دار بوده و درخت داشته‌اند. مثلاً باغ‌های انار فراوان در شهر بوده است. وقتی مقدار زیاد درخت می‌کارید با محاسبات آقایان چندین درجه کاهش دما در محیط اطراف ایجاد می‌شود. شما همه اینها را برداشته‌اید و آپارتمان ساخته‌اید، لذا دمای هوا بالا رفته است. من ده خاصیت حیاط خانه را نوشته‌ام،^{۶۷} اینها را باید با مردم صحبت کنیم. حضرت در روایتی می‌فرماید: «شَرَفُهَا السَّاحَةُ الواسعة»^{۶۸} یعنی: خانه بدون حیاط خانه بی‌شرف است! و هیچ شرافتی ندارد. یعنی هیچ افتخار نکنید که در خانه بی‌حیاط زندگی می‌کنید. این خیلی مهم است که مردم بدانند که اگر به جای نظام مهندسی‌ای که آقای "لوکوربوزیه (Le Corbusier)"^{۶۹} و بخش یازدهم سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ و هییتات (Habitat)^{۷۰} و ... پیشنهاد داده‌اند، به "نظام مهندسی اسلام" توجه کنند چه مزایایی برای آن‌ها به ارمغان خواهد آمد.

۶۷. همان.

۶۸. ارجاع پژوهشی: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ أَبِيهِ ع عَنْ عَلِيِّ ع قَالَ: إِنَّ لِلدَّارِ شَرَفًا وَ شَرَفُهَا السَّاحَةُ الواسعة وَ الخَلْطَاءُ الصَّالِحُونَ وَ إِنَّ لَهَا بَرَكَهً وَ بَرَكَتَهَا جُودَةٌ مَوْضِعُهَا وَ سَعَةٌ سَاحَتُهَا وَ حُسْنُ جَوَارِ حَبْرَانِهَا.
امام صادق (علیه السلام) از پدرانش از امیرالمومنین (علیهم السلام): برای خانه شرافتی است و شرافت آن داشتن ساحت یا محیطی گسترده است....

مکارم الأخلاق، ص ۱۲۶
بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۵۴

۶۹. ارجاع پرورشی: Le Corbusier, byname of Charles-Édouard Jeanneret, (born October 6, 1887, La Chaux-de-Fonds, Switzerland—died August 27, 1965, Cap Martin, France), internationally influential Swiss architect and city planner, whose designs combine the functionalism of the modern movement with a bold sculptural expressionism. He belonged to the first generation of the so-called International school of architecture and was their most able propagandist in his numerous writings. In his architecture he joined the functionalist aspirations of his generation with a strong sense of expressionism. He was the first architect to make a studied use of rough-cast concrete, a technique that satisfied his taste for asceticism and for sculptural forms. In 2016, 17 of his architectural works were named World Heritage sites by (UNESCO (United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization).

لوکوربوزیه، با نام چارلز ادوار ژانرت، (زاده ۶ اکتبر ۱۸۸۷، La Chaux-de-Fonds، سوئیس - درگذشته ۲۷ اوت ۱۹۶۵، کپ مارتین، فرانسه)، معمار و شهرساز سوئیس با نفوذ بین‌المللی، که طرح‌هایش ترکیبی از کارکردگرایی جنبش مدرن با اکسپرسیونیسم مجسمه‌ای جسورانه. او به نسل اول مکتب بین‌المللی معماری تعلق داشت و در نوشته‌های متعدد خود تواناترین مبلغ آنها بود. او در معماری خود با حس قوی اکسپرسیونیسم به آرزوهای کارکردگرایی نسل خود پیوست. او اولین معمار بود که از بتن خشن استفاده کرد، تکنیکی که ذائقه او را برای زهد و اشکال مجسمه‌سازی ارضا کرد. در سال ۲۰۱۶، ۱۷ اثر معماری او توسط یونسکو (سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد) در فهرست میراث جهانی قرار گرفت.
منبع: دانشنامه رسمی بریتانیکا - <https://b2n.ir/e23804>

The UN-Habitat's vision of "a better quality of life for all in an urbanizing world" is bold and **ارجاع پرورشی**:^{۷۰} ambitious. UN-Habitat works with partners to build inclusive, safe, resilient and sustainable cities and communities. UN-Habitat promotes urbanization as a positive transformative force for people and communities, reducing inequality, discrimination and poverty.

برنامه اسکان ملل متحد: اهداف این برنامه عبارت است از: دیدگاه UN-Habitat در مورد "کیفیت بهتر زندگی برای همه در یک جهان شهری" جسورانه و بلند پروازانه است. UN-Habitat با شرکای خود برای ایجاد شهرها و جوامع فراگیر، ایمن، مقاوم و پایدار همکاری می کند. UN-Habitat شهرنشینی را به عنوان یک نیروی مثبت تغییر دهنده برای مردم و جوامع، کاهش نابرابری، تبعیض و فقر، ترویج می کند.

منبع: سایت برنامه اسکان ملل متحد (هیتات) - <https://unhabitat.org/about-us>

۴.۵ نظام مشاوره غلط در مورد بارداری و زایمان؛ پنجمین مصداق از نظامات

اجتماعی موثر بر تنزل درک مردم از خانواده و جمعیت

پنجمین جایی که باید اصلاح شود، اصلاح "نظام مشاوره در مورد جمعیت و فرزندآوری" است.

۴.۵.۱ طرح وزارت بهداشت با نام "مراقبت‌های ادغام‌یافته باروری سالم و جمعیت"؛ نمونه‌ای

از نظام مشاوره غلط در مورد بارداری و زایمان

استحضار دارید وزارت بهداشت همین اواخر برای اصلاح نظام مشاوره یک طرحی داشته است^{۷۱} که اسم این طرح "مراقبت‌های ادغام‌یافته باروری سالم و جمعیت" است،^{۷۲} که از جمله عوامل ضد جمعیت، خود همین طرح است!

۷۱. که من نمی‌دانم الان لغو شده است یا نشده است، ولی اجازه بدهید که به گزارش‌هایی که می‌گویند لغو شده است اعتماد نکنیم؛ چون وزارت بهداشت ما خیلی حرف سازمان WHO (بهداشت جهانی) را گوش می‌کند. و سازمان WHO (بهداشت جهانی) هم این حرف‌ها را قبول دارد، لذا بعید می‌دانم که لغو شده باشد. به هر حال خبر خوب هم لذت‌آفرین است ولو اینکه دروغ باشد!

انتقال از متن

۷۲. **ارجاع پرورشی:** جهت مطالعه متن کامل «طرح مراقبت‌های ادغام‌یافته باروری سالم و جمعیت» / دفتر سلامت جمعیت، خانواده و مدارس؛ به نشانی زیر مراجعه نمایید:

https://phc.umsu.ac.ir/uploads/baste_khadamate_barvari_salem.pdf

منبع: معاونت بهداشت / دفتر سلامت جمعیت، خانواده و مدارس / اداره باروری سالم و جمعیت / ۱۳۹۷-۱۳۹۸

* فهرست و عناوین کلی طرح:

دورنمای کلی برنامه و خدمات باروری سالم و فرزندآوری
 مرور کلی برنامه باروری سالم و فرزندآوری
 آموزش / مشاوره سلامت باروری و فرزندآوری (اصول و فرآیند)
 خدمات پیشگیری از بارداری پرخطر در زنان واجد شرایط
 راهنمای خدمت آموزش و مشاوره پیشگیری از بارداری پرخطر در زنان واجد شرایط - دارای کودک کمتر از ۲۴ ماه
 خدمت آموزش و مشاوره پیشگیری از بارداری پرخطر در زنان واجد شرایط - زنان زیر ۱۸ سال / زنان بالای ۳۵ سال با بیش از سه فرزند / زنان مشکوک با رفتار پرخطر و دارای اعتیاد
 راهنمای خدمت آموزش و مشاوره پیشگیری از بارداری پرخطر در زنان واجد شرایط - مراقب سلامت
 خدمت قرص پیشگیری از بارداری دوران شیردهی (لایسنس‌نول) در زنان واجد شرایط - مراقبت‌های مراجعه اول
 خدمت قرص پیشگیری از بارداری دوران شیردهی (لایسنس‌نول) در زنان واجد شرایط - زمان شروع
 خدمت قرص پیشگیری از بارداری دوران شیردهی (لایسنس‌نول) در زنان واجد شرایط - مراقبت‌های دوره ای
 خدمت آمپول پروژسترونی سه ماهه (DMPA) در زنان واجد شرایط - مراقبت‌های مراجعه اول
 خدمت آمپول پروژسترونی سه ماهه (DMPA) در زنان واجد شرایط - زمان شروع
 خدمت آمپول پروژسترونی سه ماهه (DMPA) در زنان واجد شرایط - مراقبت‌های دوره ای
 خدمت قرص‌های ترکیبی (ال دی و تری فازیک) در زنان واجد شرایط - مراقبت‌های مراجعه اول
 خدمت قرص‌های ترکیبی (ال دی و تری فازیک) در زنان واجد شرایط - زمان شروع
 خدمت قرص‌های ترکیبی (ال دی و تری فازیک) در زنان واجد شرایط - مراقبت‌های دوره ای
 راهنمای ارایه خدمت قرص‌های ترکیبی (LD و Triphasic)
 خدمت آمپول ترکیبی یک ماهه در زنان واجد شرایط - مراقبت‌های مراجعه اول

۴.۵.۱.۱ طرح غربالگری؛ بخشی از طرح "مراقبت‌های ادغام‌یافته باروری سالم و جمعیت"

بخشی از این "طرح مراقبت‌های ادغام‌یافته"، "طرح غربالگری" است؛ که شما می‌دانید "غربالگری" خودش بخشی از جنین‌های ما را سقط می‌کند. یعنی: پزشک محترمی که تخصص "سلول‌پایه" دارد حتی بحث‌های اولیه درباره اینکه اعضای جنین در مزاج‌های مختلف در زمان‌های مختلف شکل‌گیری متفاوتی دارد را هم نمی‌داند! (مثلاً: "شکل‌گیری قلب" در "مزاج‌های دموی" که عقل بیشتری نسبت به سایر مزاج‌ها دارند، دیرتر شکل می‌گیرد)؛ لذا حکم می‌کنند که قلب جنین شکل نگرفته و دستور سقط آن جنین را می‌دهند!

من یک وقتی این مسئله را برای آیت‌الله اعرافی نقل می‌کردم؛ ایشان گفتند: در همین طرح غربالگری در مورد نوه بنده گفته بودند که باید سقط شود! من گفتم: خلاف احکام شرعی است شما این کار را نکنید. لذا حرف ما را گوش کردند. و الان همین نوه‌ای که سقط نکردند از همه باهوش‌تر هم هست! خطاهای غربالگری مکرر گزارش شده است.^{۷۳}

خدمت آمبول ترکیبی یک ماهه در زنان واجد شرایط - زمان شروع
 خدمت آمبول ترکیبی در زنان واجد شرایط - مراقبت‌های دوره ای
 خدمت کاندوم در زنان واجد شرایط - مراقبت‌های مراجعه اول
 راهنمای ارایه خدمت روش کاندوم (روش تکمیلی / روش پیشگیری از انتقال عفونت‌های آمیزشی)
 خدمت قرص لونورجسترل در زنان واجد شرایط - مراقبت‌های مراجعه اول
 راهنمای ارایه خدمت روش اورژانس پیشگیری از بارداری (قرص لونورجسترل) در زنان واجد شرایط
 خدمت روش جراحی در زنان واجد شرایط - مراقبت‌های مراجعه اول
 خدمت روش جراحی در زنان واجد شرایط - مراقبت‌های دوره ای
 پیوست (۱) برنامه پیشگیری از ناباروری
 پیوست (۲) برنامه سلامت جنسی خانواده
 پیوست (۳) اثربخشی روش‌های پیشگیری از بارداری به تفکیک روش

منبع: معاونت بهداشت / دفتر سلامت جمعیت، خانواده و مدارس / اداره باروری سالم و جمعیت / ۱۳۹۷-۱۳۹۸

https://phc.umsu.ac.ir/uploads/baste_khadamate_barvari_salem.pdf

۷۳. **ارجاع پردازشی:** چرا آمار خطا در آزمایش‌های غربالگری بالاست؟ آمار مثبت کاذب در فرآیند غربالگری، خطایی است که ممکن است در همه‌ی آزمایش‌ها و آزمایشگاه‌ها رخ دهد اما خطای کاذب در فرآیند غربالگری واجد جایگاه خطیری است که آن را از سایر خطاهای آزمایشگاهی متمایز می‌سازد زیرا خطا در این فرآیند، موجب هدایت مادر باردار به سمت آزمایش‌های تکمیلی می‌شود و تبعاً ممکن است منجر به سقط جنینش شود لذا تبعات روانی سنگینی بر مادر و نیز هزینه‌های گزاف اقتصادی برای خانواده خواهد داشت.

منبع: خبرگزاری فارس

<http://fna.ir/flyocf>

جهت مشاهده آمارهایی در مورد «خطاهای مکرر غربالگری در ایران»؛ به پیوست شماره ۴ مراجعه بفرمایید.

۴.۵.۱.۲ تجویز داروهایی (مانند: آهن و اسید فولیک) بر اساس استخراج و تجویز ماده مؤثره

؛ یکی از اشکالات مبنایی طرح "مراقبت‌های ادغام‌یافته باروری سالم و جمعیت"

اشکال دیگری که در این "طرح ادغام‌یافته باروری سالم و جمعیت" وجود دارد، تجویز داروهایی مثل آهن و اسید فولیک است. اشکال ما به این نوع تجویز آن است که نباید این دو ماده و هر "ماده مؤثره" دیگری به صورت مستقیم تجویز شده و وارد بدن شود. در طب اسلامی ما معتقد به استخراج "ماده مؤثره" نیستیم. بخاطر آنکه استخراج ماده مؤثره از شیئی، خاصیت "مزاج شیئی" را تغییر می‌دهد.

مثلاً اگر شما واقعاً مشکل "آهن" دارید باید به "تره" یا به "نان سبوس‌دار" توصیه کنید. یعنی یک شیئی که دارای آن خاصیت دارویی است باید تجویز شود. نه اینکه "ماده مؤثره" را استخراج و تجویز کنیم. در "بحث فقهی تحلیل دارو و دواء" این موضوع را به صورت تفصیلی محل بحث و بررسی قرار داده‌ایم.^{۷۴}

باید بدانید ما در اسلام اولاً: هشت دارو داریم؛ درحالی‌که در "فارماکولوژی (Pharmacology)" بحث آن است که دارو باید بر اساس ماده مؤثره تولید شود. و ثانیاً: در خود داروها باید اصل و خود شیئی را توصیه کنید. مثلاً خود "تره" باید توصیه شود نه اینکه "ماده مؤثره تره" جدا شود و سپس آن "ماده مؤثره" توصیه شود؛ چون "تره" همراه با مزاج خاصی است و شیئی همراه با مزاج خود به هضم صحیح ماده مؤثره کمک می‌کند.

۴.۵.۲ اصلاح انعقاد نطفه، اصلاح مراقبت‌های دوران بارداری و اصلاح مراقبت‌های زمان

زایمان؛ سه سرفصل پیشنهادی الگوی پیشرفت اسلامی برای اصلاح نظام مشاوره بارداری و

زایمان

اما در "طرح مراقبت‌های ادغام‌یافته باروری سالم و جمعیت" اصلاً در مورد "زمان‌های باروری" بحث نشده است. پس باید برای اصلاح نظام مشاوره [بارداری و زایمان] تلاش کنیم. ولی بدانید سه سرفصل [در مورد اصلاح نظام مشاوره] وجود دارد: (۱) اصلاح انعقاد نطفه، (۲) اصلاح مراقبت‌های دوران بارداری و (۳) اصلاح مراقبت‌های زمان زایمان.

باز بنده به جهت اینکه جمع شما جمع متخصص هستید باید عرض کنم که: ما الان به هر تدبیری [که می‌توانیم باید] "زایمان طبیعی" را اجرا کنیم. ما گزارش‌های متعددی داریم که در بیمارستان‌ها به جهت آنکه

۷۴. **ارجاع پژوهشی:** این نشست تخصصی که با عنوان "الگوی فقهی تحلیل و تجویز دواء" در مدرسه علمیه حاجی کلباسی اصفهان و در تاریخ یکشنبه ۳۰ مرداد ۱۴۰۱ برگزار گردیده است؛ در آن به سرفصل‌هایی مانند: (۱) معرفی روش تحقیق جدید برای مطالعه دواء، (۲) نقد چهار مفهوم اصلی فارماکولوژی کاترونک، (۳) معرفی اصناف یازده‌گانه دواء بر اساس روش تحقیق فقهی، (۴) ارائه تحلیل جدید از عملکرد مجاری استعمال دواء، (۵) معرفی برخی از عملکردهای دوائی ۱۰۰ گانه، (۶) پیشنهاد ترویج و آموزش دواهای جامع در میان مردم به وزارت بهداشت (به عنوان اولین گام پیشگیری از بیماری) پرداخته شده است.

منبع: کانال رسمی الگوی پیشرفت اسلامی در پیام‌رسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/4562>

نمی‌توانند خروج جنین را تسهیل کنند، رحم را شکاف می‌دهند. فلذاست که خانم‌ها بعد از زایمان طبیعی هم دچار خون‌ریزی‌های متعدد می‌شوند. جالب است که عرض کنم ما یک مجموعه روایت برای زایمان داریم. [که خوب است] این روایت‌ها را برای آقایان بخوانید تا این تدابیر مورد رعایت قرار بگیرد. کارهای فراوانی برای اصلاح نوع مشاوره‌ها نیاز داریم! ما بحث از اصلاح نظام مشاوره را در "نظریه طبیب مشاوره فرزندآوری و زایمان و بارداری" بحث خواهیم کرد که خود نیازمند برگزاری یک جلسه است تا تشریح شود.

به من اجازه بدهید بقیه نظامات [تاثیرگذار بر خانواده و جمعیت] را بحث نکنم. خلاصه این سرفصل این شد که: ما می‌خواهیم فرزندآوری و جمعیت را تسهیل کنیم؛ [ولی برخی از نظامات اجتماعی مانع این امر هستند که] پنج نظام تخریب‌کننده خانواده و جمعیت مطرح شد: (۱) نظام تولید و اشتغال، (۲) نظام آموزش و پرورش، (۳) نظام مدیریت شهری، (۴) نظام مهندسی و ساختمان و (۵) نظام مشاوره بارداری و زایمان. تا اینجا اصلاح نشوند؛ اولاً: نخواهیم توانست از "افزایش جمعیت" و ثانیاً: از "باکیفیت‌بودن جمعیت" اطمینان حاصل کنیم.

البته بر اساس گزارش‌هایی که از دوستان ما به ما رسیده است کارهایی در نقد "طرح مراقبت‌های بارداری سالم و جمعیت" و همچنین کارهای ابتدایی و روی کاغذ هم برای لغو آن انجام شده است؛ اما انتظار ما خیلی فراتر از این حرف‌هاست. خود مسئله "فرزندآوری" از "انعقاد نطفه" تا "زایمان" دارای بحث‌های اثباتی [در آیات و روایات] می‌باشد. بنده به صراحت عرض می‌کنم که: رشته زنان و زایمان [فعلی] تخصص چنین کاری را ندارد! متخصص‌های زنان و زایمان فعلی اصلاً تخصص انعقاد نطفه صحیح به شکلی که انبیاء پیشنهاد داده‌اند را ندارند! عرض بنده این است که: لا اقل دوستان فعال در عرصه جمعیت متکفل یک جلسه بحثی برای "طبیب مشاور انعقاد نطفه و زایمان" بشوید. باید مشاوره‌هایی در مورد "فرزندآوری سالم از منظر اسلام" راه‌اندازی کنیم و این را هم نباید مخفی اعلام کنیم. چرا به آن رشته‌هایی که بهره‌ای حداقلی از آموزه‌های انبیاء دارند اتکاء می‌کنیم؟! بعضی از حرف‌ها هم شجاعت می‌خواهد و هم منطق. برخی از حرف‌ها را شما خودتان سانسور یا ممیزی می‌کنید و مرجعیت علمی و اجرایی را به جمعیت‌هایی می‌دهید که تخصص کافی ندارند.

۵. سرفصل پنجم: برنامه اجرایی الگوی پیشرفت اسلامی برای

جمعیت چیست؟

اما آخرین عرض بنده آن است که: برنامه اجرایی جمعیتی الگو چیست؟ بنده شش پیشنهاد را (به ترتیب اولویت) خدمتتان مطرح می‌کنم و مطالبه بنده از شما این است که از همین فردا این شش اقدام در دستور کار قرار بگیرد تا ما بتوانیم جمعیت و فرزندآوری را تقویت کنیم.

۵.۱ تدوین و تدریس دفترچه راهنمای مشاغل خانگی و محله‌ای؛ اولین برنامه

اجرای جمعیتی الگوی پیشرفت اسلامی

به عنوان اولویت اول، باید دفترچه "مشاغل خانگی و محله‌ای"، تولید و تدریس شود. داستان "شغل" را باید حل کنید. چون الان اکثر خانواده‌های ما فقط با اصلاح نوع شغلشان قابلیت باروری و فرزندآوری دارند. اگر خانم از "مرخصی زایمان" اطمینان داشته باشد یا در "مشاغل دورکار" مشغول شود، می‌تواند فرزندآوری داشته باشد. به نظر ما مهم‌ترین مانع [برای فرزندآوری]، شغل است. بنده از روی گمان و حدس عرض می‌کنم و البته که باید تحقیق میدانی اتفاق بیفتد؛ اما حدود چهار میلیون از خانواده‌های ما درگیر مسئله فرزندآوری هستند. این عدد را از کجا عرض می‌کنم؟ این عدد همان تعداد کارمندان ما در دولت هستند. این کارمندان خودشان و خانواده‌هایشان با پذیرش مشاغل کارمندی دچار مشکل می‌شوند. تازه می‌توان این عدد را بزرگ‌تر و بیشتر هم به حساب آورد.

۵.۲ تدوین و تدریس برنامه اجرایی آموزش و پرورش آینده؛ دومین برنامه

اجرای جمعیتی الگوی پیشرفت اسلامی

دوم این که باید "برنامه اجرایی آموزش و پرورش آینده" نوشته و تدریس شود. اینکه چه آموزش و پرورشی داشته باشیم که افراد را برای خانواده و فرزندآوری تقویت کند؟ برنامه‌ای اجرایی می‌خواهد. از خدای متعال توفیق برگزاری جلسه "اجتهاد برای کودکان" که ذیل همین تصمیم و اقدام است را مسئلت می‌کنم.

۵.۳ تدوین برنامه مدیریت شهری و محلات مطلوب برای ائمه جمعه و جماعات و

شهرداری‌ها؛ سومین برنامه اجرایی جمعیتی الگوی پیشرفت اسلامی

سوم این که برنامه [اجرای مدیریت شهری و] محله مطلوب باید در دست ائمه جماعت، ائمه جمعه و شهرداری‌ها قرار گیرد. ما باید هر روز برنامه‌ای جدید برای مدیریت محله داشته باشیم. متأسفانه یکی از

ضعف‌هایی که در سازمان تبلیغات در مورد "طرح امام محله" وجود دارد این است که: برنامه ساخت محله آنها برنامه کاملی نیست. بله؛ "ایده امام محله" مطرح شده است؛ ولی هنوز برنامه‌ای که "امام" باید در "محله" انجام دهد تبیین کافی پیدا نکرده است. لذا این هم یک برنامه می‌خواهد.

۵.۴ طراحی و انتشار نقشه ساختمان (دار واسعه)، بازارهای موقت، مسجد محله و

نقشه کلان محله؛ چهارمین برنامه اجرایی جمعیتی الگوی پیشرفت اسلامی

در مرحله چهارم باید پلن (plan)^{۷۵} و نقشه فقهی ساختمان باید با مساحت‌های مختلف منتشر شود. این برنامه‌ای که الان ما پیشنهاد داده‌ایم را از ۳۰۰ متر تا هزار متر شروع کرده‌ایم. [برنامه ما این است که در آینده‌ای نزدیک] چند نقشه و طرح از ساختمان [خانه‌های دار واسعه] را در این ابعاد و زمین‌ها [طراحی کرده و به صورت رایگان منتشر کنیم. الان افرادی به مدرسه ما رجوع می‌کنند و می‌گویند مثلاً ما ۴۰۰ متر زمین داریم شما چه نقشه‌ای برای ساختمان ما پیشنهاد می‌دهید؟ بخشی از ما طلبه‌ها باید مانند شیخ بهایی به سمت طراحی نقشه و پلن ساختمان هم برویم. مضاف بر این، باید نقشه و پلن مسجد را هم منتشر کنیم. مردم نباید تصور کنند که مسجد یک ساختمانی است که فقط کاربری نماز جماعت خواندن دارد. مثلاً من پیشنهاد می‌کنم شما نقشه مسجد سید اصفهان^{۷۶} را که جناب علامه سید محمدباقر شفتی خودشان نقشه این مسجد را طراحی کرده‌اند بررسی و مطالعه بفرمایید. این مسجد به نحوی طراحی شده است که کارکردهای حاکمیتی دارد. ولی ما الان مسجدهایی که می‌سازیم؛ فقط می‌توان در آن وضو گرفت و نماز خواند! مضاف بر [طراحی نقشه ساختمان و مسجد]، نقشه بازار موقت هم باید طراحی و منتشر شود. بازار چگونه ساخته می‌شود؟ باید این موضوع را بحث کرد. همچنین نقشه فضایی یک محله (یعنی: کالبد کلان یک محله) باید منتشر شود. پس در نهایت باید چهار نوع نقشه را منتشر کنیم تا زیست خانواده تقویت شود.

۷۵. برنامه، نقشه، طرح.

۷۶. ارجاع پردازشی: مسجد سید اصفهان از مساجد بزرگ و از بناهای تاریخی دوره قاجار در شهر اصفهان. این مسجد که به نام بنیان‌گذار آن سید محمدباقر شفتی شهرت دارد، در سال ۱۲۴۰ق در محله بیدآباد اصفهان بنا نهاده شد. مسجد دارای تزئینات و ویژگی‌های متعدد معماری در شبستان‌ها، گنبدها، محراب، ایوان، گلدسته، کتیبه‌ها و کاشی‌کاری‌ها است. چهار وقف‌نامه برای مسجد، بین سال‌های ۱۲۶۲ق تا ۱۲۷۳ق نگاشته شده و همه مکان‌های مسجد برای موارد خاص وقف شده است. مقبره سید شفتی و فرزندان او در این مسجد قرار دارد.

منبع: ویکی شیعه

<https://b2n.ir/u34751>

۵.۵ برگزاری نشست تخصصی "طیب مشاور فرزندآوری": پنجمین برنامه اجرایی

جمعیتی الگوی پیشرفت اسلامی

پنجمین کاری که باید انجام بدهیم این است که: نشست تخصصی فرزندآوری را به زودی برگزار کنیم و تدریس آن را آغاز کنیم. بنده عرض می‌کنم: خیرخواهی برادر کوچک خود را بپذیرید! اگر در بحث جمعیت به متخصصان سازمان بهداشت جهانی (که در مورد جمعیت اظهار نظر می‌کنند) تکیه کردید؛ در نهایت ما به نتیجه مطلوب نخواهیم رسید. خودمان باید تخصص فقهی این مطلب را تولید کنیم و در اختیار مردم قرار دهیم.

مثلاً یکی از مواردی که برای فرزندآوری حتمی و ضروری است (چه برای مادر و چه برای پدر، بالخصوص مادر) دعوت به "پاک‌سازی مزاجی" است. مثلاً مادری که دچار "غلبه دم" یا "بلغم" یا "مژه" است، بعد از زایمان دچار انواع و اقسام بیماری‌ها مثل دیابت، ریزش مو، بیماری‌های روحی و ... خواهد شد. وقتی مزاج تعدیل یافته شد، دوران بارداری آسان می‌شود. زایمان هم آسان می‌شود. اینها مباحثی است که باید انجام بگیرد که همه جزئی از مباحث طیب مشاور می‌باشد.

۵.۶ راه‌اندازی گفتگو و مباحثه حول "برنامه جمعیتی الگوی پیشرفت اسلامی" در جمع

فعالان عرصه جمعیت و خانواده جهت ارتقاء و رفع اشکالات؛ ششمین اقدام جهت ارتقای

درک افراد از خانواده

ششمین و آخرین کاری که من پیشنهاد می‌کنم این است که: برنامه جمعیتی الگوی پیشرفت اسلامی در جمع‌های تخصصی شما مورد مباحثه قرار بگیرد و اشکالات و نقائص آن به مدرسه ما گفته شود تا ما بتوانیم این برنامه را تکمیل کنیم.

بالاخره این پنج سرفصلی که بنده عرض کردم یک استنباط فقهی است؛ ولی حتماً اشکالات و سوالاتی در مورد آن مطرح است. البته اگر روی آن مباحثه صورت بگیرد، بهره‌وری آن خیلی بیشتر خواهد شد. بنده بعد از اتمام عرائض از محضر شما استفاده خواهم کرد؛ ولی عرضم این است که: خواهش می‌کنم این متن را مباحثه کنید و ببینید کجای این برنامه خلأ دارد و باید کار بیشتری روی آن صورت بگیرد؟

حالا بعد از اینکه روی این متن مباحثه کردیم و اشکالات آن گرفته شد؛ (این پنج برنامه‌ای که بنده پیشنهاد دادم بعداً نیاز به زیرساخت قانونی دارد.) پس باید پنج لایحه هم برای این برنامه‌ها طراحی کنیم. سپس می‌توان این لوایح را (چه از طریق دولت و چه از طریق مجلس) به سمت قانونی شدن پیش برد. [مثلاً] قانون طراحی ساختمان باید تغییر پیدا کند. این امر مستلزم طراحی و تولید لوایح این طرح است.

پس ما در این بخش ششم باید دو کار انجام بدهیم: اولاً باید برنامه جمعیتی الگوی را مورد بحث و بررسی قرار دهیم و در گام بعد لوایح این طرح را به دولت یا مجلس تقدیم کنیم تا مقررات این پنج دسته اقدام تصویب شود. توجه داشته باشید که بخش اندکی از این پنج محور در "قانون جوانی جمعیت" آمده است. پس "قانون جوانی جمعیت" نیز باید در پیوست دوم خود اصلاحیه بخورد.

جمع‌بندی و چکیده برنامه جمعیتی الگوی پیشرفت اسلامی:

بنده عرائض خود را جمع‌بندی کنم: امروز برنامه جمعیتی الگوی پیشرفت اسلامی را محضران تشریح کردم؛ پنج پرسش در این برنامه مطرح بود:

اول اینکه از حیث جانمایی "برنامه جمعیتی الگوی پیشرفت اسلامی" ذیل "فقه‌الامام" قرار می‌گیرد. مسئله جمعیت نیاز به یک رشته تخصصی دارد.

دوم اینکه بررسی مسئله جمعیت با زاویه دید الگوی پیشرفت اسلامی را خدمتتان شرح دادم. عرض کردم زاویه دید الگوی پیشرفت اسلامی می‌گوید همه مسائل متأثر از نظامات اجتماعی هستند و نمی‌توان یک مسئله را بدون بررسی [و توجه به] نظامات اجتماعی، تحلیل عمیق و کامل نمود.

در سرفصل سوم رابطه میان درک افراد از خانواده و تأثیر آن بر فرزندآوری را خدمتتان تشریح کردم. پیشنهاد بنده این بود که درک افراد از خانواده را ارتقاء بدهیم تا افراد مزایای فرزندآوری را متوجه شوند؛ که در این صورت دیگر لازم نیست که برخی از مشوق‌ها را بگذاریم. و همچنین بار بر روی دوش حاکمیت نسبت به مسئله جمعیت سبک‌تر از گذشته خواهد شد؛ لذا حاکمیت هم انگیزه پیدا خواهد کرد که خانواده را تقویت کند. هر دو طرف قضیه باید برای حاکمیت تبیین شود: یک طرف مسئله جمعیت آن است که "دولت مدرن" تصور می‌کند با ساختن کارخانه و صنعتی‌شدن، رشد و پیشرفت خواهد کرد. و طرف دیگر مسئله جمعیت آن است که اگر شما کارکردهای خانواده را برای مردم تبیین کنید، خود "حاکمیت مدرن" هم توجه خواهد شد که سود در آن است که "خانواده" مسائل مرتبط با خود را خود مدیریت کند. این تبیین آن روایت شریف است که می‌فرماید: «ازدواج نصف دین است»؛^{۷۷} یعنی تحقق نیمی از دین با تحقق و شکل‌گیری نهاد خانواده است.

در سرفصل چهارم به معرفی برخی از ساختارهای مخرب خانواده در پنج محور پرداختم. البته اگر فرصت می‌دادند بیشتر می‌توانستم تشریح کنم.

و در نهایت در سرفصل پنجم اقدامات و برنامه‌های لازم جهت تحقق این برنامه را خدمتتان تشریح کردم. از این که تصدیق کردم عذرخواهی می‌کنم.

و الحمدلله رب العالمین

۷۷. ارجاع پژوهشی: علی بن محمد بن بُندار عن أحمد بن محمد بن خالد عن الجأوراني عن الحسن بن علي بن أبي حمزة عن كليب بن معاوية الأسدي عن أبي عبد الله ع قال قال رسول الله ص: مَنْ تَزَوَّجَ أَحْرَزَ نَصْفَ دِينِهِ وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النَّصْفِ الْآخَرَ أَوْ الْبَاقِي. امام صادق (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله): هر کس ازدواج کند نصف دینش کامل می‌شود و در حدیث دیگر آمده است در نصف دیگرش تقوای الهی پیشه کند.

کافی، ج ۵، ص ۳۲۹

وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۱۷ / جامع احادیث الشیعة (للبروجردی)، ج ۲۵، ص ۸۰

پیوست‌ها:

پیوست شماره ۱: بررسی رجالی روایت «العلمُ سلطانٌ»

امیرالمومنین (علیه السلام): «العلمُ سلطانٌ مَنْ وَجَدَهُ صَالَ بِهِ وَ مَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَيَلَ عَلَيْهِ»

سوالات مرتبط با احراز وثوق صدوری بر مبنای تکاملی:

سؤال اول: مصدر حدیث چیست؟

این حدیث شریف تنها در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ذکر شده است.

فی حکمة منسوبة الى امیرالمؤمنین : «العلمُ سلطانٌ مَنْ وَجَدَهُ صَالَ بِهِ وَ مَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَيَلَ عَلَيْهِ»

شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۳۱۹

سؤال دوم: جایگاه سند در اتکای به اشراف چیست؟

در مورد یک حدیث باید به طور کلی به تبیین جایگاه سند در اتکا به اشراف بحث کرد؛ در واقع باید مشخص کرد که سند چه نقشی در رساندن علم متکی به اشراف - حدیث معصوم علیه السلام - به ما دارد؟ در واقع در این بخش، تعریف جدیدی از سند ارائه می‌گردد که محور آن، مسئله هدایت انبیا بشر توسط معصوم علیه السلام است و سند به عنوان یکی از ابزارهای معصوم علیه السلام برای مدیریت امر هدایت در عالم تعریف می‌شود، نه به عنوان ابزاری که ما برای رسیدن به معصوم علیه السلام از آن استفاده می‌کنیم.

برای درک نکته فوق باید دقت کرد که معصوم علیه السلام - که حدیث از او صادر می‌شود - در تمام شئون و حالات خود مترصد امر هدایت جامعه بوده و در حال جریان دادن امر بسیار مهم هدایت در جامعه است. حال امام معصوم علیه السلام برای جریان دادن هدایت در جامعه از ساختارها و راههای مختلفی استفاده می‌کند که یکی از این ساختارها، جاری کردن هدایت در جامعه از طریق یک فرد مؤمن است که در واقع این فرد مؤمن، همان سند است. در واقع سند یک روایت، ابزاری برای رسیدن ما به معصوم علیه السلام نیست؛ بلکه سند، فرد مؤمنی است که معصوم علیه السلام از آن برای جاری کردن هدایت در جامعه و هدایت انسانها بهره می‌برد و در حقیقت بزرگترین لطف و رحمتی که شامل حال یک فرد مؤمن می‌شود نیز همین موضوع است که خدای متعال و معصوم علیه السلام او را به عنوان یار خود قرار داده و امر خود را از طریق او در جامعه جاری و ساری کنند، بزرگترین نعمتی که خدای متعال به یک فرد می‌دهد لزوماً داخل کردن او در بهشت نیست، بلکه بزرگترین نعمت برای یک فرد مؤمن قرار گرفتن او در طریق هدایت و رساندن هدایت از طریق او به جامعه است. بنابراین سند یعنی فرد مؤمن انتخاب شده توسط معصوم علیه السلام یکی از راههایی است که معصوم علیه السلام از طریق آن، علم مبتنی بر اشراف خود را در جامعه جریان داده و جامعه را هدایت می‌کند.

سؤال سوم: ساختار اتکا به اشراف به صورت استظهاری چیست؟

نکته‌ای که در سؤال سوم باید مورد دقت قرار گیرد این است که معصوم علیه‌السلام به عنوان مدیر هدایت در عالم، امر هدایت را تنها از طریق سند فرد مؤمن انتخاب شده - در عالم جریان نمی‌دهد، بلکه ساختارهای دیگری نیز وجود دارد که افراد جامعه در زمان غیبت معصوم علیه‌السلام نیز می‌توانند از آن طریق هدایت را دریافت نموده و در جامعه جریان دهند، زیرا معصوم علیه‌السلام همواره حی و زنده بوده و مجری امر هدایت در عالم است و این امر را با ساختارهای مختلفی در جامعه جریان می‌دهد که سند یکی از آنهاست. در ادامه به بررسی استظهاری چند مورد از ساختارها و راه‌های اتکا به اشراف - ساختارهایی که معصوم علیه‌السلام امر هدایت را در جامعه جاری می‌کند - می‌پردازیم. ضمناً هرگز خروجی ساختار اتکا به اشراف نباید با استظهار از آیات و روایات در تعارض باشد.

الف) زیارت: یکی از راه‌هایی که افراد می‌توانند از طریق آن امر هدایت و علم مبتنی بر اشراف را از معصوم علیه‌السلام تلقی کنند، زیارت معصومین (علیهم‌السلام) است که به دلیل زنده بودن همیشگی معصومین (علیهم‌السلام)، زیارت منحصر به حضور و ظهور امام نمی‌باشد، بلکه می‌توان از طریق زیارت قبور ائمه نیز به علم مبتنی بر اشراف دست یافت و هدایت را از معصوم علیه‌السلام تلقی نموده و توفیق حضور در طریق هدایت و یاری امام معصوم علیه‌السلام را به دست آورد.

دلیل استظهاری این مطلب نیز روایت شریف امام حسین علیه‌السلام است که می‌فرماید: «مَنْ أَتَانَا لَمْ يَعْدَمْ خَصْلَةً مِنْ أَرْبَعٍ؛ آيَةُ مُحْكَمَةٍ وَ قَضِيَّةٌ عَادِلَةٌ وَ أَخَا مُسْتَفَاداً وَ مُجَالَسَةَ الْعُلَمَاءِ»؛ هر کس به نزد ما آید هیچ یک از این چهار خصلت را از دست نمی‌دهد ۱. نشانه‌های محکم و استوار (که همان علم است) می‌شنود ۲. از قضاوتی عادلانه برخوردار می‌گردد ۳. با برادری سودمند و پرفایده روبرو خواهد شد ۴. اجر و پاداش مصاحبت و هم‌نشینی با علما و دانشمندان را خواهد برد.

بحار الانوار ج ۴۴ ص ۱۹۵

ب) نیت: امر دومی که تأثیر بسیار زیادی در قرار گرفتن انسان به عنوان مجرای هدایت دارد، نیتی است که انسان‌ها در فؤاد و قلب خود دارند. در واقع نیت اصلی‌ترین مسئله‌ای است که موجب توفیق نصرت امام علیه‌السلام می‌گردد؛ اگر فرد شبانه روز نیت نصرت امام علیه‌السلام را داشته باشد و واقعاً شوق به این کار را در سینه داشته باشد، امام معصوم علیه‌السلام او را مجرای هدایت قرار داده و از طریق او هدایت را در جامعه جریان می‌دهد. اما اگر فرد در پی نصرت امام علیه‌السلام نباشد، حتی اگر قرآن نیز بخواند، لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا؛ قرآن خواندن نیز نه تنها به هدایت او نمی‌افزاید بلکه موجب گمراهی بیشتر او می‌گردد.

اهمیت مسئله نیت در توفیق نصرت امام علیه السلام را می توان از روایت شریف امام صادق علیه السلام به دست آورد که فرمودند: «عَلَى بَنِ إِتْرَاهِيمَ عَنِ أَبِيهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمُنْقَرِي عَنِ سُفْيَانَ بْنِ عُيَيْنَةَ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكَلَتِهِ يَعْنِي عَلَى نِيَّتِهِ»

الکافی، ج ۲، ص ۱۶

عَنْهُ عَنِ الْوَشَاءِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَالٍ عَنِ الْمُثَنَّى الْحَنَاطِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ حَسَنَتْ نِيَّتَهُ زَادَ اللَّهُ فِي رِزْقِهِ

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس نیتش نیکو شود، خدا بر رزق او می افزاید.

المحاسن، ج ۱، ص ۲۶۱

قال اميرالمؤمنين عليه السلام: فَإِذَا نَادَيْتَهُ سَمِعَ نِدَاكَ وَإِذَا نَاجَيْتَهُ عَلِمَ نَجْوَاكَ فَأَفْضَيْتَ إِلَيْهِ بِحَاجَتِكَ وَأَبْشَرْتَهُ ذَاتَ نَفْسِكَ وَشَكْوَتِ إِلَيْهِ هُمُومَكَ وَاسْتَكْشَفْتَهُ كُرُوبَكَ وَاسْتَعْتَنَتْهُ عَلَى أُمُورِكَ وَ سَأَلْتَهُ مِنْ خَزَائِنِ رَحْمَتِهِ مَا لَا يُقْدِرُ عَلَى إِعْطَائِهِ غَيْرُهُ مِنْ زِيَادَةِ الْأَعْمَارِ وَ صِحَّةِ الْأَبْدَانِ وَ سَعَةِ الْأَرْزَاقِ ثُمَّ جَعَلَ فِي يَدَيْكَ مَفَاتِيحَ خَزَائِنِهِ بِمَا أَدْنَى لَكَ فِيهِ مِنْ مَسْأَلَتِهِ فَمَتَى شِئْتَ اسْتَفْتَحْتَ بِالْدُعَاءِ أَبْوَابَ نِعْمَتِهِ وَ اسْتَمْطَرْتَ شَائِبَ رَحْمَتِهِ فَلَا [يُقْنِطُكَ] يُقْنِطُكَ إِنْ بَطَأَ إِجَابَتِهِ فَإِنَّ الْعَطِيَّةَ عَلَى قَدْرِ النَّيَّةِ وَ رَبَّمَا أُخْرَتْ عَنْكَ الْإِجَابَةُ لِيَكُونَ ذَلِكَ أَكْبَرَ الْأَجْرِ السَّائِلِ وَ أَجْزَلَ لِعَطَاءِ الْأَمَلِ وَ رَبَّمَا سَأَلْتَ الشَّيْءَ فَلَا [تُعْطَاهُ] تُؤْتَاهُ وَ أُوتِيَتْ خَيْرًا مِنْهُ عَاجِلًا أَوْ آجِلًا أَوْ صُرِفَ عَنْكَ لِمَا هُوَ خَيْرٌ لَكَ فَلَزِبَ أَمْرٌ قَدْ طَلَبْتَهُ فِيهِ هَلَاكُ دِينِكَ لَوْ أُوتِيَتْهُ فَلَتَكُنْ مَسْأَلَتُكَ فِيمَا يَبْقَى لَكَ جَمَالُهُ وَ يُنْفَى عَنْكَ وَبِأَلِهِ فَالْمَالُ لَا يَبْقَى لَكَ وَ لَا يَبْقَى لَهُ

هر گاه او را بخوانی صدایت را بشنود، چون با او به راز و نیاز برخیزی رازت را بداند، پس نیاز به سوی او می بری، و راز دل با او در میان می گذاری، از ناراحتی هایت به او شکایت می بری، و چاره گرفتاری هایت را از او می خواهی، بر امورت از حضرتش یاری می طلبی، از خزائن رحمتش چیزهایی را می خواهی که غیر او را بر عطا کردنش قدرت نیست، از قبیل زیاد شدن عمرها، سلامت بدنها، و گشایش روزیها. خداوند کلیدهای خزائن خود را در اختیار تو گذاشته به دلیل آنکه به تو اجازه درخواست از خودش را داده، پس هر گاه بخواهی می توانی درهای نعمتش را با دعا باز کنی، و باران رحمتش را بخواهی. پس تأخیر در اجابت دعا ناامیدت نکند، زیرا عطا و بخشش به اندازه نیت است. چه بسا که اجابت دعایت به تأخیر افتد تا پاداش دعا کننده بیشتر، و عطای امیدوار فراوان تر گردد. و چه بسا چیزی را بخواهی و به تو داده نشود ولی بهتر از آن در دنیا یا آخرت به تو عنایت گردد، یا به خاطر برنامه نیکوتری این دعایت مستجاب نشود. و چه بسا چیزی را می خواهی که اگر اجابت گردد دینت را تباہ کند. روی این حساب باید چیزی را بطلبی که زیبایش برای تو برقرار، و وبالش از تو برکنار باشد، که ثروت برای تو باقی نیست و تو هم برای آن باقی نخواهی بود.

نهج البلاغة (للصبي صالح)، ص 400

کتاب امیرالمؤمنین علیه السلام الی محمد بن ابی بکر: *إِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تُعْظِمَ رَغْبَتَكَ فِي الْخَيْرِ وَ تُحْسِنَ فِيهِ نِيَّتَكَ فَافْعَلْ فَإِنَّ اللَّهَ يُعْطِي الْعَبْدَ عَلَى قَدْرِ نِيَّتِهِ إِذَا أَحَبَّ الْخَيْرَ وَ أَهْلَهُ وَ إِنْ لَمْ يَفْعَلْهُ كَانَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ كَمَنْ فَعَلَهُ.*

اگر توانی به خیر دل بستگی بسیار داشته باشی و به نیت پاک بدان پردازی، چنان کن زیرا خداوند، هر گاه بنده اش دوستدار نیکی و نکوکاران باشد، به اندازه نیت (و قصد) آن بنده به او اعطا فرماید و اگر نتواند خیری بکند (همان قدر که نیت خیر داشته) (إن شاء الله مانند کسی باشد که کار خیر کرده است). [ترجمه اتابکی]

تحف العقول، ص ۱۷۶

ج) سند روایت: یکی دیگر از ساختارهای اتکا به اشراف و گسترش هدایت در جامعه توسط معصوم علیه السلام، مسئله سند روایت است که در سؤال دوم از همین پیوست سند به مؤمن انتخاب شده توسط معصوم علیه السلام برای جریان امر هدایت در جامعه تعریف گردید.

اهمیت سند روایت در اتکا به اشراف و گسترش هدایت در جامعه توسط معصوم علیه السلام نیز از طریق روایت امام صادق علیه السلام استظهار می گردد؛ «*قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ اعْرِفُوا مَنَازِلَ شِيعَتِنَا عِنْدَنَا عَلَى قَدْرِ رِوَايَتِهِمْ عَنَّا وَ فَهْمِهِمْ مِنَّا*»؛ منزلت شیعیان نزد ما را به قدر روایاتی که از ما روایت می کنند و فهمی که از ما دارند بشناسید. در این روایت این نکته بیان شده است که منزلت و قدر هر فرد نزد امام علیه السلام، به میزان روایاتی است که از امام نقل می کند و فهمی است که از امام دارد؛ یعنی فرد هر قدر منزلت بالاتری داشته باشد امام علیه السلام بیشتر از او در مسئله مدیریت هدایت استفاده می کند و قدر و منزلت بیشتری نزد امام علیه السلام دارد و روایات بیشتری را از امام علیه السلام نقل می کند.

الغیبة (للنعمانی)، ص ۲۲

د) عمل به علم: از دیگر ساختارهای اتکا به اشراف، عمل به علم است؛ هر فرد به میزان عملی که به علم خود دارد، علم بیشتری را از معصوم علیه السلام دریافت می کند و از این راه در طریق مدیریت هدایت توسط معصوم علیه السلام قرار می گیرد. نقش عمل به علم در اتکا به اشراف نیز از روایت «*قَوْلُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: مَنْ عَمِلَ بِمَا يَعْلَمُ وَ رَزَقَهُ اللَّهُ عِلْمًا مَا لَمْ يَعْلَمْ*» استفاده می گردد؛ هر کس به چیزی که می داند عمل کند خداوند علم آنچه را که نمی داند به او می دهد. بنابراین از طریق عمل به علم نیز می توان مجرای علم مبتنی بر اشراف قرار گرفت.

بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۱۲۸

سؤال چهارم: فرایند هدایت مرتبط با این روایت چیست؟

چهارمین سؤالی که در مورد حدیث فوق مطرح می‌باشد این است که این روایت کدام فرایند مرتبط با هدایت را تشریح می‌کند؟ برای پاسخ به این سؤال مقدماتاً باید به این نکته دقت کرد که هر کلامی که از معصوم علیه السلام صادر می‌شود به غرض ایجاد هدایت در جامعه بوده و یک یا چند بُعد از ابعاد هدایت را مورد بحث قرار می‌دهد، زیرا معصوم علیه السلام هدفی جز هدایت جامعه ندارد و تمام سخنان او نیز به همین غرض صادر می‌شود. پس باید نقش حدیث فوق را در فرایند هدایت مشخص کرد و بیان نمود که حدیث فوق کدام بُعد از ابعاد مختلف هدایت را بیان می‌دارد.

این روایت شریف در مقام پاسخ‌گویی به «تعریف مسئله علم» از دیدگاه دینی است؛ لذا فرایند هدایت مرتبط با این روایت شریف «تحلیل زیرساخت علم» است.

سؤال پنجم: این روایت دقیقاً چه نقشی در فرایند هدایت مرتبط با خود دارد؟

برای اطلاع از ابعاد هر مسئله و موضوع دینی، سه سؤال مطرح است؛ ثبت موضوع چیست؟ تحلیل موضوع چیست؟ پردازش موضوع چیست؟ ثبت هر مسئله به ارتباط بین آن موضوع دینی و فطرت انسانی می‌پردازد؛ به عبارتی ثبت هر موضوع، وجه نیاز فطرت انسان ذاتاً فقیر را برای تأمین بخشی از نیاز خود به آن موضوع، بیان می‌دارد. تحلیل هر موضوع دینی نیز عبارت از تبیین ابعاد و ساختار آن موضوع دینی است. پردازش هر موضوع نیز به مقدمات و موانع اجرای عملی و عینی آن مسئله می‌پردازد. هر موضوع دینی برای آنکه به مرحله تحقق برسد و به صورت اختیاری و به نحو عمیق توسط مؤمنین اجرا شود؛ باید مسبقاً به ابلاغ توضیحات سه‌گانه مذکور توسط شارع مقدس به شخص مکلف باشد. مسئله پر اهمیت علم در آیات و روایات مختلف به انحاء مختلف «ثبت» شده و وجه لزوم تلاش برای کسب آن نیز بحث شده است؛ همچنین درباره نحوه «پردازش علم» که مربوط به «چگونگی عالم‌شدن» و «روش تعلم» است نیز روایات فراوانی وجود دارد. روایت مورد نظر در واقع در مقام توضیح و تبیین «تحلیل مسئله علم» بوده و این انتظار از دین را پاسخ می‌دهد و در واقع آن معادله و گزاره‌ای را «علم» معرفی می‌کند که به شخص عالم، توان بهینه‌کردن روابط انسانی را بدهد. با توجه به اینکه این روایت این بخش از «فرایند هدایت» را توضیح و شرح می‌دهد و داعی برای جعل آن وجود ندارد، می‌توانیم مضمون و لفظ این روایت شریف را به معصوم نسبت دهیم.

پیوست شماره ٢: روایاتی در مورد تاثیر فراوان انعقاد نطفه بر

ویژگی های جسمی و روحی فرزند

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبرَاهِيمَ أَبُو الْعَبَّاسِ الطَّلَقَانِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو سَعِيدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْعَدَوِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا يُونُسُ بْنُ يَحْيَى الْأَصْبَهَانِيُّ أَبُو يَعْقُوبَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَلِيٍّ إِسْمَاعِيلُ بْنُ حَاتِمٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ أَحْمَدُ بْنُ صَالِحِ بْنِ سَعِيدِ الْمَكِّيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عُمَرُ بْنُ حَفْصٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ نَجِيحٍ عَنْ حُصَيْنٍ عَنْ مُجَاهِدٍ عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ قَالَ: أَوْصَى رَسُولُ اللَّهِ ص عَلِيٌّ بِنِ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ ع فَقَالَ:

يا عليُّ، لا تُجامعِ امْرَأَتَكَ فِي أَوَّلِ الشَّهْرِ وَوَسْطِهِ وَآخِرِهِ؛ فَإِنَّ الْجُنُونَ وَالْجُذَامَ وَالْخَبَلَ لِيُسْرِعَ إِلَيْهَا وَإِلَى وَلَدِهَا.

يا عليُّ، لا تُجامعِ امْرَأَتَكَ بَعْدَ الظُّهْرِ؛ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدَ فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ يَكُونُ أَحْوَلَ، وَالشَّيْطَانُ يَفْرَحُ بِالْحَوْلِ فِي الْإِنْسَانِ.

يا عليُّ، لا تَتَكَلَّمْ عِنْدَ الْجَمَاعِ؛ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدَ لَا يُؤْمَنُ أَنْ يَكُونَ أَعْرَسَ، وَ لَا يَنْظُرَنَّ أَحَدٌ إِلَى فَرْجِ امْرَأَتِهِ، وَ لِيُعْضَّ بَصْرَهُ عِنْدَ الْجَمَاعِ، فَإِنَّ التَّنْظَرَ إِلَى الْفَرْجِ يورِثُ الْعَمَى فِي الْوَلَدِ.

يا عليُّ، لا تُجامعِ امْرَأَتَكَ بِشَهْوَةِ امْرَأَةٍ غَيْرِكَ؛ فَإِنِّي أَخْشَى إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدَ أَنْ يَكُونَ مُخْتَنًا أَوْ مُؤْتَنًا مُخْبَلًا يَا عَلِيُّ إِذَا كُنْتَ جُنْبًا فِي الْفِرَاشِ مَعَ امْرَأَتِكَ فَلَا تَقْرَأِ الْقُرْآنَ فَإِنِّي أَخْشَى أَنْ يَنْزَلَ عَلَيْكُمَا نَارٌ مِنَ السَّمَاءِ فَتُحْرِقَكُمَا

يا عليُّ، لا تُجامعِ امْرَأَتَكَ إِلَّا وَ مَعَكَ خِرْقَةٌ وَ مَعَ امْرَأَتِكَ خِرْقَةٌ وَ لَا تَمَسَّحَا بِخِرْقَةٍ وَاحِدَةٍ فَتَقَعَ الشَّهْوَةُ عَلَى الشَّهْوَةِ وَ إِنْ ذَلِكَ يُعْقِبُ الْعِدَاوَةَ بَيْنَكُمَا ثُمَّ يُودِّيَكُمَا إِلَى الْفُرْقَةِ وَ الطَّلَاقِ

يا عليُّ، لا تُجامعِ امْرَأَتَكَ مِنْ قِيَامٍ، فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ فِعْلِ الْحَمِيرِ، فَإِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدَ كَانَ بَوَالًا فِي الْفِرَاشِ، كَالْحَمِيرِ الْبَوَالَةَ فِي كُلِّ مَكَانٍ.

يا عليُّ، لا تُجامعِ امْرَأَتَكَ فِي لَيْلَةِ الْأَضْحَى فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدَ يَكُونُ لَهُ سِتُّ أَصَابِعٍ أَوْ أَرْبَعُ أَصَابِعٍ.

يا عليُّ، لا تُجامعِ امْرَأَتَكَ تَحْتَ شَجَرَةٍ مُثْمِرَةٍ؛ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدَ يَكُونُ جَلَادًا قَتْلًا أَوْ عَرِيفًا.

يا عليُّ، لا تُجامعِ امْرَأَتَكَ فِي وَجْهِ الشَّمْسِ وَتَلَالِئِهَا إِلَّا أَنْ تُرْخِيَ سِتْرًا فَيَسْتُرْكُمَا؛ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدَ لَا يَزَالُ فِي بُؤْسٍ وَفَقْرٍ حَتَّى يَمُوتَ.

يا عليُّ، لا تُجامعِ امْرَأَتَكَ بَيْنَ الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ؛ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدَ يَكُونُ حَرِيصًا عَلَى إِهْرَاقِ الدَّمَاءِ.

يا عليُّ، إِذَا حَمَلَتْ امْرَأَتَكَ فَلَا تُجامعِهَا إِلَّا وَ أَنْتَ عَلَى وَضوءٍ؛ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدَ يَكُونُ أَعْمَى الْقَلْبِ بَخِيلٍ الْيَدِ.

يا عليُّ، لا تُجامعِ أَهْلَكَ فِي النَّصْفِ مِنْ شَعْبَانٍ؛ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدَ يَكُونُ مَشْوُومًا، ذَا شَامَةِ فِي وَجْهِهِ.

يا عليُّ، لا تُجامعِ أَهْلَكَ فِي آخِرِ دَرَجَةٍ مِنْهُ إِذَا بَقِيَ يَوْمَانِ؛ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدَ يَكُونُ عَشَارًا أَوْ عَوْنًا لِلظَّالِمِينَ، وَ يَكُونُ هَلَاكُ فِتْنَامٍ مِنَ النَّاسِ عَلَى يَدَيْهِ.

یا عَلِيُّ لَا تُجَامِعْ أَهْلَكَ عَلَى سُقُوفِ الْبُنْيَانِ؛ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ يَكُونُ مُنَافِقًا مُرَائِيًا مُبْتَدِعًا.
 يَا عَلِيُّ إِذَا خَرَجْتَ فِي سَفَرٍ فَلَا تُجَامِعْ أَهْلَكَ مِنْ تِلْكَ اللَّيْلَةِ؛ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ يَنْفِقُ مَالَهُ فِي غَيْرِ حَقٍّ،
 وَقَرَأَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «إِنَّ الْمُبْدَرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ».

یا عَلِيُّ لَا تُجَامِعْ أَهْلَكَ إِذَا خَرَجْتَ إِلَى سَفَرٍ مَسِيرَةً ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَلِيَالِيهِنَّ؛ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ يَكُونُ عَوْنًا
 لِكُلِّ ظَالِمٍ

یا عَلِيُّ عَلَيْكَ بِالْجَمَاعِ لَيْلَةَ الْإِثْنَيْنِ؛ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ يَكُونُ حَافِظًا لِكِتَابِ اللَّهِ، رَاضِيًا بِمَا قَسَمَ اللَّهُ عَزَّ
 وَجَلَّ.

یا عَلِيُّ إِنْ جَامَعْتَ أَهْلَكَ فِي لَيْلَةِ الثَّلَاثَاءِ فَقُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ؛ فَإِنَّهُ يُرْزَقُ الشَّهَادَةَ بَعْدَ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ
 مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَلَا يُعَذِّبُهُ اللَّهُ مَعَ الْمُشْرِكِينَ، وَيَكُونُ طَيِّبَ النَّكْهَةِ وَ الْقَمِّ، رَحِيمَ الْقَلْبِ، سَخِيَّ الْيَدِ، طَاهِرَ
 اللِّسَانِ مِنَ الْغَيْبَةِ وَالْكَذِبِ وَالْبُهْتَانِ.

یا عَلِيُّ إِنْ جَامَعْتَ أَهْلَكَ لَيْلَةَ الْخَمِيسِ فَقُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ؛ فَإِنَّهُ يَكُونُ حَاكِمًا مِنَ الْحُكَّامِ، أَوْ عَالِمًا مِنَ الْعُلَمَاءِ.
 وَإِنْ جَامَعْتَهَا يَوْمَ الْخَمِيسِ عِنْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ عَنْ كَبِدِ السَّمَاءِ فَقُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَقْرُبُهُ حَتَّى
 يَشِيبَ، وَ يَكُونُ قِيَمًا، وَ يَرِزُقُهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ السَّلَامَةَ فِي الدِّينِ وَ الدُّنْيَا.

یا عَلِيُّ وَ إِنْ جَامَعْتَهَا لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ وَ كَانَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ؛ فَإِنَّهُ يَكُونُ حَاطِبًا قَوَّالًا مُفَوِّهًا، وَ إِنْ جَامَعْتَهَا يَوْمَ الْجُمُعَةِ
 بَعْدَ الْعَصْرِ فَقُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ؛ فَإِنَّهُ يَكُونُ مَعْرُوفًا مَشْهُورًا عَالِمًا، وَ إِنْ جَامَعْتَهَا فِي لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ بَعْدَ الْعِشَاءِ
 الْآخِرَةِ، فَإِنَّهُ يُرْجَى أَنْ يَكُونَ الْوَلَدُ مِنَ الْأَبْدَالِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى.

یا عَلِيُّ لَا تُجَامِعْ أَهْلَكَ فِي أَوَّلِ سَاعَةِ مِنَ اللَّيْلِ؛ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ لَا يُؤْمَنُ أَنْ يَكُونَ سَاحِرًا مُؤَثِّرًا لِلدُّنْيَا
 عَلَى الْآخِرَةِ.

يَا عَلِيُّ احْفَظْ وَصِيَّتِي هَذِهِ كَمَا حَفِظْتَهَا عَنْ جَبْرِئِيلَ.

نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: یا علی در اوّل و وسط و آخر ماه با همسرت نزدیکی مکن چه
 آنکه به واسطه هم بستر شدن در این اوقات جنون و جذام و بیماری فلجی به زن و فرزندش متوجه می گردد.
 یا علی بعد از ظهر با همسرت نزدیکی مکن زیرا اگر فرزندی بین شما مقدر شده باشد دو بین می گردد و شیطان
 از بیمار مزبور در انسان مسرور و خوشحال می گردد.

یا علی هنگام نزدیکی زیاد سخن مگو زیرا اگر فرزندی متولد شود از مرض لالی در امان نیست و هنگام
 نزدیکی به فرج و آلت همسرت نگاه مکن و دیدگانت را بیوشان زیرا نظر به عورت موجب کوری می باشد (یعنی
 کوری فرزند) یا علی با تمایل و شهوت به زن دیگری با همسرت نزدیکی مکن زیرا بیم آن دارم که فرزندت
 مخنث و زن صفت و بخیل گردد.

یا علی هر گاه در بستر با همسرت بودی و جنب گردیدی قرآن مخوان زیرا خوف دارم که آتش از آسمان بر شما
 ببارد و بسوزاند شما را.

یا علی با همسرت نزدیکی مکن مگر آنکه با تو و در بدنت جبه‌ای و در تن همسرت نیز لباسی باشد و با یک خرقة و پارچه هر دو خود را پاک نکرده و استفاده نکنید چه آنکه شهوت بر شهوت واقع شده و به دنبال آن بین شما عداوت حاکم می‌گردد و این منجر به جدایی و طلاق خواهد شد.

یا علی، در حال ایستاده مجامعت مکن زیرا این فعل درازگوش بوده و اگر فرزندی از شما متولد گردد در بسترش ادرار کرده همچون درازگوش که در هر مکانی بول می‌کند.

یا علی، در شب عید فطر مجامعت مکن زیرا اگر خداوند فرزندی نصیب شما کرده باشد این فرزند بزرگی که شد خداوند به او فرزندی نمی‌دهد مگر در کبر سن.

یا علی در شب عید قربان با همسرت نزدیک مکن زیرا اگر فرزندی متولد شود شش یا چهار انگشتی می‌باشد. یا علی زیر درخت میوه‌دار با همسرت مجامعت مکن زیرا اگر فرزندی به دنیا باید جلاد و قاتل و کاهن می‌گردد.

یا علی مقابل قرص خورشید و شعاع آن مجامعت مکن مگر بین شما و آفتاب ستر و پرده‌ای باشد زیرا اگر چنین نمودی و فرزندی متولد شد پیوسته در فقر و فاقه خواهد بود تا از دنیا برود.

یا علی بین اذان و اقامه با همسرت نزدیکی مکن زیرا اگر فرزندی متولد شد بر ریختن خون مردم حریص می‌باشد.

یا علی هر گاه همسرت حامله و باردار بود بدون وضوء با او جماع مکن زیرا اگر فرزند متولد شود کورباطن و بخیل و ممسک می‌گردد.

یا علی در نیمه شعبان با همسرت وقاع مکن زیرا اگر فرزند متولد شود زشت و بد مو و بد صورت خواهد بود. یا علی در آخر درجه و آخرین اوقات ماه شعبان (یعنی هنگامی که دو روز از آن باقی مانده) با همسرت مجامعت مکن زیرا اگر فرزندی متولد شود احمق و کم فهم می‌گردد.

یا علی با همسرت به عشق خواهرش مجامعت مکن زیرا اگر فرزندی متولد شود عسّار (گمرکچی) یا مددکار ظالم شده و گروهی از مردم به دستش هلاک می‌گردند.

یا علی روی سقف ساختمان با همسرت مجامعت مکن زیرا اگر فرزندی متولد شود منافق و مخاصم و مبدع می‌گردد.

یا علی وقتی به سفر رفتی در آن شب با همسرت هم بستر مشو زیرا اگر فرزندی متولد شود مالش را در راه باطل و غیر حق صرف می‌کند و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم این آیه را قرائت فرمود:

إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ (تبدیرکنندگان هم بستگان و یاوران شیاطین هستند)!! یا علی هر گاه به سفری که سه شبانه روز می‌باشد رفتی با همسرت مجامعت مکن زیرا اگر فرزندی متولد شود مددکار ظالمی که به تو ستم می‌کند می‌گردد.

یا علی بر تو باد که شب دوشنبه مبادرت به جماع نمایی زیرا فرزندی که متولد می‌شود حافظ قرآن بوده و به آنچه حق عزّ و جل تقسیم کرده خشنود و راضی می‌باشد.

یا علی اگر با اهل خود در شب سه شنبه هم بستر شوی و فرزندی متولد شود به وحدانیت حق تعالی و رسالت محمد مصطفی شهادت داده و به فیض شهادت نائل خواهد گشت، حق عز و جل او را در آخرت با مشرکین عذاب نمی کند دهانش خوشبو و قلبش مهربان و سخی الید و زبانش از غیبت و دروغ و بهتان منزّه می باشد.

یا علی اگر در شب پنجشنبه با همسرت نزدیکی نمودی و خدا فرزندی به شما عنایت فرمود فرمانروایی از فرمانروایان یا عالمی از علماء خواهد شد و اگر در روز پنجشنبه هنگام زوال آفتاب واقعه نمودی و فرزندی متولد شد تا زمانی که این فرزند پیر شود شیطان نزدیکش نرفته و شخصی بافهم بوده و سلامت در دین و دنیا را خداوند نصیبش می فرماید و اگر شب جمعه مجامعت نمودی و فرزندی متولد شد خطیب و سخنور می گردد و اگر روز جمعه بعد از عصر واقعه نمودی و فرزندی متولد گردید معروف و مشهور می شود.

و اگر در شب جمعه بعد از عشاء مجامعت نمودی امید می رود که فرزند بدلی از ابدال گردد.

یا علی در اوّل ساعت از شب با اهل خود مجامعت مکن زیرا اگر فرزندی به دنیا بیاید ساحر گشته و دنیا را بر آخرت بر می گیرند.

یا علی این وصایا و سفارشات را از من حفظ نما همان طوری که من از جبرئیل علیه السلام حفظ نمودم.

علل الشرائع، ج ۲، ص ۵۱۵ / الأمالی (للصدوق)، ص ۵۶۷ / من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص

۵۵۲

جامع الأخبار (للشعیری)، ص ۱۰۳ / مکارم الأخلاق، ص ۲۰۹

الوافی، ج ۲۲، ص ۷۳۱ / بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۸۱

الإمام الرضا علیه السلام: الْجَمَاعُ بَعْدَ الْجَمَاعِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَكُونَ بَيْنَهُمَا غُسْلٌ يُورِثُ لِلْوَلَدِ الْجُنُونَ.

امام رضا علیه السلام: آمیزش پس از آمیزش، بدون این که میان آنها غسل باشد، دیوانگی را برای فرزند در پی می آورد.

طب الإمام الرضا علیه السلام: ص ۲۸

بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۱ / مکاتیب الأئمة علیهم السلام، ج ۵، ص ۲۰۳

الإمام الرضا علیه السلام: لَا تَقْرَبِ النِّسَاءَ فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ لَا شِتَاءً وَلَا صَيْفًا، وَ ذَلِكَ أَنَّ الْمَعِدَةَ وَالْعُرْوَةَ تَكُونُ مُمْتَلِئَةً وَ هُوَ غَيْرُ مَحْمُودٍ، يُتَخَوَّفُ مِنْهُ الْقَوْلُنْجُ وَالْفَالِجُ، وَاللَّقْوَةُ، وَ النَّقْرُسُ، وَ الْحِصَاةُ، وَ التَّقْطِيرُ، وَ الْفَتْقُ وَ ضَعْفُ الْبَصَرِ وَ الدَّمَاغِ. فَإِذَا أُرِيدَ ذَلِكَ فَلْيَكُنْ فِي آخِرِ اللَّيْلِ؛ فَإِنَّهُ أَصَحُّ لِلْبَدَنِ، وَ أَرْجَى لِلْوَلَدِ، وَ أَذْكَى لِلْعَقْلِ فِي الْوَلَدِ الَّذِي يُقْضَى بَيْنَهُمَا.

امام رضا علیه السلام: در آغاز شب، نه در زمستان و نه در تابستان، با زنان نزدیکی مکن؛ چرا که [در آن هنگام]، معده پُر است و این کار، ناستوده، و از آن، بیم قولنج، فلج (سست اندامی) و لقوه (کزدهانی)، نقرس، سنگ (مثانه یا کلیه)، ریزش غیر ارادی ادرار، فتق و ضعف بینایی و هشیاری وجود دارد. اگر چنین کاری را

بخواهند، باید در آخر شب باشد؛ چرا که بیشتر موجب سلامتِ بدن است، در آن بیشتر امید فرزند می‌رود و برای فرزندی که میان زن و مرد تقدیر می‌شود، هوش بیشتری را سبب می‌شود.

طَبَّ الإمام الرضا علیه السلام، ص ۶۴

بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۷ / مکاتیب الأئمة عليهم السلام، ج ۵، ص ۲۲۰

پیوست شماره ۳: روایاتی در مورد معرفی مشاغل برتر (کشاورزی، باغداری، دامداری و خیاطی)

روایات کشاورزی و باغداری:

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ السَّرِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ يَزِيدَ بْنِ هَارُونَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ: الزَّارِعُونَ كَثُورُ الْأَنْبَامِ يَزْرَعُونَ طَيِّبًا أَخْرَجَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَحْسَنُ النَّاسِ مَقَامًا وَ أَقْرَبُهُمْ مَنْزِلَةً يُدْعَوْنَ الْمُبَارَكِينَ.

امام صادق علیه السلام: کشاورزان گنج‌های مردمند که آن پاکیزه را که خداوند برون آورده، کشت می‌کنند. ایشان در روز رستاخیز، نیک پایه‌ترین مردمند و از دیگران به خدا نزدیک‌تر و «مبارک» خوانده می‌شوند.

الكافي، ج ۵، ص ۲۶۱

الوافي، ج ۱۷، ص ۱۳۲

رُويَ أَنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْكَيْمِيَاءُ الْأَكْبَرُ الزَّرَاعَةُ.

امام صادق علیه السلام: بزرگترین کیمیا، کشاورزی است.

الكافي، ج ۵، ص ۲۶۱

وسائل الشيعة، ج ۱۹، ص ۳۴ / الوافي، ج ۱۷، ص ۱۳۲ / جامع أحاديث الشيعة (للبروجردي)، ج ۲۳، ص ۹۷۰

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ سَيَابَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلَهُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَسْمَعُ قَوْمًا يَقُولُونَ إِنَّ الزَّرَاعَةَ مَكْرُوهَةٌ فَقَالَ لَهُ: ازْرَعُوا وَ اغْرِسُوا فَلَا وَاللَّهِ مَا عَمِلَ النَّاسُ عَمَلًا أَحَلَّ وَ لَا أَطْيَبَ مِنْهُ وَاللَّهِ لَيَزْرَعَنَّ الزَّرْعَ وَ لَيَغْرِسَنَّ النَّحْلَ (الغرس) بَعْدَ خُرُوجِ الدَّجَالِ.

امام صادق علیه السلام در پاسخ به مردی که گفت: «شنیده‌ام که برخی می‌گویند: "کشاورزی ناپسند است"»: کشاورزی کنید و بکارید؛ که به خدا سوگند! مردم کاری حلال‌تر و پاک‌تر از کشاورزی انجام نمی‌دهند. و به خدای سوگند! پس از بیرون شدن دجال [در عصر ظهور امام موعود علیه السلام] فراوان کشاورزی می‌شود و بسی درخت خرما کاشته خواهد شد.

الكافي، ج ۵، ص ۲۶۰ / تهذيب الأحكام، ج ۷، ص ۲۳۶

الوافي، ج ۱۷، ص ۱۳۰ / وسائل الشيعة، ج ۱۹، ص ۳۳

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عُمَارَةَ عَنْ مِسْمَعٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَمَّا هُبِطَ بِأَدَمَ إِلَى الْأَرْضِ احْتَجَّ إِلَى الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ فَشَكَا ذَلِكَ إِلَى جَبْرَائِيلَ ع فَقَالَ لَهُ جَبْرَائِيلُ: يَا آدَمُ كُنْ حَرَاتًا قَالَ فَعَلَّمَنِي دُعَاءً قَالَ قُلِ اللَّهُمَّ اكْفِنِي مَثْوَى الدُّنْيَا وَ كُلِّ هَوْلٍ دُونَ الْجَنَّةِ وَ الْبَسْنِي الْعَاقِيَةَ حَتَّى تَهْنِئَنِي الْمَعِيشَةَ.

امام صادق (علیه السلام): وقتی حضرت آدم به زمین هبوط کرد، به طعام (غذا) و نوشیدنی احتیاج پیدا کرد پس از این بابت به جبرئیل شکوه کرد. جبرئیل به او گفت: ای آدم! بسیار کشاورزی کن. آدم گفت: پس به من دعائی بیاموز. گفت بگو: اللَّهُمَّ اكْفِنِي مَثْوَنَةَ الدُّنْيَا وَ كُلَّ هَوْلٍ دُونَ الْجَنَّةِ وَ الْبِسْنِي الْعَافِيَةَ حَتَّى تَهْنِنَنِي الْمَعِيشَةَ.

الکافی، ج ۵، ص ۲۶۰

بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۲۱۷ / الوافی، ج ۱۷، ص ۱۳۰ / وسائل الشیعة، ج ۱۹، ص ۳۷

رسول الله صلى الله عليه وآله: لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْمَعِيشَةَ جَعَلَ الْبَرَكَاتِ فِي الْحَرْثِ وَالْعَمِّ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آن گاه که خداوند اسباب گذران زندگی را آفرید، برکت‌ها را در کشت و دام قرار داد.

کنز العمال، ج ۴، ص ۳۲، ح ۹۳۵۴ نقلاً عن الدیلمی عن ابن مسعود

رسول الله صلى الله عليه وآله: اَطْلُبُوا الرِّزْقَ فِي حَبَايَا الْأَرْضِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روزی را در نهان گاه‌های زمین بجوید.

کنز العمال، ج ۴، ص ۲۱، ح ۹۳۰۲

حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ يَحْيَى وَ قُتَيْبَةُ بْنُ سَعِيدٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْغَبْرِی (وَ اللَّفْظُ لِيَحْيَى) (قَالَ يَحْيَى: أَخْبَرَنَا. وَ قَالَ الْأَحْرَانُ: حَدَّثَنَا أَبُو عَوَانَةَ) عَنْ قَتَادَةَ، عَنْ أَنَسٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: « مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَغْرِسُ غَرْسًا، أَوْ يَزْرَعُ زَرْعًا، فَيَأْكُلُ مِنْهُ طَيْرٌ أَوْ إِنْسَانٌ أَوْ بَهِيمَةٌ، إِلَّا كَانَ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ ».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ مسلمانی نیست که نهالی بکارد یا زراعتی کشت کند و پرنده‌ای یا انسانی یا چهارپایی از آن بخورد، جز این که آن برایش صدقه به شمار می‌رود.

صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۱۸۹ / صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۵۲ / مسند أحمد بن حنبل، ج ۲۱، ص ۸۸ و ۱۸۰ / سنن

الترمذی، ج ۳، ص ۴۳۰

شغل انبیاء:

عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ أَبِي السَّرِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ يَزِيدَ بْنِ هَارُونَ الْوَاسِطِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَنِ الْفَلَّاحِينَ فَقَالَ هُمُ الزَّارِعُونَ كُنُوزَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ مَا فِي الْأَعْمَالِ شَيْءٌ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الزَّرَاعَةِ وَ مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا زَرَّاعًا إِلَّا إِدْرِيسَ ع فَاتَّهُ كَانَ حَيَّاطًا.

یزید بن هارون واسطی: از حضرت صادق علیه السلام درباره کشاورزان پرسیدم. فرمود: «آنان کشت‌کنندگان و گنج‌های خدا در زمینش هستند؛ و نزد خدا کاری دوست‌داشتنی‌تر از کشاورزی نیست؛ و خداوند هیچ پیامبری را برنینگیخت جز آن که کشاورز بود، مگر حضرت ادریس علیه السلام که خیاط بود.»

تهذیب الأحكام، ج ۶، ص ۳۸۴

وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۴۲ / الوافی، ج ۱۷، ص ۱۳۳

روایات دامداری:

نگهداری گوسفند:

افزایش برکت:

الجعفریات بِإِسْنَادِهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: «السَّاءُ الْمُنْتَجَةُ بَرَكَةٌ.»

الجعفریات (الأشعثیات)، ص ۱۶۰ / بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۱۳۸

(سند بحار: أَضَلُّ مِنْ أَصُولِ أَصْحَابِنَا عَنْ هَارُونَ بْنِ مُوسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ ع عَنِ النَّبِيِّ ص...)
مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۲۲

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَارِدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ: «مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَكُونُ فِي مَنْزِلِهِ عَنَزٌ حُلُوبٌ إِلَّا قُدَّسَ أَهْلُ ذَلِكَ الْمَنْزِلِ وَبُورِكَ عَلَيْهِمْ، فَإِنْ كَانَتْ أُنْتَيْنِ قُدَّسُوا وَبُورِكَ عَلَيْهِمْ فِي كُلِّ يَوْمٍ مَرَّتَيْنِ. قَالَ: فَقَالَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا: وَكَيْفَ يَقْدَسُونَ؟ قَالَ: يَقِفُ عَلَيْهِمْ مَلَكٌ فِي كُلِّ صَبَاحٍ فَيَقُولُ لَهُمْ قُدَّسْتُمْ وَبُورِكَ عَلَيْكُمْ وَطِبَّكُمْ وَطَابَ إِدَامِكُمْ! قَالَ: قُلْتُ لَهُ: وَمَا مَعْنَى قُدَّسْتُمْ؟ قَالَ: طَهَّرْتُمْ.»

محمد بن مارد گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: «هیچ مؤمنی نیست که در خانه اش بز شیر دهی باشد مگر اینکه اهل آن سرا تقدیس می شوند و برای آنها برکت خواسته می شود، و اگر دو بز باشد روزی دو بار تقدیس و طلب برکت بر ایشان خواهد شد، مردی از شیعیان پرسید: چگونه تقدیس می شوند؟ فرمود: برای آنها دعا می شود که خداوند بشما برکت مرحمت فرماید و پاک شدید و خوراکتان نیز پاک گردید، گوید: عرض کردم: معنای «شما تقدیس شدید» چیست؟ فرمود: یعنی از هر ناپاکی پاک شدید.»

الکافی، ج ۶، ص ۵۴۵ / المحاسن، ج ۲، ص ۶۴۰ / ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۱۷۰

(سند ثواب الاعمال: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَا جَبَلُوهُ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَارِدٍ قَالَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ...)

من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۴۹

(سند الفقيه: رَوَى الْحَسَنُ بْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَارِدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ...)

مکارم الأخلاق، ص ۱۲۹ (با کمی تغییر)

الوافی، ج ۲۰، ص ۸۵۱ / وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۵۱۰ / بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۱۲۷

وَ قَالَ ص: «السَّاءُ فِي الدَّارِ بَرَكَةٌ وَ السَّنَوْرُ فِي الدَّارِ بَرَكَةٌ وَ الرَّحَى فِي الدَّارِ بَرَكَةٌ وَ الشَّاتَانِ بَرَكَتَانِ وَ الثَّلَاثَةُ بَرَكَاتٌ كَثِيرَةٌ.»

پیامبر (صلی الله علیه وآله): «گوسفند در خانه برکت است، گریه در خانه برکت است، آسیاب در خانه برکت است، یک گوسفند در خانه یک برکت است، دو گوسفند دو برکت، و سه گوسفند برکات بسیار است.»
مکارم الأخلاق (طبرسی)، ص ۱۲۹

برطرف شدن فقر:

وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ (أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ عُبَيْسِ بْنِ هِشَامٍ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: «إِذَا اتَّخَذَ أَهْلُ بَيْتِ شَاةٍ أَتَاهُمُ اللَّهُ بِرِزْقِهَا وَزَادَ فِي أَرْزَاقِهِمْ وَارْتَحَلَ الْفَقْرُ عَنْهُمْ مَرَحَلَةً فَإِنْ اتَّخَذَ شَاتَيْنِ أَتَاهُمُ اللَّهُ بِأَرْزَاقِهِمَا وَزَادَ فِي أَرْزَاقِهِمْ وَارْتَحَلَ الْفَقْرُ عَنْهُمْ مَرَحَلَتَيْنِ فَإِنْ اتَّخَذُوا ثَلَاثَةً أَتَاهُمُ اللَّهُ بِأَرْزَاقِهِمْ وَارْتَحَلَ الْفَقْرُ عَنْهُمْ رَأْسًا.»

امام صادق (علیه السلام): « اهل هر خانه که يك گوسفند نگاه دارند خداوند روزی آن گوسفند را بایشان بدهد و روزی ایشان را زیاد کند و فقر از ایشان يك مرحله دور شود و اگر دو گوسفند نگاه دارند خدا روزی آنها را برساند و روزی ایشان را زیاد کند و فقر از ایشان دو مرحله دور میشود و اگر سه گوسفند نگاه دارند حقتعالی روزی آنها را برساند و روزی ایشان را زیاد گرداند و فقر از ایشان در اصل برطرف شود.»

الكافي، ج ۶، ص ۵۴۵ / المحاسن، ج ۲، ص ۶۴۲

(سند محاسن: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ عُبَيْسِ بْنِ هِشَامٍ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ)

الوافي، ج ۲۰، ص ۸۵۰ / وسائل الشيعة، ج ۱۱، ص ۵۰۹ / بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۱۳۲

مِنَ الْفِرْدَوْسِ عَنْ أَنَسٍ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ص: «الشَّاةُ فِي الْبَيْتِ تَرُدُّ سَبْعِينَ بَاباً مِنَ الْفَقْرِ.»

پیامبر (صلی الله علیه وآله): « وجود گوسفند در خانه، هفتاد باب از فقر را رد می کند!»

مکارم الأخلاق (طبرسی)، ص ۱۲۹

شغل انبیاء:

علامه مجلسی (ره) از منابع اهل سنت چندین روایت نقل کرده است:

وَقَالَ ص: «مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا رَاعِيًا غَنِمَ.»

پیامبر (صلی الله علیه وآله): «خداوند هیچ پیامبری را به پیامبری مبعوث نکرد مگر اینکه شبان گوسفند بوده است.»

بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۱۱۷

وَفِي الْحَدِيثِ أَنَّهُ ص قَالَ: «مَا مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا وَ قَدْ رَعَى الْغَنَمَ قَبْلَ: وَ أَنْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: وَ أَنَا.»

پیامبر (صلی الله علیه وآله): «هیچ پیامبری نبود مگر اینکه حتماً شبانی گوسفند می کرده. گفته شد: آیا شما هم؟ فرمود: بله؛ من هم.»

بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۱۱۷

نگهداری گاو و گوسفند:

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: لِعَمَّتِهِ مَا يَمْنَعُكَ أَنْ تَتَّخِذِي فِي بَيْتِكَ بَرَكَةً؟ قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا الْبَرَكَةُ؟ قَالَ: شَاةٌ تُحْلَبُ؛ فَإِنَّهُ مَنْ كَانَ فِي دَارِهِ شَاةٌ تُحْلَبُ أَوْ نَعْجَةٌ أَوْ بَقْرَةٌ تُحْلَبُ فَبَرَكَاتٌ كُلُّهُنَّ.»

امام باقر(علیه السلام) فرمودند: «حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) به عمه خود فرمود: که چه چیز تو را مانع شده است که در خانه خود برکتی نگاه داری؟ گفت: یا رسول الله برکت چیست؟ فرمود: گوسفندی که شیر دهد. چرا که هرکه در خانه اش گوسفند شیرده یا بز شیرده یا گاو شیرده باشد، تمام اینها (باعث) برکت (خانه) هستند.»

الكافي، ج ۶، ص ۵۴۵ / المحاسن، ج ۲، ص ۶۴۱

محاسن با دو سند این روایت را نقل کرده:

سند اول: عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ وَ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ:

سند دوم: وَ رَوَى أَبِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مِثْلَهُ.

الوافي، ج ۲۰، ص ۸۵۱ / وسائل الشيعة، ج ۱۱، ص ۵۱۱ و ج ۲۴، ص ۴۳۰

نگهداری مرغ و خروس:

عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: «أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْأَغْنِيَاءَ بِاتِّخَاذِ الْغَنَمِ وَ الْفُقَرَاءَ بِاتِّخَاذِ الدَّجَاجِ.»

جابر بن عبدالله انصاری نقل می کند که: «رسول خدا(صلی الله علیه و آله) به ثروتمندان دستور دادند که گوسفند نگه دارند، و به فقراء دستور دادند که مرغ نگه دارند.»

مكارم الأخلاق، ص ۱۶۰

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۷۴ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۴۷

وَ قَالَ ص: «الدَّجَاجُ غَنَمٌ فَقَرَاءٌ أُمَّتِي.»

پیامبر(صلی الله علیه و آله): «مرغ، گوسفند فقراء امّت من است.»

مكارم الأخلاق، ص ۱۳۰

از منابع اهل سنت:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ، قَالَ: حَدَّثَنَا عُثْمَانُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عُرْوَةَ، عَنْ الْمُقْبَرِيِّ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: «أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْأَغْنِيَاءَ بِاتِّخَاذِ الْغَنَمِ، وَ أَمَرَ الْفُقَرَاءَ بِاتِّخَاذِ الدَّجَاجِ.» وَ قَالَ: «عِنْدَ اتِّخَاذِ الْأَغْنِيَاءِ الدَّجَاجِ، يَأْذُنُ اللَّهُ بِهَلَاكِ الْقَرَى.»

سنن ابن ماجه - به نقل از ابو هريره -: « خداوند به ثروتمندان دستور داد که گوسفند نگه دارند و تهیدستان را فرمان داد که مرغ نگه دارند. » و فرمود: « هرگاه ثروتمندان [فقط] مرغ نگه دارند [و گوسفند نگه ندارند] خداوند به از بین رفتن [اهل] روستاها [و شهرها] اذن می دهد. »

سنن ابن ماجه، ج ۳، ص ۶۱۶

بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۰ (رَوَى ابْنُ مَاجَةَ مِنْ حَدِيثِ أَبِي هُرَيْرَةَ)

مرغ و خروس؛ باعث برکت و آبادی:

رسول الله صلى الله عليه وآله: «الشَّاةُ فِي الدَّارِ بَرَكَةٌ، وَ الدَّجَاجُ فِي الدَّارِ بَرَكَةٌ.»

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: «گوسفند در خانه، برکت است. مرغ در خانه، برکت است.»

کنز العمال، ج ۱۲، ص ۳۲۶، حدیث ۳۵۲۳۸ (نقلاً عن الحاكم في تاريخه عن انس)

وَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ ع: «لَا يَنْبَغِي أَنْ يَخْلُوَ بَيْتُ أَحَدِكُمْ مِنْ ثَلَاثَةٍ وَ هُنَّ عَمَارُ الْبَيْتِ: الْهَرَّةُ وَ الْحَمَامُ وَ الدِّيكَ؛ فَإِنْ كَانَ مَعَ الدِّيكَ أُنَيْسَةٌ فَلَا بَأْسَ بِذَلِكَ لِمَنْ لَا يَقْدِرُهَا.»

امام هفتم (علیه السلام) فرمود: «نشاید که خانه هر یک از شماها از سه چیز تهی باشد که آنها آباد کن خانه باشند: گربه و کبوتر و خروس و اگر با خروس مرغی هم باشد چه بهتر و گرنه باکی نیست بر کسی که توانا بر آن نیست.» (ترجمه کمره ای)

مکارم الأخلاق، ص ۱۳۰

بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۶۳

أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الصَّفْوَانِيُّ فِي كِتَابِ التَّعْرِيفِ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع أَنَّهُ قَالَ: «لَا تَخْلُوَ الْبَيْتَ مِنْ ثَلَاثَةٍ وَ هِيَ عِمَارَةُ الْبَيْتِ: الْهَرَّةُ وَ الْحَمَامُ وَ الدِّيكَ؛ وَإِنْ كَانَ مَعَ الدِّيكَ أُنَيْسَةٌ فَلَا بَأْسَ إِلَّا أَنْ يُكْرَهَ قَدْرُهَا.»

امام کاظم (علیه السلام) فرمود: «خانه از سه چیز خالی نباشد که آنها آبادی خانه هستند: گربه و کبوتر و خروس. و اگر با خروس مرغی هم باشد اشکالی ندارد مگر آنکه از کثیفی آن کراهت داشته باشید.»

مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۲۸۴

وَ رَوَى ابْنُ عَدِيٍّ فِي كَامِلِهِ فِي تَرْجَمَةِ مَيْمُونِ بْنِ مُوسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع: «أَنَّهُ اشْتَكَى إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص الْوَحْشَةَ. فَقَالَ لَهُ: اتَّخِذْ زَوْجًا مِنْ حَمَامٍ تُؤْنِسُكَ وَ تُوقِظُكَ لِلصَّلَاةِ بِتَغْرِيدِهَا وَ اتَّخِذْ دِيكًا يُؤْنِسُكَ وَ يُوقِظُكَ لِلصَّلَاةِ.»

ابن عدی می گوید: «علی بن ابیطالب (علیه السلام) از ترس به پیامبر (صلی الله علیه وآله) شکایت کرد! پیامبر (صلی الله علیه وآله) به او فرمود: یک زوج کبوتر بگیر که با تو انس بگیرد و با صدایش تو را برای نماز بیدار کند، و خروسی بگیر که با تو انس بگیرد و برای نماز بیدارت کند.»

بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۷

فوائد نگهداری کبوتر در خانه:

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي سَلَمَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: «الْحَمَامُ طَيْرٌ مِنْ طُيُورِ الْأَنْبِيَاءِ (ع) الَّتِي كَانُوا يُنْسِكُونَ فِي بُيُوتِهِمْ. وَ لَيْسَ مِنْ بَيْتٍ فِيهِ حَمَامٌ إِلَّا لَمْ تُصَبْ أَهْلُ ذَلِكَ الْبَيْتِ آفَةٌ مِنَ الْجِنِّ؛ إِنَّ سَفَهَاءَ الْجِنِّ يَعْثُونَ فِي الْبَيْتِ فَيَعْثُونَ بِالْحَمَامِ وَيَدْعُونَ النَّاسَ. قَالَ: فَرَأَيْتُ فِي بُيُوتِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع حَمَامًا لِابْنِهِ إِسْمَاعِيلَ.»

ابو سلمه می گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود: «کبوتر از پرندehای پیامبران است که در خانه خود نگه می داشتند و هیچ خانه ای نیست که در آن کبوتر باشد مگر آن که آفتی از جن باهل آن خانه نمی رسد؛ چون که همانا بی خردان جن در خانه بازی کنند و (اگر در خانه کبوتر باشد) با کبوتر بازی کنند و مردم (و اهل خانه) را رها می کنند.» (ابو سلمه) گفت: دیدم کبوتری از آن پسرش اسماعیل در خانه امام صادق (علیه السلام) بود.

الکافی، ج ۶، ص ۵۴۷

وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۵۱۶ / الوافی، ج ۲۰، ص ۸۵۵ / بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۸

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: «لَيْسَ مِنْ بَيْتِ نَبِيٍّ إِلَّا وَ فِيهِ حَمَامٌ لِأَنَّ سَفَهَاءَ الْجِنِّ يَعْثُونَ بِصِبْيَانِ الْبَيْتِ فَإِذَا كَانَ فِيهِ حَمَامٌ عَبَثُوا بِالْحَمَامِ وَ تَرَكُوا النَّاسَ.»

امام صادق (علیه السلام): «هیچ خانه ای از پیامبران نیست مگر آنکه در آن کبوتر است! چرا که بی خردان جن با بچه های خانه بازی می کنند پس اگر در آن خانه کبوتر باشد، آنها با کبوتر بازی خواهند کرد و انسان را رها می کنند.»

مکارم الأخلاق، ص ۱۳۱

بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۶۳

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبَانَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: «كَانَ فِي مَنْزِلِ رَسُولِ اللَّهِ ص زَوْجٌ حَمَامٌ أَحْمَرٌ.»

امام صادق (علیه السلام): «در منزل رسول الله (صلی الله علیه وآله) یک زوج کبوتر قرمز بود.»

الکافی، ج ۶، ص ۵۴۸

الوافی، ج ۲۰، ص ۸۵۷ / وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۵۲۰ / بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۰

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْجَامُورَانِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَنْدَلٍ عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ قَالَ: «ذُكِرَتِ الْحَمَامُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَقَالَ اتَّخَذُوهَا فِي مَنَازِلِكُمْ؛ فَإِنَّهَا مَحْبُوبَةٌ لِحَقِّهَا (ن ل: لحقها) دَعْوَةَ نُوحٍ ع وَ هِيَ أَسْسُ شَيْءٍ فِي الْبُيُوتِ.»

زید شحام می گوید: «در نزد امام صادق (علیه السلام) یادی از کبوتر شد؛ امام صادق (علیه السلام) فرمود: «در منازل خود کبوتر نگه دارید؛ همانا کبوتر محبوب و دوست داشتنی است، دعای حضرت نوح (ع) شامل او شده، و بهترین چیز برای انس گرفتن در خانه است.»

الکافی، ج ۶، ص ۵۴۷

الوافی، ج ۲۰، ص ۸۵۵ / وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۵۱۷ / بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۸

توصیه به نگهداری حیوانات خانگی:

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ فِي قُرْبِ الْإِسْنَادِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ ظَرِيفٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلْوَانَ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ: «كَانُوا يُحِبُّونَ أَنْ يَكُونَ فِي الْبَيْتِ الشَّيْءُ الدَّاجِنُ، مِثْلُ الْحَمَامِ أَوْ الدَّجَاجِ أَوْ الْعَنَاقِ، لِيُعْبَتَ بِهِ صِبْيَانُ الْجَنِّ وَلَا يَعْثُونَ بِصِبْيَانِهِمْ.»

امام صادق (علیه السلام) از پدرش امام باقر (علیه السلام): «همیشه دوست داشتند که یک چیزی که با خانه الفت و انس بگیرد (حیوانات اهلی و خانگی) - مثل کبوتر و مرغ و بز - در خانه باشد؛ تا اینکه کودکان جن با آنها مشغول بازی شوند و با کودکان انسان بازی نکنند.»

قرب الإسناد، ص ۹۳

وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۵۲۴ / بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۷۴ و ج ۶۲، ص ۱

الحسين بن بسطام في طب الأئمة، عن المظفر بن محمد بن عبد الرحمن عن عبد الرحمن بن أبي نجران عن سليمان بن جعفر عن إبراهيم بن أبي يحيى المدائني قال قال رسول الله ص: «أكثرنا من الدواجن في بيوتكم تتشاكل بها الشياطين عن صبيانكم.»

پیامبر (صلی الله علیه وآله): «زیاد در خانه های تان حیوانات نگه دارید که شیطان با بازی با آنها از کودکان شما روی گردان شوند.»

طب الأئمة عليهم السلام (ابن بسطام)، ص ۱۱۲

وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۵۲۱ / هداية الأئمة إلى أحكام الأئمة (شیخ حرّ عاملی)، ج ۵، ص ۱۲۸ / طب الأئمة عليهم السلام (للشیر)، ص ۲۸۹ / بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱ - ج ۹۲، ص ۱۵۰ - ج ۶۰، ص ۲۰۶ - ج ۶۰، ص ۷۴ / مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۲۸۵

راهکاری برای رفع فقر:

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْغِفَارِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: مَنْ أَعْيَنَهُ الْقُدْرَةُ فَلْيُرَبِّ صَغِيرًا.

عبدالله بن ابراهیم با واسطه از امام صادق علیه السلام روایت می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هرکس تقدیر و راه چاره اندیشی بر او بسته شده است به پرورش [حیوان و گیاه] کوچک روی آورد.»

الکافی، ج ۵، ص ۳۱۱

وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۴۵۷ / هدایة الأئمة علیهم السلام، ج ۶، ص ۱۱۶ / الوافی، ج ۱۷، ص ۱۸۷ / جامع أحادیث الشیعة (للبروجردی)، ج ۲۳، ص ۲۷۶

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْمُثَنَّى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ ضَاقَ عَلَيْهِ الْمَعَاشُ أَوْ قَالَ الرَّزْقُ فَلْيُشْتَرِ صِغَارًا وَ لِيُبَيْعَ كِبَارًا.

هشام بن مثنی از امام صادق علیه السلام روایت می کند که فرمود: «هرکس زندگی (یا روزی) بر او سخت گردد، پس [حیوان و گیاه] کوچک بخرد و آنان را بزرگ کند و بفروشد.»

الکافی، ج ۵، ص ۳۰۵

هدایة الأئمة إلى أحكام الأئمة علیهم السلام، ج ۶، ص ۱۱۶ / وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۴۵۷ / الوافی، ج ۱۷، ص ۱۸۷ / جامع أحادیث الشیعة (للبروجردی)، ج ۲۳، ص ۲۷۶

خیاطی:

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص أَنَّهُ قَالَ: عَمَلُ الْأَبْرَارِ مِنَ الرِّجَالِ الْخِيَاطَةُ وَ عَمَلُ الْأَبْرَارِ مِنَ النِّسَاءِ الْعَزْلُ. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «شغل مردان نیکوکار، خیاطی (دوزندگی) است و شغل زنان نیکوکار، ریسندگی.»

مجموعه ورام، ج ۱، ص ۴۱

جامع أحادیث الشیعة (للبروجردی)، ج ۲۲، ص ۷۱۸

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص أَنَّهُ قَالَ: عَمَلُ الْأَبْرَارِ مِنَ الرِّجَالِ الْخِيَاطَةُ وَ كَانَ ص يَخِيْطُ تَوْبَهُ وَ يَخْصِفُ نَعْلَهُ وَ كَانَ أَكْثَرَ عَمَلِهِ ص فِي بَيْتِهِ الْخِيَاطَةُ.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: شغل مردان نیکوکار، خیاطی (دوزندگی) است و ایشان همواره لباسش را می دوخت و کفشش را وصله می زد و بیشترین کار آن حضرت در خانه، خیاطی (دوزندگی) بود.

مجموعه ورام، ج ۱، ص ۴۱

مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۲۶ / جامع أحادیث الشیعة (للبروجردی)، ج ۲۲، ص ۷۱۸

سُئِلَتْ عَائِشَةُ مَا كَانَ النَّبِيِّ ص يَصْنَعُ إِذَا خَلَا قَالَتْ يَخِيْطُ تَوْبَهُ وَ يَخْصِفُ نَعْلَهُ وَ يَصْنَعُ مَا يَصْنَعُ الرَّجُلُ فِي أَهْلِهِ. وَ عَنْهَا: أَحَبُّ الْعَمَلِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ الْخِيَاطَةُ.

از عایشه پرسیدم: پیغمبر (ص) در خانه چه می کرد؟ گفت: جامه اش را می دوخت و نعلین خود را پینه می کرد، و کارهایی که یک مرد با اهل خود میکند می نمود. از عایشه: محبوبترین کارها برای پیغمبر (ص) خیاطی بود. مکارم الأخلاق، ص ۱۶ / بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۳۰

پیوست شماره ۴: آمارهایی در مورد خطاهای مکرر غربالگری در ایران!

متأسفانه آمار مثبت کاذب و منفی کاذب در کشور ما بسیار زیاد است. در ایران، آمار مثبت کاذب برای غربالگری زایمان، حدود ۱۶.۵ درصد محاسبه شده است و این بدین معناست که شما برای پیدا کردن هر یک نفری که مبتلا به سندرم داون است باید حدود ۱۶۰ نفری را که احتمال زیاد نوزادشان سالم است را محتملاً دچار نقص جنین تشخیص داده و او را به این سمت تشویق می‌کنید که ۵ میلیون تومان برای آزمایش‌های تکمیلی غربالگری هزینه کند تا مطمئن بشود که نوزادش گرفتار سندرم داون نیست. لذا این آمار از این جهت مهم است که از این مسیر، هزینه هنگفتی از جیب خانوارها به جیب ذی نفعان ریخته می‌شود.

از سوی دیگر، آمار منفی کاذب غربالگری ما هم بسیار بالاست. در شرایطی که سالانه بین ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ جنین داون از بین تمامی بارداری‌ها، نتیجه‌شان مثبت می‌شود یعنی اگر ما هیچگونه غربالگری انجام ندهیم، انتظار داریم که بین ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ جنین داون، متولد بشوند اما تقریباً تمامی زنان باردار را درگیر فرآیند غربالگری کردیم تا ۱۵۰۰ نفر مذکور را بیابیم در حالیکه بنابر آمار رسمی سال‌های گذشته، سالی ۳۰۰ نوزاد داون علی‌رغم غربالگری‌های انجام شده، متولد شده است، از چنین وضعی در ادبیات علمی به آمار منفی کاذب تعبیر می‌شود.

منبع: خبرگزاری فارس

<http://fna.ir/flyocf>

غربالگری، کلاه گشاد پزشکان بر سر مادران باردار!

سالهاست که به بهانه گسترش بیماری‌های ژنتیکی، تجویز نادرست آزمایش غربالگری از سوی پزشکان، هزاران نوزاد را به کام سقط جنین می‌کشاند.

به گزارش خبرگزاری صدا و سیما مرکز قم؛ گسترش بیماری‌های ژنتیکی در دنیا و پیشرفت علم سبب شد تا برخی آزمایش‌ها در دوران بارداری برای شناسایی این اختلالات ژنتیکی به کمک خانواده‌ها بیایند.

در این میان از سال ۸۰ آزمایش غربالگری مادران باردار برای تشخیص ۳ سندروم تریزومی ۱۳ تریزومی ۱۸ و تریزومی ۲۱ یا مونگولیسیم وارد کشور شد. از این سه مورد، سندروم ۱۳ و ۱۸ در بیشتر موارد در همان دوران بارداری سبب مرگ جنین می‌شود چرا که آزمایش غربالگری‌اش، با وجود متمر بودن، در ایران خطای بالایی دارد.

با مطالعه نتایج تحقیقات چند پزشک ایرانی به نتایج بیشتری دست یافتیم، یکی از آنها خانم دکتر زینالی زاده بود، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، او می‌گفت: نود و چهار و نیم درصد مادران باردار با تجویز پزشک به سمت این آزمایش می‌روند و این در حالیست که در کشورهای توسعه یافته مثل انگلستان این آزمایش تنها برای مادران بالای ۳۵ سال و کسانی که سابقه بیماری ژنتیکی از جمله تریزومی ۲۱ دارن تجویز می‌شود.

او می‌گفت: در کشور ما به دلیل اینکه اگر فرزند مبتلا به سندروم داون متولد شود پزشک مورد مواخذه قرار می‌گیرد پزشکان این تست را برای همه زنان باردار تجویز می‌کنند.

خانم دکتر زینالی زاده در ادامه گفت: نتیجه این آزمایش قطعیت صد در صد ندارد و فقط احتمال ابتلا جنین را در سه سطح کم خطر، خطر با ریسک متوسط و پر خطر نشان می دهد، ما روی دو هزار مادر باردار تحقیق انجام دادیم، نتیجه کار، مثبت و منفی های کاذب این آزمایش بود، یعنی به مادر می گویند: جنین درصد بالایی احتمال دارد مبتلا باشد اما در آزمایش تکمیلی متوجه می شود بچه سالم است یا بر عکس می گویند احتمال کم است اما بچه سندروم داون متولد میشود.

... خانم دکتر زینالی می گفت: به طور طبیعی در سه ماهه اول، نیم درصد از بارداری ها به سقط ختم می شود که در این سالها به دو و نیم درصد رسیده و این یعنی ۲۲ هزار مادر اقدام به سقط غیر مجاز فرزندان خود می کنند، آن هم از ترس معلولیت سندروم داون! شاید اگر پزشک، مشاوره درست به آنها می داد چنین اتفاقی نمی افتاد، مادر حق دارد بداند به احتمال ۹۹ درصد جنین سالم است اما گاهی پزشکان در گفتن این جملات آرام بخش کوتاهی می کنند.

به قول آقای شریعتی (مشاور سابق معاون وزیر بهداشت) ثمره این تست باید توقف تولد فرزندان سندروم داون می شد. درست است بین ۳۰۰ تا ۷۰۰ نفر سالانه کمتر متولد می شوند اما در کنارش سالانه نزدیک به ۲۳ هزار جنین سالم را در اثر خطای این آزمایش از دست می دهیم!

از سرنوشت همه مادران رنج دیده و سقط جنین کرده که بگذریم، من خود نمونه خوبی برای اثبات اشتباه بودن تشخیص های پزشکان هستم؛ چرا که از تهیه این گزارش چند ماهی می گذرد و من همان ابتدا وقتی فهمیدم جز گروه پرخطر نیستم و این تست را انجام ندادم، حالا که این سطور را می نویسم، دخترم سالم و سلامت در آغوش من است، من اما به آغوش سرد مادرانی فکر می کنم که دیگر از وجود فرزند گرم نخواهد شد.

منبع: خبرگزاری صدا و سیما - قم / زهره بیادی

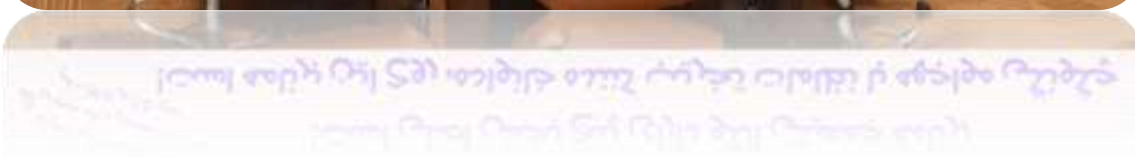
کد خبر: ۳۱۹۸۲۹۹ - تاریخ انتشار: ۳۰ مرداد ۱۴۰۰

<https://www.iribnews.ir/00DQ1T>



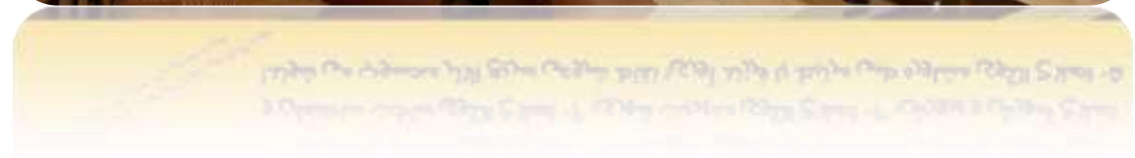
صحت‌الاسلام علی‌الکشوری
نشست تخصصی برنامه جمعیتی الگو
شبه ۲۵ تیر ۱۴۰۱ - قم

برنامه جمعیتی الگو دارای پنج بخش اصلی است!
چگونگی مواجهه با نظامات تخریب کننده خانواده، روح این برنامه است!



صحت‌الاسلام علی‌الکشوری
نشست تخصصی برنامه جمعیتی الگو
شبه ۲۵ تیر ۱۴۰۱ - قم

برای حمایت پایدار از "خانواده و فرزند آوری" پنج برنامه ۱- اصلاح الگوی اشتغال و تجارت، ۲- اصلاح آموزش و پرورش، ۳- اصلاح الگوی مدیریت شهری، ۴- اصلاح الگوی ساخت ساختمان و ۵- اصلاح الگوی مشاوره طبی مرتبط با فرزند آوری؛ نقاط شروعی سریع الاثر محسوب می شوند!





نشست تخصصی برنامه جمعیتی الگو روز شنبه ۲۵ تیر ۱۴۰۱
در شهر مبارک قم برگزار گردید.

به فضل الهی

جدول تصمیم بر نامه جمعیتی الگوی پیشرفت اسلامی

آثار تصمیمات:	تصمیمات پیشنهادی:		دسته بندی تصمیمات:
اصلاح قوانین و شرایط اشتغال نامناسب بانوان (به عنوان اصلی ترین مانع فرزندآوری) / شناخت، تسهیل و راه اندازی مشاغل و شرایط مناسب برای بانوان (مانند: تثبیت قانون مرخصی زایمان، شناسایی و راه اندازی مشاغل دورکار، و احیاء زیست بوم مشاغل خانگی و محله ای برای بانوان) / طبقه بندی صحیح مشاغل بر اساس مشاغل برتر (کشاورزی، دامداری، باغداری و خیاطی) / زمینه سازی برای رفع مشکل طولانی بودن فاصله محل کار از محل سکونت / زمینه سازی برای ارتقاء ۶۰ درصد از مشاغل کشور به سمت تولید خانگی و محله ای در بخش تولید غذا	تدوین و تدریس دفترچه مشاغل خانگی و محله ای	اولویت اول:	برنامه اجرایی الگوی پیشرفت اسلامی برای جمعیت
تغییر اهداف آموزش و پرورش فعلی از تربیت خدمه برای بخش خدمات و تولید به سمت تربیت انسان برای پذیرش "مسئولیت های خانوادگی" / ارائه ۱۵۰ پیشنهاد در "نظریه آموزش و پرورش آینده" در راستای تقویت خانواده ها برای تکفل آموزش فرزندان	تدوین و تدریس برنامه اجرایی آموزش و پرورش آینده	اولویت دوم:	
بازتعریف مفهوم محله / زمینه سازی برای تغییر مدیریت شهری معیوب منطقه محور به محله محور (تامین نیازهای چهارگانه خانوار - تفریحی، شغلی، روزمره، آموزشی - درون محله) / محله محور شدن عملکرد مساجد، ائمه جمعه و جماعات	تدوین برنامه مدیریت شهری و محلات مطلوب برای ائمه جمعه و جماعات و شهرداری ها	اولویت سوم:	
فراهم آوردن طرح جایگزین مشخص برای دار و اسعه در مقابل طرح های معیوب ساخت أم الفساد آپارتمان / تامین نیازهای چهارگانه خانوار درون محله / زمینه سازی برای تسهیل تجارت عموم مردم / کاهش قیمت تمام شده کالا	طراحی و انتشار نقشه ساختمان (دار و اسعه)، بازارهای موقت، مسجد محله و نقشه کلان فضایی محله	اولویت چهارم:	
ایجاد شرایط تعدیل و پاکسازی مزاج مادران قبل از فرزندآوری = پیشگیری بسیاری از بیماری های هنگام و بعد از بارداری / زایمان آسان و ...	برگزاری نشست تخصصی "طیب مشاور فرزندآوری"	اولویت پنجم:	
رفع اشکالات، اصلاح و ارتقاء برنامه جمعیت الگو و آماده کردن لویح برای تقدیم به مجلس و دولت جهت تبدیل به قانون و سپس تصویب آنها	راه اندازی گفتگو و مباحثه حول "برنامه جمعیتی الگوی پیشرفت اسلامی" در جمع فعالان عرصه جمعیت و خانواده	اولویت ششم:	

* مسیرهای ارتباطی:

پایگاه اطلاع رسانی نقشه راه nro-di.blog.ir

کانال «الگو» در پیام رسان ایتا [@Olgou4](https://www.olgou4.com)